

# نصایح

درس های برگرفته از

(زی طلبگی و آداب تعلیم و تعلم)

آية الله العظمى ميرزا جواد تبریزی (قدس سره)

دار الصديقة الشهيدة (عليها السلام)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## وصیت نامه فقیه مقدس

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

بسمه تعالی

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك اعدائهم

حال که پیکر این جانب بر دستان شماسست و یا در قبر آرمیده است، بر دستان شاگردان عزیزم که سال ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکردم، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ گاه اجازه ندهند بعضی با القاء شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، خصوصاً در مسائل شعائر حسینیّه که تشیع به واسطه آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت (علیهم السلام) حفظ مذهب بر حق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسؤول هستید، به طلاب عزیز نصیحت می کنم که با جدّیت و تلاش تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مدّ نظر داشته باشند. این جانب در طول دوران عمرم، طلبه ای بیش نبودم و مثل يك طلبه جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش می کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم سکان هدایت مردم به دست شماسست. کاری نکنید که دل امام زمان (علیه السلام) به درد آید. او ناظر بر اعمال ما به اذن خداست و در همین جا از پیشگاه مبارکشان می خواهم که اگر کوتاهی از طرف این جانب سر زده، بر من بیخشند، عزیزانم به دعای خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته ام که در ادای وظیفه خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را يك خادم كوچك حساب می کردم که امیدوارم این خدمت ناچیز مورد رضایت اهل بیت (علیهم السلام) واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می سپارم. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیعاً وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکَاتُهُ.

### سند تبدیل فاطمیّه به عاشورای دوّم

با اقدام شجاعانه و به موقع آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، فاطمیّه به عاشورای دوم تبدیل شد. در نیمه دهه دوّم قرن پانزدهم هجری؛ یعنی در روز سوم جمادی الثانی سال ۱۴۱۴ هـ. ق، برابر با سال ۱۳۷۴ هـ. ش، ایام فاطمیّه به همت فقیه مقدس میرزای تبریزی (قدس سره) به عاشورای دوّم تبدیل شد. ایشان با مشاهده تشکیکات در خصوص واقعه هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مجلس عزاداری روز شهادت حضرت را با پای برهنه و بر سر و سینه زنان برگزار کردند و در تاریخ تشیع اولین مرجعی بودند که با اقدام به این کار ضمن تحوّل در مراسم فاطمیّه، آن را به عاشورای دوم تبدیل کردند و این افتخار تا ابد در پرونده ایشان باقی ماند و با الگوگیری از آن مرجع فاطمی این سنت حسنه ادامه یافت و امروز برگزاری فاطمیّه و عظمت آن، مرهون تلاش و مواقف شجاعانه آن فقید راحل می باشد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



\* خودسازی و نیل به کمال انسانی

\* سفارش به طلاب در امر تحصیل

\* خصوصیات یک طلبه





## خودسازی و نیل به کمال انسانی

در نظر میرزای تبریزی (قدس سره)

یکی از سؤالاتی که معمولاً نسل جوان (به خصوص طلاب جوان) از فقیه مقدس، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می پرسیدند، این بود که چه کنیم که در کارها موفق گردیم و در نهایت از زندگی خود کمال استفاده را بنماییم؟ و حرکات و سکنات ما مورد رضای پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) باشد؟

انسان موجودی کمال جو است که برای رسیدن به این کمال همه امکانات در اختیار او قرار گرفته است. (وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ)<sup>(۱)</sup>; «و آنچه در آسمان ها و زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخت».

بی شك در اختیار گرفتن همه امکانات بدان جهت است که انسان مراتب کمال را به صورت صعودی طی کند و بیش از پیش به موفقیت هایی چه در ابعاد مادی و چه معنوی دست یابد.

برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر و چشیدن طعم شیرین موفقیت، شرایط و عواملی لازم است تا در سایه به کار بستن آنها، بهتر بتوان به آن اهداف دست یافت. از مجموع استفتائات و نصایح به جا مانده از آن فقیه مقدس راحل، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) جهت کسب مراتب کمال موارد زیر استفاده می شود:

۱- اولین مرحله، اهمیت به تکالیف شرعی است، انسان ابتدا باید به واجبات خود اهمیت خاصی دهد، وظایف خود را به نحو احسن ادا نماید و در انجام آنها سهل انگاری نکند و این اولین گام جهت کسب معنویت و توفیق است.

۲- پرهیز از گناه: انسان طالب کمال باید در فعل و کلام خود تقوای الهی را مد نظر بگیرد و به خاطر مکاسب دنیا، خلاف نگوید. گاهی انسان به خود می باوراند که مسئله ای نیست بعداً جبران می کنم و (نعوذ بالله) دروغ می گوید، حال آنکه همین کار، او را از کسب توفیق محروم کرده و به عقب می راند. شیطان در کمین انسان است و سعی می کند برای کارهای خلاف، توجیهی را به فرد، القا کند، تا او را به سوی انجام کار خلاف بکشد. انسان نباید مکاسب و لذات دنیا را مقدم بر اطاعت پروردگار بنماید؛ بلکه باید فرامین الهی را خالصانه انجام دهد و از گناه بپرهیزد.

۳- محبت واقعی به اهل بیت (علیهم السلام) داشتن: خداوند متعال می فرماید: «وابتغوا الیه الوسیله»<sup>(۲)</sup> و مصداق بارز این آیه شریفه اهل بیت (علیهم السلام) هستند و آنها کشتی نجات می

(۱) سوره جاثیه، آیه ۱۳.

(۲) مائده، آیه ۳۵.

باشند و هرکس به حبل متین آنان چنگ بزند، سعادت دنیا و آخرت را کسب خواهد کرد. اگر يك جوان (به خصوص طلبه جوان) بخواهد توفیق الهی شامل حالش شود باید به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) محبت واقعی داشته باشد و در مقابل شبهاتی که بعضی منحرفین به عوام از مؤمنین القا می کنند، بایستند و ارادت و اخلاص خود را ثابت نمایند و برای سایرین در محبت و مودت به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) الگویی نمونه باشد.

۴- دوری از ظلم به دیگران: انسان باید از کارهایی که ظلم بر دیگران محسوب می شود بپرهیزد، که این عمل در توفیقات و نیل انسان به کمال نقش اساسی دارد. خداوند درهای رحمت را بر انسانی که به دیگران ظلم می کند می بندد، و توفیق را از او می گیرد. ظلم مراتبی دارد که گاهی با القای شیطان، به نظر شخصی این طور می آید که این کار، گناهی نیست و اثری نمی گذارد، حال آنکه همان کار اثر وضعی دارد و انسان را به فنا می کشد، اگر شخصی بخواهد کسب توفیق کند باید ظلم را ترك کند و در يك کلام کاری به کسی نداشته باشد و سعی کند خود را بسازد. اگر در حالات بزرگان دین نظر شود مشاهده می گردد که این خصوصیت از موارد بارز اخلاقی آنها بوده است.

۵- شخص طالب کمال اگر طلبه است و می خواهد در تحصیل موفق شود، باید ابتدا تمام همش درس و بحث باشد و در کنار آن از تقوای الهی غافل نباشد. طلبه اول باید خوب درس بخواند تا بتواند مؤثر باشد، سکان هدایت جامعه به دست طلاب است اگر آنها در فراگیری علوم کوتاهی کنند، علاوه بر آنکه مسئول خواهند بود، نمی توانند خدمات دینی مؤثری داشته باشند. اگر يك طلبه در درس، مجد باشد و تقوای الهی داشته باشد به طور یقین به درجه ای والا خواهد رسید و توفیق خواهد یافت که به دین خدمت کند.

خوب درس خواندن و مراعات تقوای الهی، نوری است به سوی سعادت دنیا و آخرت.

۶- یکی از مواردی که می تواند در جهت تهذیب و تذکیه نفس نقش اساسی داشته باشد، همنشین خوب است، به خصوص طلاب جوان که می خواهند مُبَلِّغ دین، احکام الهی و معارف اهل بیت (علیهم السلام) باشند. انسان بر اثر نشست و برخاست با افراد ناشایست به مرور زمان حالات معنوی خود را از دست خواهد داد و نورانیتش به تدریج زایل خواهد شد. خدای ناکرده وقتی متوجه می شود که دیگر دیر شده است، از این رو باید از همان ابتدای دوران تحصیل، افرادی که در درس و بحث و تدین معروف هستند را مورد مشورت خود قرار دهد. اگر خود شخص، اهلیت تشخیص را ندارد از بزرگان کمک بطلبد و سعی کند با هم سن و سالان خود بحث و رفت و آمد داشته باشد. انسان به دوستانی نیاز دارد که بتواند علاوه بر آنکه آنها را مورد مشورت قرار می دهد، از آنان استفاده علمی نموده و اوقات

فراغت خود را با آنان بگذراند. البته باید دقت کند که خدای ناکرده وقت خود را به پای چیزهای بیهوده مصرف نکرده و از کارهایی که قلب انسان را سیاه می کند، بپرهیزد. زیاد خندیدن حکم نمک زیاد در غذا را دارد، طلبه باید با متانت حرف های سنجیده بزند و هر آنچه که به ذهنش می آید، بیان نکند؛ بلکه باید قبل از نطق، در مورد تأثیرات آن فکر کند و با آگاهی حرف بزند. اگر در جوانی مراقب کردار و اعمال باشد و تقوای الهی را پیشه کند، سعادت او تضمین است.

۷- رمز موفقیت يك انسان، استفاده از فرصت ها است. يك جوان، به خصوص يك طلبه اگر بخواهد در آینده موفق شود، باید از تمام لحظاتی که فرا روی خویش دارد استفاده کامل نماید. همانگونه که ائمه ما(علیهم السلام) فرموده اند: «فاغتنموا الفرص فانها تمر مر السحاب؛ فرصت ها را مغتنم شمارید که همچون ابر عبور می کند»، «الفرصة تمر مر السحاب فانتبهوا فرص الخیر؛ فرصت ها همچون عبور ابرها می گذرد بنابراین فرصت های نیک را غنیمت شمارید»، «اضاعة الفرصة غصه، فان لكل شیء مده واصلا و...؛ از دست دادن فرصت غم انگیز است...».

۸- ارتباط معنوی: اگر شخصی بخواهد در کار خود موفق باشد، ابتدا باید بر کیفیت تکالیف شرعی خود بیفزاید و آن گاه از دعا و ذکر غافل نشود. سعی کند ادعیه معروف را زمزمه کند و از اذکار، از جمله صلوات و استغفار، باز نماند. بعضی از اعمال مستحبی مثل نماز شب نقش اساسی در کمال معنوی دارد ولی باید همراه نشاط باشد و به تدریج انجام گیرد. انسان اگر از کم و به تدریج شروع کرد، بر عمل استمرار پیدا خواهد کرد، ولیکن عجله در انجام اعمال مستحبی و کثرت آن، ممکن است بعضی را خسته کند و چه بسا انسان دیگر توفیق انجام نوافل و ادعیه و... را نیابد. هر جوانی اگر اعمال مستحبی را به تدریج انجام دهد، بر آن عادت خواهد کرد و نورانیت خاصی کسب خواهد نمود. بعضی از جوانان و طلاب در انجام مستحبات افراط می کنند، تجربه ثابت کرده که آنها در استمرار کار موفق نمی شوند، زود خسته شده و آن را ترك می کنند.

۹- از دیگر مواردی که در پیشبرد انسان به سوی فتح قله سعادت و کمال در دنیا و عقبی از اهمیت به سزایی برخوردار است، مسئله توکل است. اگر عمل، خالصانه و همراه با توکل انجام گیرد سرانجام، رضایت ایزدمنان را به دنبال خواهد داشت. انسان مؤمن و متدین، ضمن آنکه کار را خالصانه و برای خدا انجام می دهد، مزد و پاداشش را هم باید از خدا بخواهد و پروردگار متعال به او عنایت خواهد کرد. توکل، خود بهترین زمینه است برای انسان در مسیر کسب معنویت و ارتقای درجه.

۱۰- دوری از غرور و متخلق شدن به صفات حمیده ای مثل تواضع و فروتنی، انسان باید در تمام مراحل زندگی از غرور و کبر دوری کند و از خداوند متعال و اهل بیت(علیهم السلام) بخواهد که توفیقش دهند تا هیچ گاه فریب شیطان را نخورد، و با تواضع، فروتنی و ساده زیستی مرضیّ امام زمان(علیه السلام) خواهد بود. جوانان، به خصوص طلاب با خواندن و یاد گرفتن چند اصطلاح نباید مغرور شوند؛ بلکه از خدا بخواهند که لحظه ای آنان را به خود وا مگذارد و در دل زمزمه کند که: «الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداء».

## سفارشاتى به طلاب در امر تحصیل

برگرفته از سیر زندگى میرزای تبریزی (قدس سره)

طلاب به خصوص طلاب جوان همواره سؤال می کردند انجام چه کارهایی سبب ترقی انسان به درجات رفیع علمى و معنوى و کسب موفقیت و خدمت به دین را فراهم می آورد؟ پاسخ این پرسش را از سیر زندگى فقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می توان داد:

یکی از خصایل مرحوم میرزا (قدس سره) سحرخیزی بود، ایشان دو ساعت قبل از اذان صبح بیدار می شدند و به تهجد و عبادت می پرداختند و می فرمودند: «به طلبه ها بگوئید سحرخیز باشند که روزی ها در آن ساعات تقسیم می شود». نیمه شب به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می شدند و آن زمان را جهت ارتباط معنوى با پروردگار، مناجات و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص داده بودند. این حرکت نیمه شب و تهجد ایشان (قدس سره) در حرم مطهر یا مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)<sup>(۳)</sup> خود درسی بزرگ برای دیگران در مسیر عبودیت و نهایت بندگی در ساحت قدسى پروردگار سبحان بود. یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا (قدس سره) این بود که واقعاً مانند يك جوان به درس و بحث اهمیت می دادند و اجازه نمی دادند که لحظه ای از وقتشان فوت شود. در طول شبانه روز و تا آخرین لحظات عمر با جدیت درس و بحث داشتند و همواره می فرمودند: «از درس خواندن مأیوس نشوید و در امر تحصیل از خدا کمک بخواهید و اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه قرار دهید.» و می فرمودند تا جوان هستید بنیه علمى خود را قوی کنید و نگذارید عمر که سرمایه ای گران بها می باشد تلف شود.

توکل مرحوم میرزا (قدس سره) در امور، زیانزد بود و همیشه اهل بیت (علیهم السلام) را در کارها واسطه قرار می دادند و به طلاب نصیحت می کردند که به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) چنگ بزنید. اگر اهل بیت (علیهم السلام) عنایت کنند، امور حل می شود. می فرمود: آنان وسیله نجات ما در دنیا و آخرت هستند، وسیله ای که خدا ما را به چنگ زدن به حبل متین آنها سفارش نموده و فرمود: «وابتغوا الیه الوسيله» که مصداق بارز (وسيله)، اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

یکی دیگر از مواردی که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن اهمیت می داد، نظم در کارها و وقت بود؛ به طوری که خانواده مرحوم میرزا (قدس سره) می گفتند: ما از نظم آقا می توانستیم

(۳) مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) واقع در چهار راه بازار (قم)، در قرن سوم هجری به امر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) توسط وکیل و نماینده آن حضرت، احمد بن اسحاق قمی (رحمه الله) بنا شد.

ساعت خود را تنظیم کنیم، برنامه شبانه روزی مشخصی داشتند که به واسطه این برنامه ریزی از وقت خود به نحو احسن و اکمل استفاده می نمودند.

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا (قدس سره) تواضع و فروتنی بسیار بود. ایشان خود را بیش از يك طلبه حساب نمی کردند و می فرمودند: «من يك طلبه هستم و همیشه يك طلبه خواهم ماند و من هیچ گاه فکر نکرده و نمی کنم که مرجع هستم؛ لذت طلبگی از همه لذت ها بالاتر است.» ایشان اصلاً راضی نبودند کسی به عنوان مرجع از ایشان یاد کند حتی بارها و بارها در مجالس روضه وقتی منبری نام ایشان را ذکر می کرد، ناراحت می شدند و می گفتند که منبر جای ذکر اهل بیت (علیهم السلام) است و می فرمودند: «اگر مرجعیت وظیفه الهی نبود، هیچ گاه آن را قبول نمی کردم و مانند سایر طلاب تمام وقت را مشغول تحصیل و تدریس بودم؛ ولیکن مرجعیت به عنوان يك وظیفه الهی بر دوش من قرار گرفت و من مجبورم ادای تکلیف نمایم و امیدوارم خداوند به من توفیق دهد که به بهترین وجه به وظیفه خود عمل نمایم.»

## خصوصیات يك طلبه خوب

از نظر میرزای تبریزی (قدس سره)

چگونه باید باشیم تا امام زمان (علیه السلام) از ما راضی باشد

معمولاً طلباب جوانی که خدمت فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می رسیدند، این سؤال را می پرسیدند که: «آقا! بفرمایید چه کار کنیم که کارهایمان مرضی ولی عصر (عج) باشد؟»

مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از هر چیزی به ظاهر طلباب نظر می کرد. اگر می دید که لباس آنها مناسب طلبگی نیست یا موهایشان بلند است و یا فقط ته ریش دارند، با کمال محبت ابتدا به مشکل ظاهری آنها می پرداختند و می فرمودند: «اول شکل ظاهر را باید درست کرد. شما موظف هستید در جامعه طوری حرکت کنید که شکل شما با سایر جوانان متفاوت باشد. موها باید کوتاه، ریش معمولی و لباس مناسب شأن باشد». آن گاه می فرمودند: اولاً: طلبه باید به تکلیف خود که احکام حلال و حرام است دقت کامل داشته باشد، و با مسائل، سرسری برخورد نکند که این قدم اول جهت سازندگی و کسب رضایت امام روحی له الفداء است.

ثانیاً: هر کاری را که می خواهد انجام دهد، برای خدا باشد؛ یعنی با توکل به ایزد منان کار را برای رضای خدا انجام دهد و جز خدای متعال چیز دیگری را مد نظر نداشته باشد. اگر کار خالصانه برای خدا انجام گرفت، نتیجه خواهد داد و خدا در مقابل آن اخلاصی که در عمل صورت می گیرد، درجه داده و شخص را به مرتبه ای والا خواهد رساند.

ثالثاً: ولای به اهل بیت (علیهم السلام) باید همواره مد نظر باشد و با اخلاص کامل به ساحت مقدس آنان عرض ادب کرده و کاری کند که رضایت آنها در آن کار باشد و با زبان و عمل خود محبت خویش را به آنان ابراز کرده و در مقابل شبهات بایستد و از مظلومیت آنان دفاع کرده و حامی واقعی مذهب باشد و کمترین قدم همان شرکت در مجالس عزرا و روضه است.

رابعاً: يك نکته که مرحوم میرزا (قدس سره) به طلاب جوان تأکید می کردند، درس خواندن بود که طلبه باید تمام وقت خود را در جهت درس صرف کند و سعی کند تا جوان است بنیه علمی خود را تقویت کند، که اگر انسان فاضلی شد می تواند به دین خدمت کند. طلبه بی سواد نه تنها مفید نخواهد بود بلکه خدای ناکرده ممکن است ضربه به دین بزند.

خامساً: مورد دیگری که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن توصیه می کردند، توجه به معنویات در کنار درس بود و ایشان می فرمود: زمانی که ما فیضیه بودیم، نیمه شب (جهت



نماز شب) مدرس فیضیه مملو از طلبه می شد به طوری که اگر يك نفر غریبه وارد مدرسه می شد، از کثرت حضور طلاب در مدرسه، تصور می کرد که وقت نماز صبح است، طلاب به شب زنده داری و تهجد بسیار مقید بودند. طلبه باید در جهت معنویت و خودسازی گام بردارد و از توسل به اهل بیت (علیهم السلام) دریغ نکند. مرحوم میرزا (قدس سره) معتقد بودند که نیمه شب وقت مزد گرفتن است؛ از این رو خودشان نیمه شب ها با خدای خود راز و نیاز می کردند<sup>(۴)</sup>. حرکت نیمه شب ایشان و تهجد در حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) و مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) برای طلاب جوان درس بود.

سادساً: نکته دیگری که ایشان بدان بسیار اصرار داشتند، این بود که می فرمودند: طلبه علاوه بر آنکه باید هوشیار و زیرک باشد، باید با تواضع و افتادگی حرکت کند؛ خود را کسی حساب نکرده و با خلوص کامل به درس و بحث خود مشغول شود. اگر خود را کسی فرض کرد، به جایی نخواهد رسید بلکه باید کاری کند که همواره عنایات الهی شامل حالش

(۴) برادر مرحوم میرزا (قدس سره)، آقای حاج کریم رهبر می گوید: فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) از همان دوران جوانی از تدبیر و التزام خاصی برخوردار بود. جوان پانزده ساله معمولاً خواب نیمه شب برای او عزیز است و سخت است کسی در آن سن جوانی بتواند خواب خوش نیمه شب را ترك کند؛ اما مرحوم میرزا (قدس سره) پدر نیمه شب از رختخواب خود بر می خاستند و با آنکه ایشان دانش آموزی بیش نبود ولیکن همراه با اذان وضو می ساخت، و ضمن ادای فریضه صبح، بقیه خانواده را بیدار می کرد که بعدها نماز شب همراه با دوران طلبگی اضافه شد و آن چنان در پیشگاه ایزد منان، شکسته و با تواضع مناجات می کرد که انسان با نظر به این صحنه تحت تأثیر قرار می گرفت. مرحوم میرزا (قدس سره) از همان سن جوانی با جوانان هم سن خود کاملاً متفاوت بود و برای همه محسوس بود که این جوان آینده درخشانی دارد؛ زیرا ارتباط قوی معنوی با خدا داشت و هیچ چیز نمی توانست او را از معنویت دور کند. ایشان به معنویات بسیار مقید بود و در هر حال از هر فرصت ممکن برای عباداتی چون تهجد و نماز شب استفاده می کرد. در ایام ماه مبارک رمضان مشاهده نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از ادای نماز مغرب افطار کند. ابتدا با خضوع و خشوع کامل وضو ساخته و نماز خود را به جا می آورد و ضمن زمزمه دعای افطار و خواندن سوره «انا انزلنا» افطار خود را با خرما شروع می کرد و همین حرکت ها و خلوص بود که علاقه پدر به فرزند را افزون می کرد به طوری که بارها و بارها پدر مرحوم میرزا (قدس سره) می گفت: «میرزا جواد چیز دیگری است!» و این جوان آن گونه رفتار می کرد که گویی معلم خانواده شده بود. خصوصیات والای اخلاقی، کمال سرشار و معرفت خاص، از او فرزندی محبوب ساخته بود.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در طول اقامت ۳۴ ساله در قم نیمه شب، قبل از اذان صبح از منزل خارج می شدند و برای انجام نافله شب به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می شدند و در کنار مرقد مطهر حضرت به عبادت و شب زنده داری می پرداختند. ایشان با معنویت کامل مقابل ضریح حضرت (علیها السلام) می نشستند و بعد از خواندن زیارت، شروع به خواندن نماز شب می کردند. اشخاصی که در دل شب در اطراف حرم تردد داشتند، بارها و بارها مشاهده کردند که مرحوم میرزا (قدس سره) به تنهایی به حرم مطهر مشرف می شوند و مانند يك شخص عادی با تواضع و فروتنی کامل گاهی در حالی که عباي خود را به سر کشیده تا شناخته نشود وارد حرم می شدند و در ایوان طلای صحن کوچک، در مقابل ضریح به عبادت و شب زنده داری مشغول می شدند. مرحوم میرزا (قدس سره) همیشه دوست داشتند که طلاب در دل شب بیدار شوند و از آن فضای معنوی استفاده کنند. ایشان می فرمودند: طلبه باید همت داشته باشد و خواب را رها کرده و در نیمه شب خود را به معبود وصل کند که مرزها در نیمه شب تقسیم می شود. نیمه شب ها وقتی مشاهده می کردند که يك طلبه جوان سحرخیز است و مشغول عبادت می باشد بسیار خوشحال می شدند و می گفتند که ما در ابتدای طلبگی بسیار سعی می کردیم که مزد نیمه شب را از دست ندهیم.

شود و خود مرحوم میرزا (قدس سره) تا آخر عمر می فرمودند: «من يك طلبه بیش نیستم» این کارها ان شاء الله رضایت امام عصر (علیه السلام) را به دنبال خواهد داشت.



# نصایحی به طلاب

در ضمن سؤال و جواب

از میرزای تبریزی (قدس سره)

- \* نصایحی در امر تحصیل
- \* نصایحی در خصوص موفقیت در تحصیل
- \* نصایحی به طلاب در خصوص عزاداری
- \* نصایحی بر نسل جوان در موارد مختلف
- \* نصایحی در خصوص کانون خانواده
- \* نصایحی به مقیمین خارج کشور





## نصایحی به طلاب در ضمن جواب سؤالاتشان

از میرزای تبریزی (قدس سره)

### يك طلبه نمونه چه خصوصياتی دارد؟

يك طلبه باید به گونه ای رفتار نماید که برای سایرین الگو باشد، به طوری که شکل ظاهر، رفتار و گفتار او حاکی از نورانیت اش باشد و مردم دین را در چهره و کارهای او ببینند. يك طلبه ابتدا باید در درس و بحث جدیت داشته باشد و تمام وقت خود را صرف تحصیل علم نماید و برای خدا درس بخواند و همواره در فکر رسیدن به طرق رهایی از کمند شیطان نسبت به خود و جامعه باشد تا لیاقت کسب توفیقات الهی را پیدا کند<sup>(۵)</sup>. يك طلبه خوب، می تواند تأثیر بسزایی در جامعه گذاشته و تحولی عظیم ایجاد نماید. بی اعتنایی نسبت به دنیا، دوری از گناه، حسن ظاهر، جدیت در درس، خیر خواهی برای دیگران و پیش قدم بودن در کارهای خیر از ویژگی های يك طلبه نورانی است. طلبه باید از همان جوانی در درس و تهذیب نفس جدی باشد و وسوسه شیطان را از خود دور کند؛ زیرا شیطان چنین القا می کند که تو هنوز جوان هستی، وقت زیاد است، عجله نکن و ... . غفلت در دوران جوانی خطری است که ممکن است انسان را نابود سازد و گاهی جبران آن مشکل خواهد بود. هوشیار باشید که عمر به سرعت می گذرد.

(۵) امیرمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرمودند: «لا یفیع اجتهاد بغير توفیق؛ کوششی که با توفیق همراه نباشد سودی ندارد». (غررالحکم، شماره ۴۰۰۲)؛ «لا فائد خیر من التوفیق؛ راهنمایی بهتر از توفیق وجود ندارد»؛ (بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۳۴) قرآن کریم از قول حضرت شعیب (علیه السلام) می فرماید: (وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ)؛ «توفیق من جز به خدا نیست». (هود، آیه ۸۸) امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز در پاسخ به نامه ای به معاویه (علیه لعنة الله) فرمودند: «وما توفیقی الا بالله؛ توفیق من جز به خدا نیست». (نهج البلاغه، نامه ۲۸)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «من سال الله التوفیق ولم یجهد فقد استهزء بنفسه؛ کسی که از خداوند توفیق را مستلث نماید، ولی کوشش نکند، خود را به تمسخر گرفته است». (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶، حدیث ۱۱)

طلبه ای هستیم که در حال خواندن مقدمات میباشم، این بنده حقیر را نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ جوانی و اوقات گرانبهای آن را مغنتم بشمارید. در تحصیل، ضمن تلاش برای کسب کمالات اخلاقی، در کسب علم نیز جدیت داشته باشید.<sup>(۱)</sup> به دنبال استادی بروید که از نظر علمی و اخلاقی شاخص باشد، تا هم از علم او استفاده کنید و هم در عمل از او درس بگیرید. از حضور در مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند، اجتناب کنید. قصدتان در تحصیلات این باشد که در آینده به دین و مذهب خدمت کنید. توجه داشته باشید که شیطان هر لحظه، در کمین است و با وسوسه های گوناگون سعی می کند که شما را از جاده صواب منحرف سازد. در کنار درس، تقوای الهی را مراعات کرده و با توسل به اهل بیت(علیهم السلام) ضمن دور کردن شیطان، قلب امام زمان(علیه السلام) را شاد نمایید. ان شاء الله تعالی.

(۱) امیرمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) همگان را به تلاش فرا می خوانند و می فرمایند: «فعلیکم بالجد؛ بر شما باد تلاش و کوشش» چرا که «لا یدرک الحق الا بالجد؛ حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) خطاب به امام مجتبی(علیه السلام) می فرماید: «فاسع فی کدحک؛ نهایت کوشش را در زندگی داشته باش». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ «من طلب شیئا ناله او بعضه؛ آن کس که در تلاش و طلب چیزی باشد، یا به همه آن و یا لا اقل به قسمتی از آن دست خواهد یافت». (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) از تلاش و فعالیت مورچه سخن می گوید: «انظروا الی النملة فی صغر جنتها... کیف دبت علی ارضها وصبت علی رزقها تنقل الحبة الی حجرها وتعدھا فی مسقرها، تجمع فی حرھا لبردها و فی وردها لصدورها؛ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید... که چگونه روی زمین راه می رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند؛ دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد و در جایگاه مخصوص نگه می دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی کند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) فرزندش امام مجتبی(علیه السلام) را به تلاش در جهاد فرا می خواند که «وجاهد فی الله حق جهاده ولا تأخذک فی الله لومة لائم؛ در راه خدا تا سر حد توان تلاش کن و هرگز سرزنش سرزنش گران تو را، از تلاش در راه خدا باز ندارد». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)



طلبه جوانی هستم، من را نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ در تحصیل علوم دینیهِ کوشا باشید، انسان بدون زحمت و مشقت به جایی نمی‌رسد. سرآمد و پایان فضیلت‌ها دانش است و دانایی سرآمد همه خوبی‌هاست<sup>(۷)</sup>. با جدیت درس بخوانید و در امور خود، رضای خدا را در نظر بگیرید و تابع هوای نفس نباشید.

طلبه اگر بخواهد مورد عنایت پروردگار قرار گیرد، باید روشی متفاوت از سایر مردم داشته باشد و در حرکات خود دقت کافی مبذول دارد. اگر طلبه اشتباه کند، به اسم دین تمام می‌شود بنابراین باید دقت کرد تا اشتباهی رخ ندهد که قلب امام زمان (علیه السلام) به درد آید. در کارها<sup>(۸)</sup> رضایت اهل بیت (علیهم السلام) را مد نظر داشته باشد و طوری رفتار کند که قلب

(۷) خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ». (زمر، آیه ۹) بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند». «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا». (طه، آیه ۱۱۴) بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن».

پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَيْبِهِ كَانَ بِمَثَلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَثَلَةِ الْكِنَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ هر که در جوانی بیاموزد، همانند نقش روی سنگ است (که از بین نمی‌رود و فراموش نمی‌شود)، و هر که در پیری یاد گیرد، مانند نوشتن بر سطح آب است». و همچنین فرمود: «مَنْ لَمْ يَصِرْ عَلَى ذُلِّ التَّعْلُمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا؛ هر که بر فروتنی یادگیری، ساعتی صبر نکند، در ذلت نادانی ماندگار می‌شود».

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَفْرَةِ الْعَلْمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يُقَعُّ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُهَيِّئَهُ؛ دانش با یادگیری زیاد به دست نمی‌آید؛ چرا که همانا علم، نوری است که خدا در قلب هر کس که هدایتش را بخواهد، قرار می‌دهد». امام کاظم (علیه السلام): «لَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ الطَّاعَةِ بِالْعِلْمِ وَ الْعِلْمُ بِالْعَمَلِ؛ نجات فقط با طاعت به دست می‌آید و طاعت در گرو علم است و علم در گرو یادگیری». امیر المؤمنین (علیه السلام): «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ؛ به فرزندان خود، از علوم ما آن بخشی که خدا بر ایشان نفع بخشد یاد دهید». «الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، زَيْنُ الْعَابِدِينَ (علیه السلام): لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبَوْهُ وَ لَوَيْسَتْكَ الْمُهْجُ وَ حَوْضِ الْجَحِيمِ؛ امام سجاد (علیه السلام) فرمود: چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می‌دانستند هر آینه آن را تحصیل می‌کردند گرچه با ریخته شدن و یا فرو رفتن زیر آب‌ها در گرداب‌های خطرناک باشد». (اصول کافی: ج ۱، ص ۳۵، بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۰۹)

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ؛ دانایی، سرآمد همه خوبیهاست و نادانی سرآمد همه بدیها». (بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵، ح ۹) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ، غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ؛ سرآمد فضیلتها، دانش است؛ نقطه پایان فضیلتها دانش است». (غررالحکم، ۶۳۷۹-۵۲۳۴)

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ؛ دانش، چراغ خرد است». (غررالحکم، ۵۳۶) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «الْعِلْمُ نِعْمٌ ذَلِيلٌ؛ دانش، چه نیکو راهنمایی است». (غررالحکم، ۸۳۷) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «الْعِلْمُ أَشْرَفُ الْأَحْسَابِ؛ دانش، شریفترین شرافت خانوادگی است». (کنز الفوائد للکراچکی: ۱ / ۳۱۹) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ؛ هیچ شرافتی، چون دانش نیست». (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳) امام حسن مجتبی (علیه السلام) در این باره فرمودند: «عَلِمَ النَّاسُ عِلْمَكَ وَ تَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ؛ دانش خود را به مردم بیاموز و دانش دیگران را یادگیر». (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱) امام حسن (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ أَمْرَ الْأَنْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مِنْهُنَّ وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعَ مَا وَعَى التَّذَكُّرَ وَ اتَّقَعَ بِهِ وَ اسْتَمَّ الْقُلُوبَ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّهَاتِ؛ به راستی، بیناترین دیده‌ها آن است که در خیر نفوذ نماید، و شنواترین گوشها آن است که تذکرات [دیگران] را بشنود و از آن بهره‌مند شود و سالم‌ترین دلها آن است که از شک و شبهه پاک باشد». (تحف العقول، ص ۴۰۸، شماره ۱۷) امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «طلب العلم فريضة على كل مسلم؛ جستجو و طلب علم بر هر مسلمان واجب است» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۲).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد؛ در همه عمر، از گهواره تا گور، در جستجو و طلب علم باشید». (نهج الفصاحة، ص ۶۴) پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالعين؛ یعنی علم را جستجو و تحصیل کنید و به دست آورید

امام زمان (علیه السلام) را شاد کند. طلبه ضمن عمل به مسائل شرعی و رعایت تقوای الهی، باید در ابتدای امر به درس خواندن اهمیّت دهد تا بتواند در جامعه فردی مفید واقع شود و از تقوای الهی و تهذیب نفس غافل نباشید، وفقکم الله لمرضاته.

ولو در چین». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰) «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (نساء، آیه ۱۰۰); وهرکس از خانه خود به سوی خدا و پیامبرش برای هجرت خارج شود و در راه بمیرد، اجرش با خداست». وارد شده است: «لو علمتم ما فی طلب العلم لطلبتموه ولو بسفك المهج وخص اللجج; اگر می دانستید در نتیجه طلب و تحصیل علم به چه سعادت هایی می رسید، به دنبال آن می رفتید ولو به اینکه خون شما در این راه ریخته شود و یا مستلزم این باشد که به دریاها وارد شوید و اقیانوس ها ببیمائید» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۷). از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که: «الحکمة ضالة المؤمن یاخذها انما وجدها (یا به این تعبیر); کلمة الحکمة ضالة المؤمن فحیث وجدها فهو احق بها; حکمت گمشده مؤمن است، و هر کس که چیزی کم کرده است، آن را در هر نقطه که پیدا کند معطل نمی شود و بر می دارد» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹). امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «الحکمة ضالة المؤمن فاطلبوها ولو عند المشرك تكونوا احق بها واهله; حکمت گمشده مؤمن است; پس او را بجویید و بیابید، هرچند نزد يك نفر مشرك باشد، شما که مؤمن هستید، به آن علم و حکمت سزاوارترید و شایسته آن می باشید». از همان حضرت نقل شده است: «الحکمة ضالة المؤمن فخذ الحکمة ولو من اهل النفاق; حکمت گمشده مؤمن است: آن را بگیر ولو از اهل انفاق». (نهج البلاغه، حکمت ۸۰)

صفات يك طلبه خوب چیست، نصیحت فرمایید؟

دوران جوانی يك طلبه، نقش اساسی ای در آینده او دارد. اگر طلبه خود را در آن دوران ساخت و از وقت خود به بهترین وجه استفاده نمود<sup>(۹)</sup>، آینده درخشانی خواهد داشت. کسب معنویت، تقرب به خدا و تهذیب نفس مراحل است که اگر طلبه جوان در همان ابتدای طلبگی در کنار خوب درس خواندن به آن اهمیت دهد، موفقیت او حتمی است. برای خدا درس بخواند و امور را به پروردگار واگذار نماید، ان شاء الله نورانیتی کسب خواهد کرد که سعادت دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت.

فرصت را مغتنم شمارید که جوانی زود گذر است، موفق باشید.

(۹) امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «الفرصة تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الحیر؛ فرصت ها همچون عبور ابرها می گذرد، بنابراین فرصت های نیک را غنیمت بشمارید». (نهج البلاغه، حکمت ۲۱)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «إضاعة الفرصة غصة؛ از دست دادن فرصت غم انگیز است». (نهج البلاغه، حکم ۱۱۸)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «فان لكل شيء مدة واجلا؛ هر چیزی وقت مشخصی دارد و سرآمدی معین». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «كل معاجل يسال الانظار وكل مؤجل يعمل بالنسوف؛ آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی میورزند». (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۵)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرمودند: «فليعمل العامل منكم في ايام مهله قبل ارهاق اجله وفي فراغه قبل اوان شغله وفي متفسه قبل ان يؤخذ بكظه؛ هر کس از شما که اهل علم است باید عمل کند در روزگاری که مهلت دارد پیش از آنکه مرگ فرا رسد و در ایام فراغتش پیش از آنکه گرفتار شود و در ایام رهایی اش پیش از آنکه گلوگاه او بیه وسیله مرگ گرفته شود». (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرمودند: «بادروا بالاعمال عمرا ناكسا او مرضا حابسا او موتا خالسا؛ به سوی اعمال نیکو بشتابید پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد». (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰)

به حول و قوه الهی می خواهم تحصیل خود را در حوزه شروع کنم، چه کتبی را جهت تحصیل پیشنهاد می فرمایید؟

فرزند عزیزم! ضمن آرزوی موفقیت برای شما در درس خواندن، دروس سنتی حوزه را بخوانید و از زمزمه ای که گاهی در حوزه، در مورد تغییر کتب شنیده می شود، دوری کنید. علمای بزرگ با خواندن همین کتب سنتی حوزه به درجات عالی علمی رسیدند و کتب دروس سنتی حوزه معروف می باشند. شما به حول و قوه الهی، ابتدا از کتاب «جامع المقدمات» شروع کنید، که خود دارای بخش ها و کتاب های مختلفی است و با دقت کامل آنها را نزد استاد مجرب و متدین بخوانید و در کنار آن از تهذیب نفس غافل نباشید. کار شما فعلاً، علاوه بر تهذیب نفس، با جدیت درس خواندن باشد و برای انتخاب کتب، با اساتید معروف سنتی حوزه مشورت کنید و اگر می خواهید در آینده به دین خدمت نماید فعلاً به درس خود اهمیت دهید و ابتدا بنیه علمی خود را تقویت کرده و از تهذیب نفس غافل نشوید که درس، بدون تقوا ثمره ای ندارد. دوست خوب و متدین، و استاد مجرب، باتقوا و فاضل را انتخاب کنید. موفق باشید.

با جدّیت درس می خوانم و امید دارم سرانجام موفق شوم، نصیحتی بفرمایید؟

کسب علم فقط به واسطه خواندن و نوشتن نیست؛ بلکه نوری است که خدا در دل بنده ای مخلص قرار می دهد. انسان باید ضمن مراعات تقوای الهی<sup>(۱۰)</sup> زحمت بکشد؛ شب و روز تلاش نمایید و خوب درس بخواند و رشته ای را انتخاب کند که به وسیله آن به مؤمنین خدمت کند، و اگر شخص، ضمن عمل به تکالیف شرعی خوب درس بخواند خداوند به او توفیق خواهد داد. شما ضمن تلاش، از تهذیب نفس غافل نباشید. چه افراد بسیاری که خوب درس خواندند ولیکن از ارتباط معنوی غافل بودند و نتوانستند به دین خدمت کنند، اگر می خواهید خدمتی داشته باشید باید علاوه بر تحصیل، جهاد با نفس، ارتباط معنوی با خدا و توکل به او در تمام لحظات در ذهنتان باشد.

(۱۰) امیرمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) می فرماید: «فمن اخذ بالقوی غربت عنه الشدائد بعد دنوها واحلوت له الامور بعد مراقها وانفرت عنه الامواج بعد تراکمها واسهلت له الصعاب بعد انصاجها وهطلت علیه الکرامة بعد قحوظها وتحذبت علیه الرحمة بعد نفورها وتفجرت علیه النعم بعد نضوبها ووبلت علیه البركة بعد اردادها؛ پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختیها بعد از نزدیک شدنشان، از او دور گردند، وکارها پس از تلخیصها برای او شیرین و امواج مشکلات پس از متراکم شدن برطرف خواهند شد و مشکلات پس از آنکه او را وامانده کرد آسان می شود و مجد و بزرگی از دست رفته بچون قطرات باران بر او فرو می بارند، رحمت بازداشته [حق] به او باز می گردد، و نعمت های الهی پس از فرو نشستن، برای او به جوشش می آیند و برکت تقلیل یافته برای او فزونی گیرد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) می فرمود: «نساله المعافاة فی الادیان کما نساله المعافاة فی الابدان؛ از او سلامت در دین را خواهانیم آن گونه که تندرستی را از او درخواست داریم». (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «فان تقوی الله مفتاح سداد وذخيرة معاد وعق من کل ملکه ونجاة من کل هلاکة؛ همانا ترس از خدا کلید هر در بسته، و ذخیره رستخیز و عامل آزادی از هر گونه بردگی و نجات از هر گونه هلاکت است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰)

طلبه ای هستم که همواره دوست داشته ام سرباز مخلص امام زمان (علیه السلام) باشم، نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ به تکالیف الهی توجه داشته و بسیار به یاد قیامت و روز حساب باشید! کاری کنید که امام زمان (علیه السلام) از شما راضی باشد. اگر با جدّیت درس بخوانید و تکالیف الهی را همراه با تهذیب نفس مد نظر بگیرید، ان شاء الله قلب امام زمان (علیه السلام) را شاد خواهید کرد. و در راه تحصیل، با توکل به خداوند متعال و توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) بکوشید تا خوب درس بخوانید و در تحصیل عجله نکنید، تا کتابی را تمام نکرده و نفهمیده اید کتاب دیگری را شروع نکنید. سعی کنید بعد از تمام کردن يك کتاب، آن را درس دهید. در استفاده از جوانی و سرمایه عمر، کمال مراقبت را بنمایید که جوانی زودگذر است و فرصت ها به سرعت از دست می روند؛ فرصت را مغتنم بشمارید و توفیق را از خداوند متعال بخواهید و از دوستی با اشخاصی که عمر را تباه می کنند بپرهیزید؛ از شب نشینی و گذراندن بی نتیجه وقت، بر حذر باشید و سعی کنید با افراد متدین، مؤمن و درس خوان نشست و برخاست داشته باشید. سرمایه جوانی را مغتنم شمرده و این نعمت الهی را ارزان از دست ندهید، والله الموفق.

با توجه به اینکه طلبه جوان هستم چگونه به موفقیت نائل شوم؟

بسمه تعالی؛ طالب علمی که دارای استعداد مناسب باشد، با رعایت تقوا، داشتن استاد خوب، تحمل زحمت و پرهیز از تضييع اوقات ان شاء الله به موفقیت نائل می گردد. اگر طلبه از ابتدای امر با جدیت درس بخواند<sup>(۱۱)</sup>، تقوا را در کنار درس مراعات کند و در کارها رضای خدا و اهل بیت(علیهم السلام) را در نظر داشته باشد، کم کم در خود نورانیتی حس خواهد کرد که او را در جهت آینده درخشان سوق می دهد. شما سعی کنید تمام وقت خود را فعلاً صرف درس خواندن،<sup>(۱۲)</sup> مراعات تقوای الهی و انجام تکالیف شرعی بنمایید تا

(۱۱) آقای حاج میر علی اکبر فردوس از خیرین و متدینین تبریز، که از زمانی که فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) در طالبیه تبریز مشغول به تحصیل بودند باهم آشنایی داشتند و ایشان وکیل و امین مرحوم میرزا(قدس سره) تبریز بودند، میان جمعی می فرمودند: وقتی مرحوم میرزا(قدس سره) در طالبیه تبریز حرکت می کرد، طلاب متوجه او می شوند و با اشاره به یکدیگر می گفتند: این شخص بسیار فاضل است و در تحصیل بسیار موفق می باشد. طلاب از وجود ایشان در هر فرصتی استفاده می کردند و مقام علمی ایشان از همان جوانی که در مدرسه طالبیه تبریز قدم می زدند، به وضوح مشخص بود. مرحوم میرزا(قدس سره) اوقات خود را صرف درس و بحث می کرد و عاشق کسب علم بود؛ طلاب سعی می کردند هنگامی که میرزا(قدس سره) در طالبیه در حال تردد است از او استفاده کرده و در هر فرصت ممکن از علم سرشار او بهره مند شوند. او هم صمیمانه می ایستاد و به اشکالات طلاب جواب می داد و یک سؤال که از ایشان می شد در جواب فروع دیگری را هم مطرح می کردند و سؤال کننده را از علم خود سیراب می کردند.

آقای حاج کریم رهبر، برادر مرحوم مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا(قدس سره) همراه با دوفتر دیگر از همکلاسی ها قصد کردند که مدرسه جدید، را ترک کرده و به درس طلبگی روی آورند. مرحوم میرزا(قدس سره) مدرسه جدید را ترک کرده و با جدیت شروع به خواندن درس طلبگی کرد. مرحوم میرزا(قدس سره) از ضریب هوشی عجیبی برخوردار بود و در مدرسه جدید، ثلث اول در تمام منطقه آذربایجان نفر اول شناخته شده بود. بعد از گذشت چند روز مدیر مدرسه فردی را به دنبال پدر مرحوم میرزا(قدس سره) فرستاد که چرا فرزندت به مدرسه نمی آید. پدر مرحوم میرزا(قدس سره) در جواب گفته بود که وی راضی به بازگشت

نمی شود و می خواهد عالم دین شود و در نهایت خود مدیر مدرسه تصمیم می گیرد به نزد مرحوم میرزا(قدس سره) برود و با او صحبت کند. حاج کریم رهبر می گوید: مدیر مدرسه با مقداری هدایا به حجره مرحوم میرزا(قدس سره) «طالبیه» تبریز می رود و او را نصیحت می کند که: پسر! تو در آینده می توانی شخص مفیدی واقع شوی و رتبه علمی بالایی کسب کنی و ... هرچه مدیر اصرار می کند که ما برای شما مزایای خاصی قرار خواهیم داد، مرحوم میرزا(قدس سره) آن را رد می کند و می گوید: «من می خواهم طلبه شوم و به دین خدمت کنم. این راهی است که انتخاب کرده و تا آخر ان شاء الله طی خواهم کرد.» رسم بود که طلاب در مدرسه طالبیه تبریز در ساعات مختلف روز گرد هم می آمدند و به بحث های علمی مختلف می پرداختند. از جمله کسانی که جلسه بحث علمی داشت، فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بود و جلسه مرحوم میرزا(قدس سره) از هر جهت ممتاز بود. حلقه های مختلفی در طالبیه برگزار می شد؛ ولیکن حلقه بحث ایشان از نظر کیفیت و کمیت با حلقه دیگران تفاوت های بسیاری داشت. از کلمه به کلمه سخنان مرحوم میرزا(قدس سره) در آن سن جوانی استفاده ها می شد. حاج کریم رهبر، برادر مرحوم میرزا(قدس سره) (با توجه به اینکه خود بارها در آن جمع حاضر شده بودند) می گوید: «طلاب با شوق خاصی دور و بر ایشان گرد می آمدند و با کمال اشتیاق سؤال و جواب می کردند. مرحوم میرزا در آن سن جوانی که بیش از بیست سال نداشت با آن بیان شیوا و تسلط کافی همه را میوهوت خود می کرد و مرحوم میرزا(قدس سره) واقعاً زحمت می کشید و به دنبال علم بود و با کمال تواضع در همان اوایل جوانی دوست داشت آن را به دیگران منتقل سازد. ایشان کم کم در مدرسه طالبیه تبریز زبانزد شد و همه طلبه ها به ایشان احترام خاصی می گذاشتند و از آن اوایل طلبگی، طلاب، آینده درخشانی را

ان شاء الله در آینده، فردی مثمر ثمر بوده و خدماتی ارزنده در تقویت ارکان شریعت داشته باشید.

برای او پیش بینی می کردند. سلوک و روش میرزا (قدس سره) برای دیگران درس و انگویی به تمام معنا بود و افراد بسیاری از روش و سلوک بهره می بردند.





می خواهم طلبه شوم نصیحت بفرمایید در چه سنی درس طلبگی را شروع نمایم؟

برای طلبه شدن مقدماتی نیاز است که باید ابتدا آن را به دست آورید. اولین گام، باید شروع درس طلبگی برای رضای خدا باشد و امر را به خدا واگذار<sup>(۱۳)</sup> تا نتیجه خوبی (ان شاء الله) بگیرید. ابتدا چند سالی از دبیرستان را بخوانید تا با معلومات کافی وارد حوزه شوید. تهذیب نفس، درس خواندن برای خدا و جدیت در تحصیل، معنویاتی هستند که قبل از شروع درس باید آنها را به مرور زمان عملی کنید و اگر در جوانی حرکت جدی داشته باشید ان شاء الله موفق خواهید شد. قدر جوانی را بدانید و با توکل به خدا درس را شروع کنید، در درس خواندن عجله نکنید و با اساتیدی که از نظر تقوا و درس معروف هستند مشورت نمایید. اگر شما برای خدا و خدمت به دین و با جدیت درس را شروع کردید کم کم نورانیتهای احساس خواهید کرد که موجب می شود از درس خواندن لذت ببرید.

(۱۳) فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در هر حرکتی، فقط خدا را مد نظر داشتند و بارها می فرمودند: من قلم را که به دست می گیرم برای خدا می نویسم و امر را به خود خدای متعال وا می گذارم. من هیچ گاه قلم بر کاغذ نگذاشتم، مگر رضایت خدا مد نظر بود و از آن نمونه می توان به موضع گیری مرحوم میرزا (قدس سره) در جواب بعضی استفتائات اشاره کرد که هرچند ممکن بود ضرر دنیوی برایشان داشته باشد لیکن صریح جواب می دادند؛ برای خدا قلم را بر روی کاغذ به حرکت در می آوردند و آنچه را که رضایت ایزد منان و اهل بیت (علیهم السلام) بود، مکتوب می کردند. در شورای استفتاء می فرمودند: من وظیفه دارم که آنچه به واسطه کسب علم بدان رسیده ام، بیان کنم و ان شاء الله خود خدا و اهل بیت (علیهم السلام) عنایت خواهند کرد و من فقط طالب رضایت خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) هستم. ایشان (رحمه الله) وقتی بر کرسی درس یا در منزل مشغول مطالعه بودند و یا در شورای استفتاء به سر می بردند و یا در حال حل مشکل مردم بودند، اصلاً به اینکه چه خواهد شد، توجهی نداشتند و فقط می فرمود: باید گام را برای خدا برداشت و کاری کرد که قلب امام زمان (علیه السلام) شاد باشد. ایشان به معنای واقعی تارك دنیا بودند و تا توان داشتند خالصانه کار می کردند. در کارهای خود فقط و فقط خدا را مد نظر داشتند و می فرمودند: هر کاری کنم به جهت رضا و حب خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است.

می خواهم طلبه شوم ولیکن پدرم با طلبه شدنم موافق نیست، چه نصیحتی می کنید؟  
فرزندم! متأسفانه بعضی از جوانان متدین و مخلص، با این مشکل مواجه می شوند،  
ولیکن شما با اخلاق، کردار و رفتار خود می توانید کاری کنید که والدین در خصوص طلبه  
شدن شما رضایت دهند. اولین مرحله جهت کسب رضایت آنها، صبر و تحمل شما است.  
من هم وقتی طلبه شدم این مشکل را داشتم، اما بعداً والدینم از طلبه شدن من بسیار خوشحال  
بودند.

در هر حال اگر می بینید که واقعاً استعداد کافی دارید و در آینده ان شاء الله شخص  
مفیدی خواهید بود، درس را شروع کنید و با والدین خود طوری برخورد کنید که خدای  
ناکرده حس نکنند به آنان بی اعتنا هستید، ان شاء الله در نهایت، با حسن برخورد شما،  
رضایت خواهند داد. با تواضع و فروتنی، به خدا توکل کرده و به اهل بیت (علیهم السلام)  
متوسل شوید، از آنان (علیهم السلام) بخواهید که خداوند عنایت نماید تا قلب والدینتان نسبت به  
شما رئوف گردد، ان شاء الله تعالی.

## ولاء يك طلبه چگونه باید باشد؟

بسمه تعالی؛ يك طلبه هنگامی موفقیت کسب خواهد کرد که علاوه بر نظم و جدیت در درس<sup>(۱۴)</sup> و تهذیب نفس، محب واقعی اهل بیت (علیهم السلام) باشد، فقط حب ظاهری نباشد، بلکه با کردار و رفتار خود محبت را برساند. و ابراز محبت و مودت به اهل بیت (علیهم السلام) به اشکال مختلف می تواند باشد که عمده آن، حفظ شعائر و خطابه و تبیین<sup>(۱۵)</sup> مظلومیت آنان (علیهم السلام) بر مردم است. قرآن کریم می فرماید «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، و طلبه اگر

(۱۴) حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی موسوی می گوید: مرحوم میرزا تبریزی (قدس سره) در التزام به درس بسیار عجیب بود و خداوند متعال هم به ایشان عنایت خاص داده بود طی ۱۵ سالی که خدمت ایشان در درس حاضر می شدم هیچگاه مشاهده نکردم که درس مرحوم میرزا (قدس سره) تعطیل شود فقط يك روز آن هم وقتی اعلام شد که درس ایشان تعطیل است بسیار تعجب کردیم با عده ای از دوستان به طرف بیت ایشان (قدس سره) حرکت کردیم و حال آقا (قدس سره) را جویا شدیم آقا (قدس سره) با آن حالت خود، از ما استقبال کرد و معلوم شد که سرما خورده و تب دارند. يك نکته جالب که یقیناً به عنایت ولی عصر (علیه السلام) اتفاق افتاد، منظم بودن دروس مرحوم میرزا (قدس سره) در طول بیماری چهار ساله ایشان بود، به طوری که در طول دوران علاج دروس ایشان برقرار بود و سیر درمان موجب تعطیل شدن درس ایشان نشد، ایشان (قدس سره) تا آخرین ایام درس، درس دادند و ایام تعطیلی حوزه بیماری ایشان شدت یافت و بعد از ۲۵ روز از شدت بیماری به لقاء الله پیوستند.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن کاتبی می گوید: در طول بیست سال تدریسی که من اطلاع دارم مشاهده نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) درس خود را تعطیل کند. صبح ها و عصرها در درس میرزا شرکت می کردیم. يك روز درس بعد از ظهر، مرحوم میرزا (قدس سره) تشریف نیاوردند. به طلبه ها گفتم: آخرش يك روز درس تعطیل شد! طلبه ها آماده خروج از محل درس بودند که يك دفعه دیدم میرزا (قدس سره) وارد مسجد شد و طلبه ها به هم گفتند: امروز هم که انتظار می رفت درس تعطیل شود، میرزا (قدس سره) آمد. سؤال شد: استاد! چرا تأخیر کردید؟ فرمود: «امروز ساعت اشتباه بود؛ از این رو نتوانستم سر وقت در سر جلسه حاضر شوم.» به جز ایام بیماری مرحوم میرزا (قدس سره) هیچ گاه مشاهده نشد درس ایشان تعطیل شود. با عشق همچون شمع می سوختند تا طلابی مفید و فاضل تربیت نمایند، که به لطف پروردگار در این کار موفق شدند و امروز شاگردان آن عالم فرزانه، سکان دار سطوح عالی حوزه می باشند.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ رضا انصاری می گوید: روزی خادم «حسینیه ارك» نیامد و درب های حسینیه بسته ماند، از این رو بیشتر طلابی که در بیرون تجمع نموده بودند با ناامید شدن از آمدن خادم و باز شدن درب حسینیه به تدریج متفرق گردیدند. در این میان مرحوم میرزا (قدس سره) از راه رسید و پس از آگاه شدن از بسته بودن درب به جای آنکه تعطیلی درس را اعلان بنمایند، به باقیمانده شاگردان فرمودند: امروز درس را در زیر زمین مدرسه «منتدی جبل عامل»، که در نزدیکی «حسینیه ارك» قرار داشت می خوانیم. همگی در خدمت استاد (قدس سره) به «منتدی جبل عامل» رفته و ایشان درس را همچون دیگر روزها بیان فرمودند. همچنین روزی دیگر در دروان جنگ هنگام درس استاد در حسینیه ارك، آذیرهای خطر به صدا در آمد که نشان از حمله هوایی دشمن کافر بود. در این هنگام در میان ترس و وحشت، ناگاه صدای انفجار به گوش رسید به طوری که تمام حسینیه را لرزاند و خاک از سقف بر روی طلاب فرو ریخت. پس از آرام شدن وضع بار دیگر مرحوم استاد (قدس سره) پس از اطمینان از سلامت طلاب درس را طبق روال معمول ادامه دادند و با کمال آرامش می فرمودند: گوش دهید.

شیخ اسماعیل گلدارای بحرانی می گوید: من صبح از خواب بیدار شدم مشاهده کردم که تمام خانه را برف در بر گرفته. مردد بودم که به درس بروم یا خیر، برف به شدت می بارید و با زحمت توانستم خود را مهیا کنم و از خانه خارج شده و از کنار حرم مطهر به طرف محل درس حرکت می کردم. از شدت برف و سرما خیابان خلوت بود ناگهان مشاهده کردم يك طلبه عبای خود را بالای سر کشیده و در حالی که برف تمام عبا فرا گرفته حرکت می کند. نزدیک که شدم دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) است، کتاب وسایل الشیعه در دست دارد به طرف مسجد اعظم می رود (محل درس میرزا (قدس سره)) پاهایم سست شد و لحظه ای در صورت آن مرجع نورانی خیره شدم گفتم خدایا این نایب امام با این سن دارد با این جدیت به درس می رود و ما که جوان هستیم مردد بودیم.

می خواهد موفق شود احتیاج به وسیله دارد و بهترین وسیله، اهل بیت (علیهم السلام) هستند، موفقیت علمای بزرگ ناشی از اخلاص، ارادت، محبت واقعی و توسل آنان به اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر زندگی بزرگان را بررسی کنید، خواهید دید که رمز موفقیت آنان علاوه بر جدیت در درس و تهذیب نفس، محبت واقعی و توکل و توسل به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

## محبت و عرض ارادت به اهل بیت (علیهم السلام) باید چگونه باشد؟

بسمه تعالی؛ محبت و عرض ارادت به اهل بیت (علیهم السلام) باید واقعی باشد. انسان ابتدا باید زندگی خود را به نحوی تنظیم نماید که از دستورات آن بزرگواران (علیهم السلام) سرمشق گرفته باشد و نسبت به مصائب اهل بیت (علیهم السلام) خالصانه ابراز احساسات کند و در مجالس آنان شرکت نماید و در حفظ شعائر کوشا باشد و در مقابل شبهات ایستادگی نماید و در همه امور به آنان (علیهم السلام) توسل کند که طریق نجات هستند. (۱۶)

.....

(۱) فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ به نحوی که در هر جا که فقط کلمه «اهل بیت (علیهم السلام)» را می شنیدند، خود به خود چهره شان دگرگون می شد، آهی می کشیدند و اشک در چشم مبارکشان حلقه می زد. شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) بارها مشاهده می کردند هنگامی که مرحوم میرزا (قدس سره) در درس به روایتی می رسیدند که شمه ای از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در آن بود بغض گلوی ایشان را می گرفت و اشک در چشمشان حلقه می زد. گریه مرحوم میرزا (قدس سره) در مجالس روضه زیانزد بود، به طوری که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می داد. دفاع مرحوم میرزا (قدس سره) از شعائر و رد شبهات تا آنجا پیش رفت که در قرن خود تحولی عظیم ایجاد نمود. ایشان بارها و بارها می فرمودند: «وظیفه ماست که در مقابل شبهات ایستادگی نماییم». مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس درس یا مجالس استفتاء و یا در زمانی که با مردم یا شخصیت ها دیدار داشتند به صورت کتبی یا شفاهی، شبهه را شجاعانه مطرح و رد می کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می نمودند، بارها مشاهده شد که می گفتند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه خود عمل کنم!» و فقط به خاطر حبّ و اخلاص به اهل بیت (علیهم السلام) بدون هیچ ملاحظه ای می نوشتند، دفاع می کردند و آتش فتنه را خاموش می کردند و دائماً می فرمودند: ما موظفیم که در عصر غیبت به هر شکل ممکن از مبانی حقّه دفاع کنیم و اجازه ندهیم عده ای با القای شبهات عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم اجازه نمی دهم عده ای جاهل، عوام از مؤمنین را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد. وقتی به نام مبارک ائمه (علیهم السلام) می رسیدند، اخلاص و محبت فوق العاده ای به مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام) ابراز می کردند. در هر مجلسی که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) به میان می آمد، چشمانشان پر از اشک می شد و با اخلاص عرض ادب می کردند. اگر کسی در محضر ایشان می گفت، «امام علی (علیه السلام)»، ناراحت می شدند و می گفتند: «مثل سنی ها صحبت نکنید! بگویید: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)». در هنگام درس وقتی به روایتی می رسیدند که ذکری از اهل بیت (علیهم السلام) می شد، صدا در گلوی مبارکشان قطع می گردید، بغض می کردند و اشک در چشمانشان حلقه می زد، به طوری که شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) تحت تأثیر قرار می گرفتند. گاهی طلاب را نصیحت می کردند و طریقه عرض ادب را عملاً به فضل و طلاب یاد می دادند و این برخورد آن قدر جذاب بود که تأثیر عملی بر شاگردان می گذاشت. ایشان دوست داشتند طلاب در مقابل نام اهل بیت (علیهم السلام) با تواضع و فروتنی کامل، بهترین الفاظ و القاب را به کار ببرند و با عرض ادب و اخلاص، ارادت خود را به آن خاندان ابراز دارند و در مقابل آن بزرگواران خود را هیچ حساب نکنند و درصدد آن باشند که همواره از مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام) دفاع کنند و به مردم یاد دهند که شأن و منزلت اهل بیت (علیهم السلام) به حدی است که رضای خدا تحقق نمی یابد مگر به رضایت آنان.

## يك طلبه در مجلس روضه چگونه باید حاضر شود؟

بسمه تعالی؛ شرکت در مجالس روضه حفظ شعائر است و باید به آن اهمیت خاص داد و يك طلبه باید ارادت خود به اهل بیت(علیهم السلام) را نشان دهد مانند گریه کردن و سینه زدن، هر چند به کبودی منجر شود، صدمه زدن در عزای اهل بیت(علیهم السلام) تا به حد جنایت نرسد، مانعی ندارد.<sup>(۱۷)</sup>  
.....  
.....<sup>(۱۸)</sup>

(۱۷) یکی از جوانان کاشان به دفتر فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) مراجعه کرد، در حالی که دو طرف صورتش زخم هایی ایجاد شده بود و خون بر روی زخم ها بسته شده بود. به فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) گفت: «آیا آقا این گونه عزاداری، که موجب زخمی شدن صورت می شود را جایز می دانند؟» فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: به جوان گفتم بهتر است خود آقا صورت شما را ببینند و نظر دهند (بعضی از جوانان هنگام عزاداری به طرف صورت خود چنگ می زنند و آن را زخم می نمایند). جوان را نزد مرحوم میرزا(قدس سره) بردم و آن جوان سؤال خود را مطرح کرد. ناگهان اشک در چشمان مرحوم میرزا(قدس سره) حلقه زد و در حالی که دست خود را بر صورت و محل زخم آن جوان قرار دادند، فرمودند: «فرزندم! این عین جزع است. خداوند شما جوانان را در پناه امام زمان(علیه السلام) حفظ کند که شعائر را حفظ می کنید و مصداق بارز عزاداران حسینی هستید. بروید و با اخلاص به اباعبدالله الحسین(علیه السلام) عرض ادب کنید که فردای قیامت روسفید خواهید بود. حضرت امام حسین(علیه السلام) تمام هستی خود را در راه خدا فدا نمود و با اهدای خون خود، فرزندان و... شیعه را بیمه کرد. به دوستانتان سلام برسانید و بگویید این حرکتی که می کنید، مأجورید و این عزاداری و ابراز اخلاص به درگاه اهل بیت(علیهم السلام) بهترین ذخیره الهی در قیامت است. مرا هم دعا کنید، من هم برای شما دعا می کنم.» آن گاه مرحوم میرزا(قدس سره) در حالی که صورتشان قرمز شده بود و اشک در چشم مبارکشان حلقه زده بود فرمودند: «خوشا به حال این جوانان! خوشا به حال این جوانان!»

یکی از مواردی که فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) به آن بسیار حساس بود و اجازه نمی داد کسی عمداً در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) یا مجالس عام آن را ذکر کند نام خود مرحوم میرزا(قدس سره) بود. ایشان می فرمود: مقام اهل بیت(علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیست از این رو نباید در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) نام اشخاص با نام مقدس ائمه(علیهم السلام) ذکر شود. ایشان اگر می دید شخصی منبری از اشخاصی تمجید کرده و از آنها نام می برد به شدت ناراحت می شدند و می گفتند: به این منبری تذکر دهید که فضایل اهل بیت(علیهم السلام) را بگوید. علما هم اگر کاری کرده اند به عشق و علاقه اهل بیت(علیهم السلام) است و اجری نمی خواهند مگر رضای آنها. بارها و بارها پیش آمد که وقتی در مجلسی نام ایشان را می بردند، ایشان با حالتی غضبناک با دست خود ناراحتی خویش را ابراز می کردند و می فرمودند: «به این خطیب تذکر دهید!» خطیب شهیر، حجت الاسلام شیخ مصطفی منصوری می گوید: خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدیم و گفتم می خواهم بر بالای منبر برای شما دعا کنم. ایشان فرمودند: «خیر! نیاز نیست، در منبر از امیرالمؤمنین(علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام) و سید شباب اهل الجنة و... ذکر به میان بیاور و از فضایل آنان بگو.» از این رو در زمان حیات مرحوم میرزا(قدس سره) هنگامی که مجلس عزای در محضر ایشان بر پا می شد، خطبا می دانستند ایشان(قدس سره) رضای نیست نامشان در منبر برده شود.

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزای تبریزی(قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند به شدت گریه می کردند؛ به طوری که تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان غرق در چهره نورانی این فقیه می شدند که چگونه در مصائب اهل بیت(علیهم السلام) همچون ابر بهاری اشک می ریزند. مرحوم میرزا(قدس سره) همیشه به فرزند خود می فرمودند: به منبری ها بگویید بیشتر روضه بخوانند. ایشان عاشق روضه اهل بیت(علیهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بود در قبر همراهشان دفن شود، اشک های خود را پاک می کردند و با آن حالت ملکوتی، فانی در حب اهل بیت(علیهم السلام) می شدند و در مظلومیت آنان به شدت اشک می ریختند و علاوه بر آنکه خود گریه شدید می کردند توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می کردند کسی بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا به دیگران اشاره می کردند که تذکر دهید.

از فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) سؤال شد که بهترین لحظه زندگی آقا (قدس سره) چه و کجا بوده است؟ فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: لحظه ای که آقا (قدس سره) در مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام) نشستند و در حال گوش دادن به روضه باشند و حلاوت معنویت آن لحظه ای است که منبری متعرض به مصیبت می شود، و لحظه بسیار پر معنویت و آرامش دهنده است و مورد دیگر که حلاوت معنوی بر مرحوم میرزا (قدس سره) داشت آن لحظه ای بود که ایشان در حال مطالعه یا درس دادن بودند. مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس عزای واقعا بی تاب می شد و بارها و بارها به اطرافیان می فرمودند: به منبری بگویید زیاد مصیبت بخواند و خود مرحوم میرزا (قدس سره) مانند ابر بهاری اشک می ریخت و با دستمال سیاهی که مختص پاک کردن اشک هایشان بود، صورت نورانی خود را پاک می کردند؛ به خصوص در مجلس بی بی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) بی تاب می شدند و آن گونه ابراز ارادت می کرد که هر بیننده ای را شیفته می نمود، از این رو آن مرحوم (قدس سره) می فرمودند: بهترین لحظات من آن وقتی است که منبری مشغول به مصیبت می شود.



## يك طلبه چگونه بايد عزاداری کند؟

بسمه تعالی؛ هر عملی عنوان جزع بر او منطبق شود مستحب است و لطمه زدن در عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) اگر به حد جنایت نرسد مانعی ندارد. (۱۹)

..... (۲۰)

.....

(۱۹) یکی از شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید:

من شباهت فراوانی در خصوص شعائر حسینی برایم به وجود آمده بود و هر روز بعد از درس نزد میرزای تبریزی (قدس سره) می رفتم و شباهت در خصوص عزای حسینی را مطرح می کردم. آن قدر مرحوم میرزا (قدس سره) با آرامش و با قاطعیت جواب می دادند که هر روز شباهت جدید را جمع آوری کرده و از ایشان سؤال می کردم و ایشان با تمام وجود و با حوصله حرف های مرا گوش می داد و جواب می دادند، طی این چند روزی که خدمت ایشان می رسیدم، ندیدم حتی يك مورد از موارد مشهور که عوام در عزاداری انجام می دهند را رد نمایند و برایم بسیار عجیب بود. بعد از آنکه مرحوم میرزا (قدس سره) دیدند من مرتب سؤال می کنم، دست مرا گرفت و گفت: «شیخنا! بس است، هر گامی برای امام حسین (علیه السلام) بردارید اجر و ثواب دارد و کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود. حفظ شعائر سید الشهداء (علیه السلام) مصداق بارز «مَنْ يُعْظَمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» است و حقانیت تشیع موقوف بر واقعه کربلا است. امام حسین (علیه السلام) هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما هم تا آنجا که می توانید مجالس و دسته عزاداری را با شکوه برگزار کنید که ان شاء الله عزادار امام حسین (علیه السلام) محشور شوید.»

فرزند فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می گوید: نیمه شب چهارشنبه شبی در کنار قبر مرحوم میرزا (قدس سره) در حال قرائت قرآن بودم. ناگهان جوانی حدود ۲۳ ساله را مشاهده کردم که بر سر قبر مرحوم میرزا (قدس سره) بسیار بی تابی می کند، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم من که خود فرزند میرزا (قدس سره) بودم تعجب کردم که این جوان از آقا چه دیده که آن قدر ابراز احساسات می کند. بدون آنکه متوجه شود من فرزند میرزا (قدس سره) هستم از او پرسیدم: آقا شما با مرحوم میرزا (قدس سره) چه نسبتی دارید که آن قدر بی تابی می کنید؟ او به چشمان من خیره شد در حالی که خنده ملیحانه بر لب داشت گفت: این آقا که الان موفق به زیارت قبرش شدم چگونگی مودت و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) را به من یاد داد، او با آن گریه ها و خروج پای برهنه در آن گرمای سوزان و عرض ادب به ساحت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص فاطمه زهرا (علیها السلام) به من یاد داد که چگونه محب اهل بیت (علیهم السلام) باشم و تا آخر عمر این نعمت الهی را فراموش نمی کنم و امروز لذت محبت اهل بیت (علیهم السلام) را به واسطه این مرد الهی دارم. ما جوانان نمی دانستیم چگونه به این خاندان ابراز محبت کنیم تا آنکه با خروج پای برهنه در آن گرمای سوزان این پیرمرد (رحمه الله) تحولی عظیم در ما ایجاد شد. من شغل آزاد دارم و از اصفهان به نیت زیارت بی بی، حضرت معصومه (علیها السلام) زیارت این قبر شریف آمده ام و آن قدر به صاحب این قبر (مرحوم میرزا (قدس سره)) علاقه دارم که امروز آمده ام تا با صاحب آن، درد دل کنم، او شخصیت بسیار بزرگی بود و چگونگی دوستی و محبت اهل بیت (علیهم السلام) مروهون اقدام این پیر فاطمی است. خداوند به ما توفیق دهد که در آن دنیا شامل دعای او باشیم ان شاء الله تعالی.

یکی از سؤال هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) پرسیده می شد و به صورت شبیهه درآمده در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت (علیهم السلام) نقل می کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاتل، گریه از مردم می گیرند. مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که اشک می ریختند در جواب فرمودند: مصائب اهل بیت (علیهم السلام) از آنچه که ثبت شده عظیم تر است به خصوص مصیبت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام). اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و آنان را به واقعه کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد. خطباء گاهی در مصائب خود نقل حال می کنند و این امر مردم را منقلب می کند طبیعی است وقتی علی اکبر (علیه السلام) به میدان می رود وصف حالی بر سید الشهداء (علیه السلام) وجود داد و همچنین وقتی علی اصغر بر دستان سید الشهداء ذبح می شود عرض حال دارد و خروج سید الشهداء (علیه السلام) به میدان وداع آخر و ملاقات با زینب (علیها السلام) در آخرین لحظات خود يك مناظر بسیار دردناکی است که خطیب آن را به شکل گفتگو به شکل مصیبت می خواند.

طلبه ای هستم که همواره از اینجانب در خصوص عزاداری سؤال می شود نصیحت بفرمایید عزاداری باید چگونه باشد؟

بسمه تعالی؛ در عزاداری، از اعمالی که عنوان حرامی بر آن منطبق می شود، باید پرهیز کرد و عزاداری را به صورت دسته های سینه زنی و مراسم رایج، که سال هاست با حضور بزرگان انجام گرفته، برپا کنید. بدانید که این مراسم ها، مذهب بر حق تشیع را زنده نگاه داشته است و شما باید در حزن اهل بیت(علیهم السلام) محزون شده و عزاداری کنید و کاری نداشته باشید که بعضی مخالفین چه می گویند. با عزاداری، مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) را زنده نگاه دارید و با تمام وجود از مظلومیت آنها دفاع نمایید و از کلمات بزرگانی که همواره مدافع شعائر بوده و این شعائر به واسطه آنها تقویت شده، الگو بگیرید و با شرکت در مجالس و دسته های عزاداری به وظیفه خود عمل کنید که فردای قیامت اجر و ثواب نصیب شما خواهد شد (ان شاء الله).

يك طلبه در عزاداری چگونه باید عمل کند؟

عزاداری، طلبه و غیر طلبه ندارد؛ همه موظف اند که شعائر الهی را به هر نحو ممکن حفظ کنند، البته هرکس نسبت به توانایی خود. شرکت در عزاداری، اولین مرحله حفظ شعائر الهی است و همه باید سعی کنند که ایام سوگواری، با شکوه تمام برگزار شود. حضور طلاب در جلسات و عظ و خطابه و در جمع مؤمنین باید ملموس باشد و آنها باید در دسته جات سینه زنی، زنجیر زنی و مراسم مختلف که تقویت شعائر را به دنبال دارد، شرکت کنند. در مجلس روضه، اشک بریزند و حالت حزن به خود بگیرند. یادآوری و زنده نگاه داشتن ظلم هایی که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشت، ضامن بقای تشیع است و هرچه در توان دارید از این شعیره دفاع کنید که سعادت اخروی را کسب خواهید کرد.

در ایام وفیات ائمه (علیهم السلام) لباس سیاه به تن کردن لازم است؟

بسمه تعالی؛ لباس سیاه به تن کردن و ابراز احساسات از قبیل گریه کردن و سینه زدن و... در ایام وفیات ائمه (علیهم السلام) اعلام حزن است و داخل در جزع می باشد و اجر و ثواب دارد و واقعه مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص واقعه کربلا باید زنده نگاه داشته شود و تکلیف بر همه است به خصوص طلبه، که پاسدار علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد. (۲۱)

. . . . . (۲۲)

(۲۱) یکی از ویژگی های فقیه مقدس، مرحوم میرزا ابن بود که در ایام وفیات به خصوص حزن صدیقه شهیده (علیها السلام) و سید الشهداء (علیه السلام) اهتمام خاص می دادند به طوری که از چهره و لباس ایشان می شد تشخیص داد که ایام عزا است. قیای سیاه به تن می کردند و اجازه نمی دادند در مجلس برایش منکا بگذارند (غیر از سال آخر عمر که سرما برایشان مضر بود از این رو با اصرار پشتی برایشان گذاشته می شد تا سرما نخورند) و در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و در شهادت ائمه اطهار (علیهم السلام) بسیار ابراز احساسات می کردند و به شدت اشک می ریختند و با شکلی عزادار در مجلس حاضر می شدند و خطاب به منبری می فرمودند: «زیاد روضه بخوان!» و به گونه ای اشک می ریختند که اطرافیان تحت تأثیر قرار می گرفتند. ایشان می فرمود: «بهترین لحظات زندگی من حضور در مجلس عزا و روضه اهل بیت (علیهم السلام) است» از این رو ایشان به هر مناسبتی مجلس عزا به پا می کردند.

محرم که فرا می رسید، فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) ضمن برگزاری مراسم عزاداری، جامه سیاه بر تن می کردند و هیئت عزا به خود می گرفتند، به نحوی که با نگاه به مرحوم میرزا (قدس سره) می توانستیم متوجه ایام حزن شویم. ایشان محرم را با غم و اندوه شروع می کردند و وقت روضه خوانی مانند باران اشک می ریختند و به منبری ها می گفتند: «زیاد روضه بخوانید!» مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس عزا و در هنگام روضه از خود بی خود می شدند و با شدت شروع به گریه می کردند؛ به طوری که اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار می دادند و هر کسی ایشان را با این هیئت می دید، عاشقانه می سوخت، می فرمودند: «این اشک ها برای قبر و قیامت است، می خواهم اسمم جزء عزاداران اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهداء (امام حسین علیه السلام) ثبت شود.»

فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) افرادی را که با صدا و با احساسات بر اهل بیت (علیهم السلام) گریه می کردند بسیار دوست داشتند، اگر فردی می آمد که معروف بود که این آقا در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) «بکاء» است بسیار خشنود می شد و از او طلب می کرد که به او نزدیک شود و ضمن لبخند می فرمود: التماس دعا داریم. خود مرحوم میرزا (قدس سره) بر مجالس اهل بیت (علیهم السلام) مانند باران اشک می ریخت و به خطباء سفارش می کرد که زیاد روضه بخوانند، گاهی به خاطر شدت بکاء چندین بار خود را در مجلس جابه جا می کردند، تحمل ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) برایشان سخت بود و نمی توانستند آرام بنشینند. مرحوم میرزا (قدس سره) بارها و بارها در مواظن مختلف به ثواب گریه بر سید الشهداء (علیه السلام) اشاره می کردند و می فرمودند: انسان در طول زندگی همواره لغزش دارد و شیطان در کمین است و ممکن است اشتباه هم بکند، باید از شر شیطان به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) پناه ببرد و یکی از راه های نجات از شر شیطان گریه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) و کمک خواستن از آنهاست.

روزی فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) خطاب به والد (قدس سره) خود گفتند: «آقا! چرا در روضه این قدر بی تاب می کنید، با وضعیتی که دارید، (چهار سال آخر عمر مرحوم میرزا (قدس سره) که به بیماری گذشت) به شما فشار می آید!» مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «فرزندم! گریه من ان شاء الله اگر مورد قبول واقع شود عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) است. من از این گریه دو چیز را دنبال می کنم: یکی به خاطر قبر و قیامت، که ثواب این اشک ها برای روزی که «لا ینفع مال ولا نول» ذخیره شود، گریه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) حلال مشکلات است و علاوه بر تأثیر دنیوی ذخیره ای برای آخرت است. اگر کسی با معرفت به عظمت مصائب اهل بیت (علیهم السلام) اشک بریزد از بهشتیان است.»

..... (۲۳)

..... (۲۴)

مورد دوم اینکه من می خواهم به مؤمنین به خصوص طلب جوانی که در آینده، هدایت مردم در دست آنهاست، طریقه ابراز ارادت و محبت و برگزاری مجالس عزا در مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) را آموزش دهم تا آنها بفهمند که در مقابل مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) باید ابراز احساسات کرده و نباید خود را در مقابل مقام والای آنان چیزی حساب کنند؛ بلکه باید بر سر و سینه زده و گریه کنند. گریه علاوه بر اینکه در مقابل مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ادای وظیفه است، ذخیره ای بسیار گرانبها برای قیامت است؛ زیرا چشمی که بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) گریه کند، در آخرت گریان محشور خواهد شد. ما تا فرصت داریم باید در دنیا برای خود ذخیره فراهم کنیم.»

فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) مقید بودند که دستمال سیاهی را که مخصوص گریه بر اهل بیت(علیهم السلام) بود، در روضه ها با خود حمل کنند و به ندرت این کار را فراموش می کردند. گاهی اتفاق می افتاد که مرحوم میرزا(قدس سره) بدون برنامه ریزی قبلی در مجلس روضه شرکت می کردند و به همین سبب دستمال همراهشان نبود، ولیکن ایشان در مجالسی که خبر داشتند روضه برگزار خواهد شد، دو دستمال حمل می کردند: یکی سیاه که مخصوص گریه بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) بود و اشک های خود را با آن پارچه مخصوص سیاه پاک می کردند و دیگری دستمال سفیدی بود که مخصوص پاک کردن بینی و دهان مبارکشان بود. ایشان مقید بودند که اشک خود را با آن دستمال سیاه پاک کنند و همیشه می فرمودند: «من این دستمال ها را برای قیامت می خواهم و وصیت کرده ام که دستمال ها را در قبر من جای دهند تا امانی باشد برای قبر و قیامت». به حمد الله فرزندان مرحوم میرزا(قدس سره) موفق شدند که دو دستمال سیاه را یکی در دست مبارک و دیگری را بر روی سینه ایشان جای دهند.

فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در ایام سوگواری حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)(ایام فاطمیه سال ۱۴۲۷ هـ. ق) سخت بی تابی می کردند و در ایام فاطمیه به شدت گریه می کردند و چون ایشان کسالت داشتند، اطرافیان برای حال ایشان بسیار نگران بودند و می گفتند: آقا! کمی تحمل کنید، برای حالتان خوب نیست، کمتر بی تابی کنید؛ ولیکن ایشان می فرمود: نمی توانم! مصائب حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) به قدری است که انسان نمی تواند خود را کنترل کند و ایشان آن قدر بی تابی می کرد که سرانجام چشم چپ ایشان از شدت فشار منحرف شد و اطرافیان به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می کردند که مرحوم میرزا(قدس سره) اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است. برای علاج چشم مرحوم میرزا(قدس سره) به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه، نظر دکترها این بود که چشم هیچ عیبی ندارد، ولیکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است؛ از جمله دکتر تلاشان که ایشان بعد از معاینه و بررسی کامل چشم مرحوم میرزا(قدس سره) گفتند: چشم سالم است؛ اما بسیار خسته شده و به آن فشار آمده است. ولیکن نگران نباشید، بگویید آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکنند.

حجت الاسلام سید محمد موسوی می گوید: در حرم مطهر امام ثامن الحجج، امام رضا(علیه السلام) خدمت خطیب شهیر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین، عبدالحسین خراسانی(رحمه الله) رسیدیم، به مناسبت زکری از مرحوم، فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سره) به میان آمد. ایشان ضمن آه کشیدن و ذکر بعضی از مناقب میرزای تبریزی(قدس سره) گفتند: خدایش بیامرزد و به ایشان علو درجه دهد. ایشان فانی در ولای اهل بیت(علیهم السلام) بود و در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) به شدت اشک می ریخت و ابراز ارادت می کرد و گریه بر امام حسین(علیه السلام) را واجب می دانست که این، خود دال بر ولای سرشار و علاقه فراوان آن مرجع راحل به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) است. ایشان در مجالس اهل بیت، به خصوص سالار شهیدان و صدیقه شهیده(علیها السلام) مانند باران اشک می ریخت و به منبری ها سفارش می کردند که زیاد روضه بخوانید، ایشان(قدس سره) می فرمود: «بهترین لحظه حیات من همان زیارت عتبات مقدسه و حضور در مجلس روضه می باشد.» و وقتی این واقعه برای فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) نقل شد ایشان اضافه کرد: اگر کسی در روضه اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص سالار شهیدان حالت بکاء به خود نمی گرفت مرحوم میرزا(قدس سره) سخت ناراحت می شدند و تذکر می دادند و یا به من اشاره می کردند به فلانی بگو این طور در مجلس روضه نشیند لاف جلوی صورت خود را به حالت بکاء بگیرد. ایشان در روضه واقعاً از خود بی خود می شدند و مانند باران اشک می ریختند و می گفتند به منبری ها بگویید روضه زیاد بخوانند.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) دو دستمال سیاه داشتند که ایام عزا و روضه با خود حمل می کردند و هنگام ذکر مصیبت، اشک هایشان را با آن خشک می کردند و همواره از دستمال ها مواظبت کرده و بعد از فراغت از مجالس، در جای خاص قرار می دادند و بارها و بارها به فرزندان خود می گفتند: «اگر من از دنیا رفتم، این دستمال ها را در کفن من قرار دهید.» بعد از رحلت ایشان، فرزندانشان قبل از کفن کردن، هر چه جستجو کردند، دستمال ها را پیدا نکردند تا آنکه نوبت به کفن کردن مرحوم میرزا (قدس سره) رسید. همین که کفن را باز کردند، ناگهان مشاهده شد دستمال ها در کفن است و معلوم شد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند) دستمال ها را در کفن خود قرار داده اند. یکی از دستمال ها را در دست راست مرحوم میرزا (قدس سره) و دیگری را بر سینه مبارکشان قرار دادند و دستمالی که مرحوم میرزا (قدس سره) سال ها اشک هایشان را با آن پاک می کردند، و بارها و بارها می گفتند اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال ها به عشق اهل بیت (علیهم السلام) اشک ریخته ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته مرحوم میرزا (قدس سره)، این دستمال ها شاهد و فریادری در قبر و قیامت باشد؛ زیرا که ایشان سال های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) را پاک می کردند و معتقد بودند که این دستمال ها دادرسی ایشان خواهند بود و بدین وسیله پیامی به همه دادند که باید در دنیا تا می توان بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ابراز احساسات کرد تا این عرض ارادت ها فریادری باشد در قبر و قیامت.

## يك طلبه به چه اندازه در شبهات حسینی بحث کند؟

بسمه تعالی؛ هر کاری که در سوگ سید الشهداء (علیه السلام) انجام گیرد و در عنوان جزع داخل شود مستحب است و لطمه زدن اگر به حدّ جنایت نرسد مانعی ندارد و یکی از بهترین ذخیره ها برای قبر و قیامت شعائر حسینی است. (۲۶)

..... (۲۷)

(۲۶) فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) همواره آرزو داشتند که جهت زیارت مرقد مطهر اهل بیت (علیهم السلام) به عراق سفر کنند. بعد از سقوط طاغوت، و باز شدن راه کربلا، مرحوم میرزا (قدس سره) گذرنامه خود را جهت سفر به عتبات آماده کردند و لحظه شماری می کردند که اوضاع کمی آرام تر شود تا عازم گردند؛ هر روز از وضعیت موجود سؤال می کردند و همواره در حسرت زیارت کربلا می سوختند و به یاد زیارت عتبات اشک می ریختند و می پرسیدند: اوضاع چطور است آیا توفیق بر ما حاصل می شود؟ بعضی از مقلدین وقتی از موضوع خبردار شدند پیشنهاد سفر عمره دادند و مبالغی را جهت سفر مرحوم میرزا (قدس سره) به عمره فرستادند؛ ولیکن مرحوم میرزا (قدس سره) قبول نکرده و فرمود: «من تا کربلا را زیارت نکنم جای دیگر نمی روم. وقتی مردم ببینند من سفر عمره رفته ام، فکر می کنند که عمره افضل از سفر به کربلا است، من وظیفه دارم اگر موفق شدم اول به کربلا بروم تا اگر دیگران از سفر من مطلع شدند، بدانند که سفر کربلا افضل است. از این رو علی رغم اصرار شدید مقلدین برای سفر به عمره، ایشان تا آخر عمر قبول نکردند و می فرمودند: تا کربلا نروم سفر عمره را قبول نمی کنم و همواره در حسرت سفر به کربلا می سوختند و تا اسم کربلا به زبان کسی جاری می شد اشک می ریختند و اگر شخصی می گفت: می خواهم به کربلا سفر نمایم، فقیه مقدس متحول شده و با چشمانی اشکبار می گفتند: خوشا به حالت که موفق می شوی افضل اعمال را انجام دهی. سرانجام به دلیل عدم امنیت، سفر مرحوم میرزا (قدس سره) به کربلا صورت نگرفت.

به مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) می گفتند: آقا بعضی از مراسم عزاداری در این زمان صلاح نیست لطفاً در این زمینه نظراتان را صریح و شفاف بیان کنید اما ایشان (قدس سره) تا آخر عمرشان حاضر نشدند در بعضی از قضایا که احتمال داشت از آن، در جهت تضعیف شعائر استفاده شود دخالت کنند و بارها و بارها می فرمودند: «من در دستگاه امام حسین (علیه السلام) دخالت نمی کنم. خوشا به حال آنان که مورد عنایت حضرت امام حسین (علیه السلام) قرار می گیرند که آخرتشان تضمین است.» و حتی اصرار می کردند که هم اکنون که در عراق کشتار است، چرا فتوا نمی دهید که مردم به زیارت نروند و از جان خود مواظبت کنند؟! مرحوم میرزا (قدس سره) بارها و بارها می فرمود: «من کسی نیستم که نظر دهم. با توجه به اینکه من خود را خادم سالار شهیدان (علیه السلام) می دانم و در عشق زیارت حضرت (علیه السلام) می سوزم چگونه مانع شوم مردم به آن فیض نائل شوند ولو جان انسان در این راه از دست برود. هرکس در راه زیارت سید الشهداء (علیه السلام) از دنیا برود شهید است و در آخرت از اجر بالای برخوردار خواهد بود؛ زیرا که او در راه زیارت سید الشهداء (علیه السلام) از دنیا رفته، همان راهی که افضل اعمال می باشد.»

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در حفظ شعائر سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) سخت تلاش می کردند و همواره مقابل شبهات ایستادگی کرده و با افراد شبهه افکن با صراحت و شجاعت مقابله می نمودند. بعد از سقوط حکومت عراق و کشتار مردم مظلوم شیعه توسط «وهابیون» در داخل عراق، همواره از مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص سفر به کربلا و بعضی عزاداری ها سؤال می شد (آنان که این سؤال ها را می کردند، انتظار داشتند مرحوم میرزا (قدس سره) سفر به کربلا با آن وضعیت موجود و انجام بعضی مراسم را تحریم کنند). مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال اخلاص و فروتنی در جواب سؤال کنندگان می فرمود: «من در دستگاه سیدالشهداء — امام حسین (علیه السلام) — دخالت نمی کنم، دخالت در این امور جرأت می خواهد که من آن جرأت را ندارم. هر گفتاری، فردا در نزد پروردگار جواب می خواهد و من توان جوابگویی را ندارم. من خود عاشق حسینم و حاضریم همه هستی خود را در راه او فدا کنم و معتقدم که هر کاری که بکنند، باز هم مردم در جهت زیارت و ارادت به سالار شهیدان کوتاهی نخواهند کرد؛ بلکه شوق و علاقه آنان هر روز از روز دیگر بیشتر و بیشتر خواهد شد. هرکس در این مسائل خودش تکلیف خود را تشخیص می دهد، چه اشکال دارد انسان در راه زیارت سیدالشهداء — امام حسین (علیه السلام) — جان خود را فدا کند! مگر ما از خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برتریم؟! آنان در راه خدا از همه هستی خود

.....

گذشتند. خداوند این جوانان مخلص را حفظ کند که این گونه با اخلاص، ارادت خود به اهل بیت(علیهم السلام) را نشان می دهند.  
من برای همه آن عزیزانی که در راه احیای شعائر حسینی تلاش می کنند، دعا می کنم.»



به حمد الله خدا توفیق می دهد در ایام تبلیغ به مناطق مختلف می رویم و به تبلیغ دین می پردازیم، چه

نصیحتی به خطبا می فرمایید؟

بسمه تعالی؛ يك خطیب باید تمام توان خود را صرف نشر معارف و فضائل و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) کند و مردم را با مسائل شرعی آشنا نماید و از مسائلی که مربوط به دین نیست بپرهیزد. (۲۸)

يك طلبه برای آنکه همیشه یاد مرگ باشد و مغرور نشود چه کاری انجام دهد؟

بسمه تعالی؛ یکی از مؤثرترین مورد، زیارت قبور است. انسان با زیارت قبور یاد مرگ می افتد و سعی می کند از گناه دور باشد. (۲۹)

. . . . . (۳۰)

(۲۸) حجت الاسلام والمسلمین شیخ سعید سواری می گوید: علاقه خاص بین مرحوم میرزا(قدس سره) و من ایجاد شده بود و سالها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا(قدس سره) شرکت می کردم و استفاده فراوان می کردم، و گاهی وقت ها بعد از درس خدمت ایشان می رسیدم و اشکالات خود را مطرح می کردم و آن قدر شیفته این مرد الهی بودم که تصمیم گرفتم يك روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم يك روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم. ایشان لبخندی زد و گفت: شیخنا من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند. قبل از رفتن به تبلیغ تصمیم گرفتم خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) برسم تا مرا نصیحت کند، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: آقا من در حال سفر به تبلیغ هستم چه می فرمایید؟ استاد بزرگوار(قدس سره) دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا(قدس سره) بود گفت: شیخنا تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضائل و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به کار ببر و فقط در این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با طرح اخلاق و کردار و معارف اهل بیت(علیهم السلام) ضمن راهنمایی مردم از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به آنان بگو.

حجة الاسلام والمسلمین اعتمادیان می گوید: من همراه با حجة الاسلام والمسلمین کازرونی خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و بعد از طرح بعضی مسائل آقای کازرونی خطاب به مرحوم میرزا(قدس سره) و اشاره به من گفت: این شیخ اهل منبر است و مرحوم میرزا(قدس سره) تا این جمله را شنیدند فرمودند: اینان اصل هستند و ما فرع، این کلام مرحوم میرزا(قدس سره) سخت در من اثر کرد و روحیه خوبی به من داد و این جمله برایم بسیار تازه بود و از کسی این جمله زیبا را نشنیده بودم. این مرجع با آن علم سرشار و جایگاه خاص و محبوبیت فراوان آن گونه با تواضع برخورد می کند که هر کسی در کنار او قرار می گرفت معنویت را حس می کرد و آنگونه در مقابل اهل منبر برخورد می کرد که ضمن اعطاء روحیه مضاعف بر خادمین منبر حسینی، منبری خود را مأجور می دید و از اینکه يك مرجع با آن معنویت بالا آنگونه او را مورد خطاب قرار می داد به خود می بالید. این پیر مرد الهی تمام حرکاتش حساب شده و هدف دار بود و کاری را که انجام می داد از آن نتیجه ای را دنبال می کرد که تأثیر خود را می گذاشت.

(۲۹) از اعمالی که مرحوم میرزا(قدس سره) بر آن مراقبت می کرد و هر هفته به انجام آن مقید بود، زیارت قبور بود، ایشان می فرمود: اموات به حسنات احتیاج دارند و سر زدن به قبرستان و یاران اموات که دستشان فعلاً از دنیا کوتاه است، علاوه بر تأثیر بر خود شخص، شاد کردن روح آن خفتگان را در پی دارد و یاد کردن آنها و خواندن قرآن یا فاتحه روحشان را شاد می کند و تأثیر بسیار قوی ای بر خود شخص زائر دارد. ایشان(قدس سره) همیشه مقید رفتن به قبرستان (جهت زیارت اهل قبور) بودند؛ چه آن زمان که در نجف بودند، هر روز به وادی السلام نجف تشریف می بردند و چه آن زمان که در قم بودند به قبرستان شیخان، قبرستان علی بن جعفر(علیه السلام)، قبرستان نو، ابوحنین و وادی السلام جهت قرائت فاتحه و زیارت اهل قبور تشریف می بردند و می گفتند: به زیارت اموات بروید که درس و عبرتی است و انسان را از گناه دور می کند و ما نیاز داریم تا با رفتن به زیارت اهل قبور درس و

عیرتی بگیریم و بتوانیم حب دنیا را از دل خود خارج کنیم و متوجه شویم که عاقبت امر ما همین يك متر و نیم جا است که باید پاسخگوی همه اعمال خود باشیم. این عمل مرجع روشن ضمیر، باعث احیاء قلوب و یادآوری احوال قبر و قیامت بود و مردم و به خصوص طلاب با مشاهده این رفتار بزرگ منشانه، از غفلت و هواخواهی خویش شرمنده گشته و سخت تحت تأثیر قرار می گرفتند. مرحوم میرزا (قدس سره) زیارت قبور را جهت سازندگی، نیل به مرتبه کمال، دوری از گناه، ایجاد سکینه در انسان و زندگی همراه با معنویت مؤثر می دانستند و همواره با زمزمه خود در کنار قبور می فرمودند: «سرانجام جایمان همین جاست و ما را در يك متر و نیم طول و نیم متر عرض می خوابانند. آیا ارزش دارد که انسان آخرت خود را به دنیا بفروشد!» و می فرمودند: تا دیر نشده، باید در دنیا برای آخرت خود تلاش کرد و معنویت کسب نمود، خود را بسازید که فردا دیر است. خود را چیزی حساب نکنید، بنده مطیع باشید و با عشق و جان در جهت نیل به معنویت گام بردارید. بهترین وسیله، توسل است؛ توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که «سفینه نجات» می باشند و اگر آنها نظری کنند و بخواهند، خداوند متعال توفیق خواهد داد و امید است خداوند متعال به همه ما توفیق دهد تا با معرفت، از این دنیا برویم و بر آخرت خود چیزی ذخیره کنیم تا ضمن آنکه حسرت نخوریم، ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز منجی ما باشند، ان شاء الله تعالی.»

فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همیشه برای زیارت اموات به قبرستان های واقع در شهر مقدس قم می رفتند و زمانی که نجف اشرف بودند، با اموات وادی السلام انس خاصی داشتند، ایشان اواخر عمر به خاطر ضعف شدید با فرزند خود و بعضی افراد جهت زیارت اهل قبور به قبرستان تشریف می بردند.

فاضل محترم حجت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: در یکی از روزهایی که توفیق یافتم در کنار آقا به زیارت قبور بروم، مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) سوره «یاسین» می خواند و در همان زیارت اهل قبور رو به فرزند خود (حاج صادق تبریزی) کرد و گفتند: «فرزندم! بعد از من برایم سوره «یاسین» بخوانید.» آن گاه مبلغی و به قرآن خوان قبرستان دادند و گفتند: «چند سوره «یاسین» برای اموات، علما و اشخاص مدفون در این مکان به خصوص دوستان و عزیزانی که با من رفیق یا همدرس بودند، بخوان.» در طول حیات ایشان بارها و بارها شنیده شد که می فرمودند: «اموات به دعا و خیرات نیاز دارند. مرا در قبر فراموش نکنید، مرا یاد کنید، سوره «یاسین» بخوانید.» مرحوم میرزا (قدس سره) در تمام لحظات عمر پربارشان به یاد مرگ بودند و بارها و بارها می فرمودند: کاری نکنید که در قبر پشیمان شوید، برای خود ذخیره جمع کنید که فردا دیر است.

مشاهده می شود بعضی از طلاب به شکل نامناسب مطالعه می کنند و به تعبیری احترام کتابی را که در حال مطالعه آن هستند ندارند حضرت عالی چه نصیحتی می فرمایید؟  
بسمه تعالی؛ کتبی که در اختیار يك طلبه است، فقه آل محمد و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است باید با احترام خاص به مطالعه آنها پردازید. (۳۱)

. . . . .

(۳۱) فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) معمولاً جهت درس، «وسائل الشیعه»، مرحوم شیخ حر عاملی (قدس سره) و کتاب «عروة الوثقی»، مرحوم سید یزدی (قدس سره) را با خود حمل می کردند.  
فاضل محترم، حجت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: صبح، قبل از درس مرحوم میرزا (قدس سره) به دفتر آمد، مرحوم میرزا (قدس سره) هنوز به جلسه درس تشریف نبرده بودند. با ایشان جهت رفتن به درس همراه شدم، وقتی می خواستند درب اتاق خود را ببندند، مشاهده کردم که در دست مرحوم میرزا کتاب است و به سختی می توانند قفل درب اتاق را ببندند. کتاب ها را از دست مرحوم میرزا (قدس سره) گرفتم و آقا درب را به آهستگی بستند، بعد مرحوم میرزا (قدس سره) به من فرمودند: «کتاب ها را به من برگردانید!» گفتم: «آقا! دست من باشد، سنگین است» مسجد اعظم به شما تحویل خواهم داد.» ناگهان دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) فرمود: «کتاب ها را بدهید. این دو کتاب، یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است. می خواهم آنها را با دست های خود حمل کنم که دست هایم از آتش جهنم در امان باشند». آن گاه شروع کردند به اشک ریختن و این حرف آقا سخت در من اثر گذاشت و همیشه این جمله مرحوم میرزا (قدس سره) را تکرار می کنم که فرمود، یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است.  
فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در جابه جایی کتاب ها و کتابی که زیر دستی خود قرار می دادند، بسیار دقت می کردند و گاهی می شد که برای برداشتن کتاب جهت زیر دستی، چندین کتاب را بر می داشتند و دوباره بر زمین می گذاشتند تا یکی از آنها را انتخاب کنند. به کتب روایی و فقهی احترام بسیار خاصی می گذاشتند و آنها را با احترام ویژه ای جابه جا می کردند. ایشان همیشه می گفتند: «اینها احادیث شریف اهل بیت (علیهم السلام) و علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) هستند، در حمل و جابه جایی آن دقت شود».  
هیچ گاه مشاهده نشد مرحوم میرزا (قدس سره) کتابی را بدون رساندن به سطح زمین بر روی زمین بگذارد. آن قدر خم می شدند تا کتاب بر روی زمین یا روی میز قرار گیرد و این حرکت میرزا (قدس سره) درسی بود برای اشخاصی که به محضر ایشان می رسیدند. فرزند ایشان می گوید: من هیچ گاه ندیدم مرحوم والد (قدس سره) پای خود را در هنگام مطالعه دراز کند و همیشه چهارزانو می نشستند و در حالی که کتب دور و برشان را احاطه کرده بود مشغول مطالعه می شدند. و در هنگام درس، خودشان کتب روایی و فقهی را حمل می کردند و می فرمودند: «حمل این کتب امان دست هایم از آتش جهنم است؛ زیرا اینها همه معارف اهل بیت (علیهم السلام) و فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) هستند».

نمی دانم چه کنم که توجه پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) بر من جلب شود؟

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلُّ عَبْدٍ دَعَا فَعَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ، وَتُقَضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ؛ هَمَانَا خَدَاوَنَد عَزْوَجَلَّ از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود.»

ضمن مراعات مسائل شرعی و انجام تکالیف الهی سعی کنید توسل خود را بیشتر کنید و با دعا و نیایش خصوصاً در نیمه شب خود را به پروردگار یکتا نزدیک کنید و ان شاء الله آن ساعت که درب های آسمان باز است شما جزء کسانی باشید که حاجتتان برآورده گردد از تواضع و فروتنی<sup>(۳۲)</sup> و ساده زیستی<sup>(۳۳)</sup> غافل نباشد مایوس نباشید توسل کنید به آرزوی خود ان شاء الله خواهید رسید.<sup>(۳۴)</sup>

(۳۲) تواضع و فروتنی مرحوم میرزا (قدس سره) زبانزد بود. ایشان در هر حال خود را بیش از يك طلبه حساب نمی کردند و سعیشان بر این بود که در حرکات و سکنات خود طوری عمل کنند که احساس نشود مرجعیت در زندگی ایشان تأثیری گذاشته است. ایشان می فرمود: «مرجعیت، يك وظیفه الهی است و اگر نبود اصلاً زیر بار آن نمی رفتم اما چه کنم که مسئولیت است.» مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال تواضع و فروتنی به حل مشکلات می پرداختند و خود را به سان پدری مهربان در قلب ها جای داده بودند و مانند سایر مردم حرکت می کردند. کسی که به نزد ایشان (قدس سره) می رفت احساس غربت نمی کرد؛ بلکه احساس می کرد در نزد پدری مهربان نشسته است و به خصوص برای طلاب غریب، پدری دلسوز و مهربان بودند و سعی می کردند به طلاب عزت دهند و آنان را یاری نمایند.

قناعت در مصرف و عدم استفاده از وجوه، از حسنات بارز مرحوم فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بود ایشان در اخذ وجوه بسیار دقت می کردند.

یکی از مواردی که فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) به آن بسیار اهمیت می دادند این بود که در زمان حرکت (چه برای قدم زدن، چه برای درس) راضی نمی شدند کسی پشت سرشان قدم بزند و نمی خواستند هنگام راه رفتن در خیابان توجه کسی به او جلب شود. اگر کسی با ایشان حرکت می کرد، مرحوم میرزا (قدس سره) از او خواهش می کردند که به دنبال من حرکت نکنید و دوست داشتند مانند سایر مردم به تنهایی قدم بردارند. این حرکت میرزا (قدس سره) تأثیر عجیبی بر مردم به خصوص طلبه ها می گذاشت که شخصیتی مانند ایشان تنها و با کمال خضوع و خشوع حرکت می کند و هیچ توجهی به عنوان و موقعیت خود ندارد. و هنگامی که نیمه شب از خانه خارج می شدند گاهی اوقات عبا را به سر می کشیدند تا کسی ایشان را نشناسد و مانند يك طلبه معمولی در خیابان حرکت می کرد و در حرم مطهر به راز و نیاز مشغول می شد.

(۲) فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بسیار ساده زندگی می کردند؛ به طوری که هر کس به اتناق شخصی مرحوم وارد می شد، سادگی این زندگی را به وضوح لمس می کرد. ایشان با يك رختخواب ساده و با امکانات بسیار محدود، تعدادی کتاب و امکانات اولیه ساده، روز و شب خود را می گذراندند. وقتی بعضی از مقلدین مرحوم میرزا (قدس سره) زندگی ایشان را می دیدند، سعی می کردند برایشان چیزهای فاخر؛ از جمله رختخواب خوب، ملحفه عالی و وسایل راحتی تهیه کنند، اما وقتی هدایا می رسید، مرحوم میرزا (قدس سره) آن را می فروختند و وسایل مورد احتیاج را تهیه می کردند و یا اینکه آن را متبرک کرده و به بعضی اشخاصی که به دیدارشان می آمدند، هدیه می دادند.

..... (۳۵)

..... (۳۶)

ایشان به وسایل دنیا اصلاً اعتنا نمی کردند و به وسایل ساده خود بیشتر علاقه داشتند. فرزند ایشان می گوید: روزی یکی از مقلدین ایشان در عربستان توسط یکی از مشایخ عربستان يك دست رختخواب و ملحفه و . . . بسیار عالی و با ارزش فرستاد و از او خواست که به آقا (قدس سره) بگوید شخصی که این وسایل را فرستاده، اصرار کرده که آقا حتماً از آنها استفاده کنند. فرزند مرحوم میرزا (رحمه الله) می گوید: نزد مرحوم میرزا (قدس سره) رفته گفتم: «آقا! فلان شخص تقاضا کرده شما از این وسایل: از جمله رختخواب استفاده کنید!» مرحوم میرزا (قدس سره) قبول کردند. فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: من رختخواب را پهن کرده و رختخواب قدیمی را جمع کردم و ایشان بر روی آن استراحت کرد؛ ولیکن فردا که آمدم، دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) آن را جمع کرده و همان رختخواب و ملحفه قدیمی خود را پهن کرده است. فرزند میرزا (قدس سره) می گوید: مرحوم والد (قدس سره) تا مرا دیدند، گفتند: «فرزندم! من با این رختخواب جدید خوابم نمی برد. بگذار با همان وسایل ساده و آخوندی خودم زندگی کنم.» ایشان بسیار ساده می زیست و به چیزی که به ایشان می رسید توجهی نداشت.

ایشان تا آخر عمر سعی داشتند که جهت گذران زندگی شخصی از وجوه استفاده نکنند و تمام زندگی ایشان از نظر سادگی واقعاً آموزنده بود و تا آخر عمر مشاهده نشد که زندگی ساده خود را تغییر دهد. فرزند مرحوم (قدس سره) می گوید: بعد از رحلت آقا (قدس سره) اتفاقاً ایشان را که جمع می کردیم، کل وسایل اتاق شامل مقداری کتاب، لباس شخصی، تشک و لحاف بود، و برای بعضی اصلاً باور کردنی نبود که وسایل آقا (قدس سره) فقط همین اشیای محدود باشد. مرجعی که عده کثیری در خارج و داخل مقلد او بودند و هرچه را که می خواستند، برایشان مهیا می شد؛ با ساده زیستی خود، نمونه بارز تقوا و ایمان بوده و تارك دنیا به معنای واقعی بودند.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) با احتیاطی که داشتند، در استفاده از وسایل بسیار دقت می کردند، و روش زندگی ایشان به نحوی بود که هر کس مشاهده می کرد تحت تأثیر قرار می گرفت. وضعیت زندگی شان به نحوی بود که زمان مرجعیتشان با زمان قبل از آن فرقی نکرد و با همان حالت ساده زندگی می کردند.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: «ما یحتاج آقا معمولاً به عنوان سوغات و هدایا تأمین می شد و یا توسط سفری که من داشتم یا افرادی که از خارج به دیدار ایشان می آمدند، تأمین می گردید. زندگی ایشان به گونه ای بود که حتی برای درس (قبل از عارض شدن بیماری) مانند سایر طلاب پیاده می رفتند، از خانه تا مسجد اعظم پیاده حرکت می کردند و حاضر نمی شدند کسی پشت سر ایشان راه برود تا خدای ناکرده احساس شود ایشان برای خود حاشیه درست کرده است. تمام زحمات را متحمل می شد تا طلاب با دیدن ایشان دلگرم باشند و احساس کنند پدري دارند که همانند آنها زندگی می کند، (اما اواخر عمر به دلیل بیماری، میرزا (قدس سره) مجبور شدند با ماشینی به درس تشریف ببرند؛ زیرا مرحوم میرزا (قدس سره) به سرعت سرما می خورد و سرما خوردن برای ایشان بسیار خطرناک بود) و حتی ایشان حاضر نبود با ماشینی که عده ای از مقلدین خارج از کشور تهیه کرده بودند، بر سر جلسه درس حاضر شود؛ بلکه با ماشینی قدیمی خود رفته و گاهی اگر طلبه ای را در راه می دیدند، سوار می کردند و با خود به جلسه درس می آوردند یا از جلسه درس به جایی که در مسیر خود قرار داشت، می رساندند و بسیار پدرا نه و با تمام وجود ابراز محبت می کردند و بارها در کلاس درس، طلاب را «عزیزم» خطاب می کردند. ایشان خیمه ای بود برای کل طلاب؛ به طوری که با رحلت ایشان خلاء وجودی اش نمایان شد و طلاب فاضلی که از محضر ایشان استفاده می بردند، ضربه بزرگی احساس کردند.

فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) مقلدین فراوانی در خارج از کشور داشت، که مقید بودند که اگر به حضور ایشان برسند، هدیه ای برای مرحوم میرزا (قدس سره) تهیه کرده و با خود بیاورند و معمولاً هدایا شامل عباهای فاخر، قبا، کفش و از این قبیل بود؛ اما مرحوم میرزا همیشه سعی می کردند از عبا، قبا و کفشی استفاده کنند که چیز غیر متعارفی نباشد و طلاب توان تهیه آن را داشته باشند؛ زیرا همان گونه که می دانید، وسایلی که از خارج برای ایشان ارسال یا آورده می شد، از نظر رنگ و شکل متمایز بود، ولیکن مرحوم میرزا (قدس سره) از همان اشیای عادی؛ از جمله کفش پلاستیکی سیاه (گالش)، کفش سیاه پلاستیکی است) استفاده می کردند، نعلین معمولی به پا نموده و عبايي معمولاً ساده تهیه می کردند و بارها مشاهده می شد که قبای آقا کهنه و قسمتی از آن پاره است، اما آقا اصلاً اهمیت نمی دادند. وقتی می گفتیم این قبا کهنه شده، مرحوم میرزا (قدس سره) می خندید و می فرمود: «مسئله ای نیست، می گذرد!».



به يك طلبه جوان نصيحت می کنید تا چه اندازه مستحبات را انجام دهد؟

بسمه تعالی؛ اگر يك طلبه جوان بخواهد با پرداختن به مستحبات، از درس خود عقب بیفتد، نصيحت می کنم که اول به درس همراه با تهذيب نفس اهميت دهید و اگر مشغول شدن به عبادت مستحبي موجب شود که در درس و بحث عقب بیفتید یا درس کم اهميت شود، باید ابتدا درس را مقدم کرد. برای يك طلبه جوان تقويت بنیه علمی فعلاً از همه افعال مقدم است (همراه با تهذيب نفس) و ان شاء الله وقتی مُلا شديد، می تواند در کنار درس به مستحبات بپردازد.

با نظر حوزه علمیه می بینیم که طلاب هر کدام يك روش را اتخاذ کرده و در آن مسیر حرکت می کنند، نظر حضرت عالی چیست؟

اگر مرادتان آن است که هرکس بر طبق استعداد خود تلاش می کند این امر طبیعی است، و ما بارها به مسئولین حوزه گفته ایم که طلاب باید در انتخاب استاد مختار باشند و طبق استعداد خود درس بخوانند. نمی توان يك طلبه مستعد و قوی را با طلبه ای که در درس کُند پیش می رود، در يك کلاس قرار داد، از این رو انتخاب روش تحصیل، به خود طلبه بستگی دارد که بر طبق استعداد خود درس بخواند. اما اگر مراد شما آن است که طلاب با انتخاب کتب مختلف سعی می کنند پیش برد درس داشته باشند، نصیحت می کنم که طلاب همان روش قدیم حوزه را پیش گیرند و با خواندن کتب سنتی، خود را به کمال علمی برسانند و تا کتاب قبلی را خوب نخوانده اند کتاب دیگری را شروع نکنند و سعی کنند کتابی را که تمام کردند، آن را درس دهند. من خودم آن زمان که رسائل درس می گفتم، هر وقت به آن کتاب مراجعه می کردم يك مطلب جدید به دست می آوردم، علاوه بر این در تحصیل نباید از روش سنتی حوزه خارج شد، علمای بزرگ به واسطه این کتاب ها به مراتب عالی رسیده اند و توانستند خدمات مؤثری داشته باشند. طلاب عزیزم بدانید که زحمت کشیدن<sup>(۳۷)</sup> و درس خواندن بر طبق روش قدیم حوزه، همراه با تهذیب و توکل الهی، موفقیت به دنبال خواهد داشت.

(۳۷) یکی از خصوصیات فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) پرکاری ایشان بود. ایشان علاوه بر آنکه در منزل خود دائماً مشغول مطالعه و نوشتن بودند، صبح ها نیز بعد از درس فقه «مسجد اعظم» به دفتر تشریف می آوردند و درس خاصی برای فضلا داشتند و بعد از آن شورای استفتاء تشکیل می شد و این جلسه تا ظهر به طول می انجامید و عصر هم در «مسجد ارك» درس اصول برگزار می شد و عمده کسانی که در درس مرحوم میرزا (قدس سره) حاضر می شدند، افراد فاضل و مستعد حوزه بودند. و بعد از مرجعیت مرحوم میرزا (قدس سره)، به علت کثرت مراجعات، درس دوم فقه ایشان تعطیل شد و در عوض، شورای استفتاء وقت بیشتری گرفت و ایشان بعد از درس فقه مسجد اعظم، برای جواب سؤالات استفتاء در دفتر حاضر می شدند. یکی از فعالیت های سنگین مرحوم میرزا (قدس سره) همین جلسه استفتاء بود که عده ای از فضلا ساعت ها با شوق و ذوق در کنار این فقیه مقدس می نشستند و ضمن استفاده از ایشان، به استفتائات جواب می دادند. جلسه ایشان به قدری پر محتوا بود که هیچ گاه افراد حاضر احساس خستگی نمی کردند و به برکت همین جهد مرحوم میرزا (قدس سره)، بزرگ ترین موسوعه استفتائی از آن ایشان است. ایشان بعد از شورای استفتاء، جهت ادای فریضه نماز و استراحت از دفتر خارج می شدند و بقیه وقت خود را به مطالعه و نوشتن می گذراندند و بارها می فرمودند: «من مثل يك طلبه جوان کار می کنم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکرده ام» و هدفشان تربیت طلاب فاضل و لایق بود که به لطف خدا موفق شدند. ایشان تا آخرین لحظات بیماری، حتی سه روز قبل از منتقل شدن به بیمارستان، در شورای استفتاء حاضر شدند و با کمال علاقه و اشتیاق ضمن پاسخگویی به سؤالات مردم، برای رد شبهات، زمان خاصی را اختصاص دادند و به مسائل عقایدی اهمیت خاصی می دادند. تمام کسانی که با مرحوم میرزا (قدس سره) ارتباط داشتند، می گویند: «هیچ گاه مرحوم میرزا (قدس سره) را در حال استراحت ندیدیم. همه وقتشان یا به نوشتن سپری می شد، یا درس و یا استفتاء». ایشان بسیار تلاش می کردند که به هدف خود، که همان باقی گذاشتن اثری از خود و تربیت طلاب فاضل بود، دست یابند که در نهایت با تربیت صدها شاگرد فاضل که امروز سکان دار حوزه هستند و



اینجانب طلبه جوانی هستم و به خواندن فلسفه علاقه دارم ولیکن خوف انحراف دارم، بفرمایید چه

مطالبی از فلسفه را بخوانم؟

بسمه تعالی؛ مباحثی از فلسفه که با عقاید دینی مساسی ندارد، بلامانع است و آن مسائل فلسفی که با عقاید دینی مساسی دارند و متعلم در آن موارد می تواند عقاید دینی خود را حفظ کند و به شك و تردید نمی افتد، ولو به واسطه بیان معلم، آن نیز مانعی ندارد، اما موارد دیگری که ممکن است انسان را از جاده صواب خارج کند و شبههاتی ایجاد نماید که از عهده آنها بر نیاید را باید ترك کند.

با توجه به اینکه اینجانب طلبه هستم در مناظره های علمی چگونه باید باشم؟

بسمه تعالی؛ توصیه اینجانب به شما این است که ابتدا به درس اهمیت داده و از نظر علمی و اخلاقی خود را پرورش دهید و در مجادلات علمی سعی شود از جاده انصاف و اعتدال خارج نشوید و همیشه و همه جا استدلال و منطق را پایه مباحثات و گفت و شنودهای خویش قرار دهید ان شاء الله که موفق باشید. همت کنید تا از بروز اعمالی که موجب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان می شود جلوگیری کنید و از طرف دیگر از مسلمات مذهب تشیع دفاع کنید و در مقابل آنها کوتاه نیایید که مسئولید، موفق باشید.

نگارش ده ها اثر پرارزش در علوم مختلف از جمله: اصول، فقه، عقاید و رجال، از خود یادگارهای با ارزشی بر جای گذاشتند که امروزه منبع مراجعه فضیلاى محترم حوزه علمیه می باشد.

طلبه در کنار کتب درسی خود چه کتبی را مطالعه نماید؟

فرزندم! اصل بر آن باشد که به کتب سنتی حوزه اهمیت دهید و آنها را خوب بخوانید، بفهمید و بعد خودتان درس دهید. در مرحله بعد، کتبی را مطالعه کنید که با درستان ارتباط داشته باشد؛ زیرا فعلاً وظیفه شما فقط درس خواندن است. و از تهذیب نفس همراه درس خواندن غافل نباشید. در کنار تحصیل تلاش کنید که بعضی از کتب اخلاقی و سیره اهل بیت (علیهم السلام)، به خصوص اخلاقیات اهل بیت (علیهم السلام) را مطالعه کنید تا با اخلاق حسنه و نیکو بتوانید از فیض منابع بهره مند گردیده و تأثیر خوبی در جامعه داشته باشید. در وقت فراغت، مطالعه کتبی که در شما اثر مثبت داشته باشد، مانعی ندارد اما از خواندن کتبی که عمر ضایع کردن است، بپرهیزید که عاقبت خوبی ندارد. من مشاهده می‌کنم که بعضی از کتب غیر مرتبط به حوزه، مانند کتب شریعتی را در بین طلاب ترویج می‌کنند که این امر جایز نیست و داخل کردن افکار چنین افرادی به حوزه، خیانت به آن است، مگر آنکه بخواهید مطالعه کنید تا آنها را رد نمایید. در جهت انتخاب کتب و مطالعه آنها، با اساتید متدین، مجرب و فاضل مشورت کنید.

آیا می شود يك طلبه در کنار درس، درس های دانشگاه را هم بخواند؟

بسمه تعالی؛ نصیحت من به شما این است که درس های حوزه را خوب بخوانید و در آن جدیت داشته باشید تا بتوانید به خوبی به دین خدمت کنید. امروز حوزه به طلبه ملا نیاز دارد و موفقیت شما در گرو آن است که فکر شما متمرکز در دروس حوزه باشد، افرادی پیدا خواهند شد که خدمات دیگر را که دروس دانشگاه آنها را پرورش می دهد انجام دهند. اگر مستعد هستید و می دانید اگر درس حوزه را با جدیت بخوانید می توانید خدمات دینی مفیدی داشته باشید، درس طلبگی را مقدم بر سایر امور بدانید.

جوانی هستم که جهت انتخاب رشته تحصیل مردد شده ام، بفرمایید چه کنم، درس طلبگی را شروع نمایم یا به دانشگاه بروم؟

بسمه تعالی؛ چنانچه از خود اطمینان دارید که می توانید بر مشکلات، غالب شده و در آینده فرد مفیدی خواهید شد، به طوری که بتوانید نیاز حوزه یا مسلمین را برطرف کنید در این صورت به حوزه آمدن بهتر است، در غیر این صورت رشته مورد نیاز مسلمین را در دانشگاه انتخاب کرده و از آن طریق، وظیفه خود را انجام دهید.

با توجه به اینکه اینجانب در سن هفده سالگی میباشم نمی دانم که به حوزه بیایم یا به دانشگاه بروم، لطفاً

بنده را راهنمایی فرمایید؟

بسمه تعالی؛ لازم است عده ای از افراد بااستعدادی که اطمینان دارند اگر زحمت بکشند، می توانند به مقامات عالی علمی نائل شده و منشأ خدمات دینی گردند، به حوزه های علمیه بیایند و با معارف دینی و احکام شرعیه آشنا شوند تا بتوانند به دین خدمت نمایند، البته اجر اخروی این افراد، با کسانی که به سایر علوم اشتغال دارند قابل قیاس نیست، گرچه اشتغال به علوم دیگری که جامعه به آن احتیاج دارد هم لازم است و اگر به قصد قربت، آن علوم را تعلم کنند، مستحق ثواب و اجر خواهند بود، ان شاء الله تعالی، والله الموفق.

من ابتدا طلبه بودم و سپس طلبگی را رها کردم و اکنون دچار سردرگمی و نگرانی شده ام و می گویم نکند مورد غضب خدا واقع شوم؛ زیرا طلبگی را رها کرده و به تجارت مشغولم. از نظر تجاری در موقعیتی بسیار عالی هستم نصیحتی بفرمایید و مرا از این خود خوری نجات دهید!؟

فرزند عزیزم! شما چه طلبه باشید و چه تاجر متدین، می توانید به دین خدمت کنید. حالا که توفیق تجارت پیدا کردید، تقوای الهی را پیشه کار خود قرار دهید و با اموال خود حوزه های علمیه و آنچه تحت عنوان شعائر معروف است را پشتیبانی نمایید و از اموال خود در راه تقویت دین انفاق کنید که ذخیره آخرت است. شما می توانید گام های بزرگی در جهت تقویت دین بردارید به خصوص با توجه به اینکه طلبه بودید، احتیاج و درد دین را خوب می فهمید. تلاش در راه تقویت مذهب و دین، ضامن آخرت شماست؛ به واسطه مالی که انفاق می کنید بعضی از امور دین انجام می گیرد و این خود ذخیره الهی خوبی است. خداوند به شما توفیق دهد که بتوانید هرچه بیشتر به امور دینی کمک کنید، برایتان دعا می کنم.

طلبه ای هستم که با مشکلاتی مواجه شده ام به طوری که ادامه زندگی برایم سخت شده، می توانم ترك تحصیل کنم؟

بسمه تعالی؛ درس طلبگی بدون زحمت و تحمل مشکلات ممکن نیست و کم اتفاق می افتد که يك طلبه بدون فشار زندگی باشد؛ البته عده ای هستند که با داشتن پدر متمکن یا منابع معیشتی، زندگی خوبی دارند، ولیکن آنچه ما دیدیم اکثراً همراه با مشکل بوده است. تحمل بعضی از فشارهای زندگی، سخت می باشد. چنانچه تحصیل با چنین وضعیتی برای شما حرجی است و احساس می کنید واقعاً قادر به ادامه نیستید، می توانید ترك تحصیل کنید. در هر حال آخوندی، خالی از زحمت نمی باشد، اگر بتوانید تحمل کنید خداوند عنایت خواهد کرد و این چنین نیست که تا آخر، با این گرفتاری ها و مشکلات مواجه باشید «ومن یتق الله یجعل له مخرجاً ویرزقه من حیث لا یحتسب» و اگر مشکلات را برای خدا تحمل کنید، ان شاء الله فرجی خواهد شد و به امید خدا، به اجر و مقامات اخروی نائل خواهید شد.

بعضی طلاب شب‌ها می‌نشینند و روزها تا دیر وقت خواب هستند شما چه می‌فرمایید؟

بسمه تعالی؛ طلبه اگر بخواهد در آینده موفق شود باید سحرخیز باشد، همت داشته باشد و به خود عادت دهد که شب‌ها زود به خواب رود و از صبح زود استفاده کامل بنماید. بزرگان اگر به درجه عالی رسیدند و موفق شدند، به واسطه آن سحرخیزی و استفاده از فرصت‌ها<sup>(۳۸)</sup> بوده است «همت بلند دار که مردان روزگار، از همت بلند به جایی رسیده‌اند» معروف است که روزی‌ها را در نیمه شب تقسیم می‌کنند و یک طلبه جوان تا توانایی دارد باید این فرصت را از دست ندهد که فردا دیر است. ذهن انسان صبح زود آمادگی فراگیری کامل دارد، نصیحت من به طلاب محترم آن است اگر بخواهند به جایی برسند، تنبلی را کنار گذاشته و سحرخیز باشند، در آن نیمه شب، ضمن ارتباط معنوی، دروس خود را از ابتدا روز قرار دهند، البته طلبه جوان باید طوری عمل کند که خستگی زودرس بر او عارض نشود.

(۳۸) فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می‌گوید: مرحوم میرزا (قدس سره) تمام اوقات خود را صرف درس، بحث و عبادت می‌کرد. مشاهده نکردیم ایشان وقت خود را صرف امر دیگری کنند و غیر از استراحتی که داشتند، وقت خود را به چیز دیگر اختصاص نمی‌دادند؛ حتی وقتی به روستاهای اطراف می‌رفتند، مشغول نوشتن می‌شدند که اکثر کتاب «موسوعه رجالی» مرحوم میرزا (قدس سره) ثمره کارهای علمی‌ای بود که هنگام استراحت در خارج از شهر قم انجام می‌دادند. ایشان حتی روزنامه نمی‌خواندند، فقط برای آگاهی از اوضاع در همان حال که مطالعه می‌کردند، اخبار را نیز مشاهده یا گوش می‌کردند و همواره نصیحت می‌کردند (وقتتان را تلف نکنید که قابل جبران نیست). معروف بود که مرحوم میرزا (قدس سره) چه زمانی که در نجف و چه زمانی که در قم بودند، اهل جلسات به صورت شب‌نشینی (گعده) نبودند و همواره وقت شناس بوده و با تمام وجود از وقت خود استفاده می‌کردند. ایشان در طول روز مشغول بودند و می‌فرمودند: تا وقت هست باید خدمت کرد و استراحت من در قیام است لذا اگر ایشان را در طول روز مشاهده می‌کردید یا مشغول مطالعه بودند یا نوشتن استفتاء و یا بحث‌های خارج خود را می‌نوشتند.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می‌گوید: مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) سحر خیز بودند و صبح‌ها جهت تهجد و شب‌زنده‌داری به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می‌شدند و گاهی قبل از باز شدن درب حرم، مشرف می‌شدند و دقایقی را پشت درب حرم منتظر می‌شدند و افراد مختلف وقتی ایشان را پشت درب حرم مشاهده می‌کردند از فرصت استفاده کرده سؤالاتی مطرح می‌کردند. ایشان (قدس سره) با دیدن افراد سحرخیز به خصوص طلاب بسیار خوشحال می‌شدند و از آنان سؤال می‌کردند این وقت اینجا چه کار می‌کنید؟ اگر می‌دید برای تهجد و شب‌زنده‌داری است خیلی خوشحال می‌شدند و برای او دعا می‌کردند و آنان را تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: قدر جوانی را بدانید و سحر خیز باشید و از این ساعات برای برقراری ارتباط معنوی استفاده نمایید و در این تهجد آثاری است که سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

تا چه اندازه شوخی کم؟ زیرا در مدرسه بعضی از دوستان اصلاً شوخی نمی کنند و نمی خندند و بعضی دائماً در حال خنده و مزاح هستند، من تکلیف خود را نمی دانم؟

فرزندم! شوخی و خنده، حکم نمک در غذا را دارد، انسان باید از شوخی و خنده زیاد بپرهیزد، به خصوص طلبه جوان که دوران سازندگی خود را می گذراند. شوخی و خنده زیاد موجب دلمردگی می شود و اگر خدای ناکرده این اتفاق بیفتد خارج شدن از آن حالت، بسیار سخت است. هر کاری می کنید معقول باشد تا نگویند این چه طلبه ای است که وقت خود را صرف مزاح و شوخی می کند و برای چه این فرد، طلبه شده است، خنده زیاد شخصیت شما را نزد متدینین کمرنگ می کند. با دوستان متدین و مؤمن خود می توانید جملات معقول و موزون رد و بدل کنید اما باید مواظب باشید که دروغ، تهمت، بهتان، افترا و ایذاء کسی در آن نباشد؛ در سخن گفتن و شوخی معقول، تمام جوانب شرعی و اخلاقی را در نظر بگیرید. فرزندم! وظیفه فعلی شما درس خواندن و توکل به ایزد منان است، کاری کنید که رضایت امام زمان (علیه السلام) در آن باشد. شکل ظاهری و حرکت شما نیز به گونه ای باشد که اگر کسی شما را دید از خُلق و التزام شما لذت ببرد و مصداق «کونوا لنا زیناً» باشید، خداوند به شما توفیق بدهد.



من يك طلبه مبتدی هستم، تا چه حد در سیاست داخل شوم؟

وظیفه شما فعلاً درس خواندن و تلاش در جهت کسب دانش است و غیر از درس و تهذیب نفس نباید عمل دیگری را دنبال کنید. اگر می خواهید در آینده موفق باشید، ابتدا باید از نظر علمی پیشرفت کرده و کسب کمال نمایید؛ زیرا بدون علم، داخل شدن در هر کاری، پشیمانی به دنبال دارد. در کاری که هنوز عاقبت آن را نمی دانید، داخل نشوید، باید با آگاهی و توجه کامل در هر کاری وارد شوید تا بعداً پشیمان نگردید، اگر با آگاهی کامل و معرفت کافی داخل کاری شدید ان شاء الله مأجور خواهید بود. در هر کاری فراموش نکنید که فردای قیامت باید جوابگو باشید و اگر می خواهید پشیمان نشوید ابتدا خوب درس بخوانید و در جهت کسب دانش تلاش کنید و خود را به مرتبه علمی مقبولی برسانید، آن گاه جامعه، ضمن استفاده از شما خدمتتان مؤثر خواهد بود و ان شاء الله مأجور خواهید بود.

آیا رفتن به زیارت مقدم است، یا درس خواندن؟

بسمه تعالی؛ طلاب جوان که آینده حوزه و دین به دست آنهاست، ابتدا باید به درس اهمیت دهند و با جدیت کامل درس بخوانند و اگر در ایام تعطیل فرصتی برای زیارت بر آنان حاصل شد، بروند و ان شاء الله که خداوند بر توفیقات آنان می افزاید. اگر طلبه جوان بخواهد خدمت دینی داشته باشد باید بُنیه عملی خود را قوی کرده، بعد به امور دیگر مثل زیارت و مستحبات و... بپردازد. زیارت از امور مستحب است و از مصادیق حفظ شعائر می باشد و باید به واسطه رفتن مؤمنین زنده نگاه داشته شود<sup>(۳۹)</sup>، خداوند به همه ما توفیق دهد که زائر واقعی ائمه (علیهم السلام) باشیم.<sup>(۴۰)</sup>

.....

(۱) یکی از تجار اخبار می گوید: قرار بود حدود چهل نفر از زائرین عتبات مقدسه را راهی کشور عراق کنم و همزمان با مهیا شدن، درگیری در عراق شدید شد به طوری که ترسیدم برای زائرین اتفاقی رخ دهد. خدمت فقیه مقدس راحل، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم و از ایشان سؤال کردم که با تعدادی زائر عاشق می خواهیم به عراق مشرف شویم ولیکن خوف داریم. مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: اگر واقعاً خوف دارید سفر را به تأخیر بیندازید. با توجه به اینکه همه زائرین مهیا بودند سخت بود آن سفر را به تأخیر بیندازم، از این رو به مرحوم میرزا گفتم: آقا! اگر آنها را به زیارت بردم و خدای ناکرده برای آنان اتفاقی افتاد فردای قیامت مؤاخذه خواهیم شد؟ ناگهان دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) آهی از درون، که نشان از عشق سرشار ایشان به زیارت کربلا بود کشیده و گفتند: کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود! این کلام در دل من جای گرفت و قوت قلبی برای سفر شد. میرزا آن قدر با اخلاص و قاطعیت این کلام را بیان کرد که هرگاه یاد آن می افتم بی اختیار اشک چشمانم را فرا می گیرد. این کلام چنان قوتی در وجودم ایجاد کرد که علی رغم آن درگیری ها به زیارت عتبات مقدسه مشرف شدیم و دائم در ذهنم مرور می کردم که کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) فردای قیامت مؤاخذه نمی شود. روحش شاد باد که در هر کلامش دنیایی از معنا نهفته بود. مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: زمانی که ما در اربعین حسینی از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می کردیم، در بین راه مردم با تمام وجود از ما استقبال می کردند و ما را مهمان می کردند. از بسیاری از آنها عذر می خواستم، ولیکن آنان به اصرار و توسل ما را مهمان می کردند و هرکس با امکاناتی که داشت از ما استقبال می کرد. در بین راه، شخصی تا ما را دید، از دور شروع به دویدن کرد و از ما خواست که در منزل آنان مهمان شویم. از او عذر خواستیم، شخصی جلوی ما را گرفت و با تمام وجود گفت: «به حق «ابوالفضل العباس» نمی گذارم بروید!» باید امشب مهمان ما باشید، و هرچه خواستم وی را قانع کنم، قبول نکرد. شروع به گریه کرد و گفت: «ما از ضیافت زوار امام حسین (علیه السلام) محروم نکنید.» در هر حال، جمعی که باهم بودیم، دیدند که نمی شود به این اصرار جواب منفی داد. به سمت منزل این عاشق حسین بن علی (علیهما السلام) حرکت کردیم. تمام اهل خانه با دیدن ما بلند شدند، يك گوسفند ذبح کردند و شام مفصلی دادند. بعد رختخواب هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته بود، در اختیار ما قرار دادند. مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمود: ببینید مردم چگونه عاشق اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هستند. تا اینها هستند، نام و حرکت امام حسین (علیه السلام) زنده خواهد ماند.

وقتی بعضی ایام و فیات یا اعیاد می رسد، مشاهده می شود بعضی دروس حوزه تعطیل و بعضی از دروس پابرجاست، تکلیف من طلبه جوان چیست؟

بسمه تعالی؛ فرزندانم! باید در و فیات ائمه(علیهم السلام) تعطیلی حوزه و اقامه مجلس عزاداری بر همگان آشکار باشد، و کمترین کاری که يك طلبه جوان در آن روز می تواند انجام دهد، شرکت در مراسم عزاداری و حزن بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام) است، بنابراین حوزه باید در ایام و فیات یکپارچه تعطیل باشد و از این شعائر الهی دفاع کند تا خدای ناکرده به تدریج کمرنگ نشود. اعیاد اهل بیت(علیهم السلام) روز شادی و فرح است هرچند که اعداء اهل بیت(علیهم السلام) عیدی بر ما نگذاشته، اقامه مجلس اعیاد ائمه(علیهم السلام) با مراعات تمام موازین شرعی و به دور از اعمالی که موجب وهن بر مقام آنها(علیهم السلام) باشد (مثل کف زدن) مستحب است و اقامه کننده آن مأجور است و اجر اخروی کسب خواهد کرد ان شاء الله تعالی.

چه کنم که آقا و مولایم امام زمان(علیه السلام) را در خواب ببینم و به محضرشان شرفیاب شوم؟ عزیزم! این توفیق نصیب هر کسی نمی شود و این امر برای بعضی از علمای بزرگ دین محقق شده و می شود که زعامت مردم به دست آنها است و نمونه های آن در حالات بزرگان دین منقول است، بقیه ادعاها، به خصوص مواردی که امروزه در جامعه مطرح می شود، تماماً ادعای باطل است. شما به جای تشرف خدمت امام(علیه السلام)، سعی کنید رضایت آن وجود نازنین را از خود کسب کنید که رضای او رضای خداست. با عمل به تکالیف شرعی، دوری از گناه و انجام عمل صالح، قلب امام زمان(علیه السلام) را شاد نمایید. در راه خدا گام بردارید و آنچه از دستتان برای تقویت تشیع برمی آید، دریغ نکنید و همواره مواظب رفتار و کردار خود باشید. برای موفقیت شما دعا می کنم.

با توجه به اینکه اینجانب طلبه میباشم چگونه به بینش سیاسی دست پیدا کنم؟ بسمه تعالی؛ بینش سیاسی را می توان از راه تحصیل و تجربه به دست آورد، البته باید آن را نزد اهل خبره، که متدین هستند کسب نمود تا مبادا دین را قربانی سیاست بنماید، والله الهادی الی سواء السبیل.

ما جمعی از بانوان حوزه های علمیه می باشیم که به حمد الله برای جذب بانوان متدین و مؤمن، در جهت خدمت به دین حنیف اسلام و مذهب تشیع تلاش می نماییم، راهنمایی شما می تواند در ارائه هر چه بهتر خدمات ما را یاری نماید!

بانوان محترم! شما باید در مرحله اول، با حجاب، متانت و وقار خود برای سایر بانوان الگو باشید، به طوری که با عمل به تکالیف شرعی بر سایرین تأثیر بگذارید. حالا که توفیق یافتید در حوزه مشغول به تحصیل شوید، در مرحله اول، عمل دقیق به تکالیف شرعی همراه با تهذیب نفس را سرمشق خود قرار دهید، و خدای ناکرده طوری عمل نشود که تکالیف و وظیفه زن، که در چهارچوب شرع معین شده نادیده گرفته شود. در جهت تربیت فرزندان خود تلاش کنید و آنان را افراد مفیدی برای جامعه بار آورید که مأجور هستید. خوب درس بخوانید و سیره اهل بیت (علیهم السلام) را فرا بگیرید تا به بانوان دیگر منتقل کرده و دین را در این جهت یاری نمایید و خدا را به این نعمتی که نصیب شما کرده، شاکر باشید. توفیق همه شما را از خداوند متعال خواهانم و امید دارم که بتوانید با عمل و رفتار خود، در جهت سازندگی مجتمع بانوان گام بردارید، البته درس خواندن نباید شما را از وظیفه مهم خانه داری و تربیت فرزندان باز نگاه دارد، خداوند شما را توفیق دهد.

يك طلبه چه مقدار ورزش كند؟

بسمه تعالى؛ ورزش سالم، با طلبگی منافاتی ندارد ولیکن باید ورزشی را انتخاب کند که در شأن يك طلبه باشد. طلبه نباید کارش این شود که هر روز درس و بحث را رها کرده و به دنبال ورزش برود؛ بلکه برای سالم ماندن ورزشی مانند ورزش دو میدانی را در اوقات فراغت انجام دهد. طلبه نباید در ورزش انگشت نما شود؛ بلکه با متانت علاوه بر اهمیت به درس؛ در محیط ورزش الگو شده و مراقب سکنات و حرکات خود باشد.

يك انسان در مراحل مختلف زندگی چگونه باید برنامه ریزی کند؟

انسان اگر بخواهد به درجه کمال برسد و نهایتاً در هر منصبی که هست خدمت مؤثر و مفیدی داشته باشد ابتدا باید با فراگیری مسائل شرعی و عمل به آنان و دوری از گناه خود را به خدا نزدیک کند در تمام مراحل زندگی توکل داشته باشد و هیچگاه مأیوس نشود، ملجأ خود را پروردگار متعال و اهل بیت (علیهم السلام) بداند، ممکن است انسان در طول زندگی با مشکلات و ناملايمات فراوان مواجه شود، ولی نباید مأیوس گردد بلکه کاری کند که از امتحان الهی موفق خارج شود.

در هر حال دنیا، دار امتحان است و خداوند متعال بنابر قضاء و قدر خود انسان را به گونه های مختلف امتحان می کند، خداوند به من و شما توفیق دهد که از امتحان الهی موفق خارج شویم و شیطان نتواند بر ما غلبه کند. آمین یا رب العالمین.

ما جمعی از دانش آموزان آذربایجان هستیم از شما نصیحتی می خواهیم!

فرزندان عزیزم! نصیحت این بنده ناچیز به شما این است که یادگیری و عمل به تکالیف الهی را سر منشأ کارهای خود قرار دهید و سیره اهل بیت (علیهم السلام) را از اهل فن بگیرید و در پای منابر افراد معروف، که منبرشان حاوی سیره اهل بیت (علیهم السلام) و نکات اخلاقی می باشد، شرکت نمایید. سعی کنید از اشخاصی استفاده کنید که گفتار آنها مؤثر است، و وظایف شرعی خود را از فضیلت متدین یاد بگیرید و در راه کسب علم با جدیت تلاش کنید. از معنویت غافل نباشید که سعادت شما به آن پیوسته است. دوران جوانی فرصت بسیار خوبی است، سعی کنید به بطالت نگذرد که پشیمانی به بار می آورد.



برنامه روزانه يك شخص مسلمان و مدعی محب اهل بیت (علیهم السلام) چگونه باید باشد؟

بسمه تعالی؛ بر مؤمنین لازم است که در تمام دوران عمر خود، از نوجوانی، جوانی و پیری، زندگی را بر طبق موازین و احکام دین مبین اسلام تنظیم نمایند، به نحوی که در هر دوره، برنامه مناسب با آن را داشته باشند. انسان بر طبق انتخاب حرفه، باید با هدف خاص همراه با مراعات مسائل شرعی، انجام تکالیف الهی، توکل و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) با جدیت کار خود را دنبال کند، به خصوص آنجا که حرفه انتخاب شده، خدمت به مؤمنین باشد. انسان در هر حال باید برنامه ریزی داشته باشد تا در آخر عمر پشیمان نگردد. ساعاتی را برای عبادت و انجام واجبات در نظر بگیرد و زمانی را به فراگیری معارف الهی و مسائل شرعی اختصاص دهد و از اخلاق حسنه، و تهذیب نفس غافل نباشد. و همین طور زمانی را نیز برای رفع نیاز دنیوی خود قرار داده و آنچه که حلال و ستوده است انجام دهد، واللّهُ الموفق.

جوانی هستم که در نظر دارم با برنامه ریزی دقیق ان شاء الله آینده ای روشن همراه با معنویت داشته باشم، نصیحتی بفرمایید؟

فرزندم! خدا را شاکر باش که در سن جوانی به دنبال سعادت دنیا و آخرت هستی. ابتدا سعی کن مسائل شرعی خود را خوب فرا بگیری و همراه با درس خواندن، در جهت تهذیب نفس گام برداری. سعی کن کاری را برای آینده خود در نظر بگیری که خدمت مؤمنین در آن باشد. در تمام لحظات زندگی، به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل باش و با دوستانی هم صحبت شو که شما را به سوی معنویت ارشاد کرده، و خود نیز ملتزم به انجام تکالیف شرعیشان باشند. فرزندم! قدر جوانی خود را بدانید، جوانی زودگذر است، کاری کنید که از این دوره زندگی نهایت استفاده را ببرید. دقت در تکالیف شرعی، در رأس همه امور است. موفق باشید.

جوانی هستم که به نصیحت شما احتیاج دارم!

بسمه تعالی؛ به شما توصیه می کنم که قدر جوانی خود را بدانید که نیروی جوانی زودگذر است، و مراقب باشید که عمر و جوانی، در امور بی اهمیت تلف نشود. و شما را به رعایت تقوا و تحفظ بر نمازها، به خصوص نماز اول وقت سفارش می کنم، امیدوارم که با سعی و تلاش در فراگیری علم و مراعات مسائل شرعی به مراتب عالیه نائل گردید، والله الموفق.

با توجه به اینکه جوان هستم مرا نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ سعی کنید که همواره یاد خداوند متعال و قیامت را در دل خود زنده بدارید و از معاشرت با اشخاص و انجام کارهایی که دل را سیاه کرده و مانع از کسب توفیق می شوند بپرهیزید؛ از مجالس معصیت اجتناب کرده و عمر خود، که گرانبهاترین سرمایه شماست را تباه نکنید، والله الموفق.

اینجانب دانش آموز سال دوم راهنمایی هستم، خواهشمندم من را نصیحت فرمایید تا بتوانم موفق باشم، ان شاء الله تعالی.

بسمه تعالی؛ سعی کنید با توجه به فرامین پروردگار متعال و توسل به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در انجام واجبات، دوری از گناهان و توجه به روز حساب، کوشا بوده و ایمان خود را بیمه سازید. با یادگیری علوم و تخصص، به جامعه مسلمین خدمت نمایید و در جهت عزت اسلام و مسلمین تلاش کنید و از معاشرت با دوستان مشکوک و ناشناخته پرهیز نمایید که شخص، به دوستانش شناخته می شود. خداوند به شما توفیق بیشتر عنایت فرماید، والله الموفق والمعین.

یکی از مسائلی که موجب جذب جوانان به گناه است و واقعاً بر جوانان سخت می‌گذرد، انتشار گناه در جامعه است. وظیفه ما جوانان که عاشق ولایت و محب اهل بیت (علیهم السلام) هستیم چیست؟

متأسفانه فساد همه جا را فرا گرفته و زندگی را برای مؤمنین سخت کرده است. عزیزانم! بدانید که دنیا دار امتحان است و انتشار فساد و روی آوری بعضی افراد به لذات دنیا، نباید موجب شود که در اراده و ثبات قدم شما خللی وارد گردد، به خصوص شما که خود را محب اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانید و این، مرتبه کمی نیست که انسان خود را محب آن عزیزان بداند. اگر محب واقعی هستید باید کاری کنید که رضایت آنها را کسب کنید. در صورت امکان امر به معروف و نهی از منکر کنید، نصیحت کنید و آنانی را که غافل اند، آگاه سازید آن هم با روشی که پذیرا باشند. هرچه مشاهده می‌کنید از آن عبرت بگیرید و معتقدات خود را تقویت کنید. ببینید که چگونه بعضی افراد لذات دنیا را به آخرت ترجیح می‌دهند و شب و روز خود را فدای اغراض حیوانی می‌کنند، با دیدن این صورت‌های تاریک درس بگیرید و خود را از گناه دور کنید. وظیفه شما در جامعه این است که نصیحت کنید. شیطان در کمین است، همواره از خدا کمک بخواهید و دائماً بگویید: «الهی لا تکنی الی نفسی طرفة عین ابداء». دوری از گناه موجب کسب معنویت می‌شود. خداوند به همه جوانان توفیق دهد که با عمل به وظایف شرعی و دوری از گناه، سعادت اخروی را کسب کنند.

چه راهی را انتخاب کنیم تا بتوانیم در آخرت رستگار باشیم؟

بسمه تعالی؛ شاکر باشید که خدا این توفیق را به شما داده که به دنبال رستگاری هستید. با چنگ زدن به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) و توسل به آنان سعی کنید که رضایت آنها را در هر کاری جلب نمایید که رضایت آن بزرگواران، رضای خداست و از تهذیب نفس غافل نباشید و از تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) الهام بگیرید. خود را متخلق به اخلاق حسنه نموده و تکالیف شرعی خود را با دقت انجام دهید، والله المسدّد.

نصیحت بفرمایید مسائل شرعی را تا چه حد یاد بگیریم؟

بر هر مکلفی واجب است مسائل شرعی خود را، که به آن مبتلا است یاد بگیرد و هر مسئله ای را که نمی داند سؤال کرده و یا به رساله عملیه رجوع کند، و سعی کند هر روز مسئله ای جدید یاد بگیرد. از همان سن جوانی باید به فراگیری مسائل شرعی اهتمام ورزیده تا خدای ناکرده بعداً متوجه نشود که اعمالی که انجام داده اشکال داشته و سرانجام به مشقت بیفتد. طلاب باید مسائل شرعی را به خوبی فرا بگیرند و آنها را به درستی به مردم منتقل کنند و در هر فرصت ممکن در مجلس عوام، بعضی مسائل مبتلا به را مطرح کنند.

جوان دانش آموز هستم که با کمک خداوند متعال مشغول تحصیل و کارهای علمی هستم، نصیحتی

بفرمایید!

بسمه تعالی؛ یاد خدا و حساب قیامت را حتی المقدور در اعمال خود در نظر داشته باشید و با توکل به خداوند متعال تحصیل نمایید. کارهای علمی خود را با دقت و نشاط ادامه دهید و سرمایه عمر، به ویژه جوانی را غنیمت بشمارید که زودگذر است، خداوند به شما توفیق عنایت فرماید.

اینجانب معلم مقطع دبستان هستم، لطفاً من را نصیحت فرمایید!

بسمه تعالی؛ فرزندان مردم در دست شما امانت هستند، در حفظ امانت کوشا باشید. دل های نونهالان، آماده پذیرش هر گونه تلقینی است، سعی کنید که حقایق فطری دین را با زبان مناسب با سنشان به آنان بیاموزید و آنها را با مهر و عطوفت نسبت به تعالیم الهی آگاهی دهید، تا سخن حق هر چه بیشتر در دل های پاکشان جای گیرد. خداوند به شما توفیق روزافزون عطا فرماید، واللّه الموفق.

متأسفانه چند وقتی است که در خلوت مرتکب گناه می شوم و بعد از گناه، یاد قبر و قیامت مرا سخت رنج می دهد و پشیمانی تمام وجود مرا می گیرد. گاهی آن قدر از خودم بدم می آید که حاضر نیستم صورت خود را در آینه ببینم، راهنمایی کنید چگونه از این بلای خانمان سوز نجات پیدا کنم؟

شیطان همواره در کمین است و انسان باید آن قدر تهذیب نفس داشته باشد که اجازه ندهد شیطان در او رسوخ پیدا کند و او را فریب دهد. توسل کنید و قبل از اینکه پشیمان شوید، شیطان را از خود برهانید؛ زیرا خدای ناکرده اگر سریع به فکر خود نباشید ممکن است نتوانید در آینده از القائات شیطان رها شوید. تا جوان هستید، فرصت دارید خود را خلاص کنید. اولین گام برای شما این است که يك شخص متدین را راهنمای خود قرار دهید؛ از فردی که خود صاحب کمال است، کمک بخواهید و قدری از روز را با او بگذرانید. سعی کنید با افراد متدین معاشرت کنید و با افرادی که فکر و حرکت آنها شما را به گناه می کشاند هم صحبت نشوید. از مجالست با افرادی که همراهی با آنها شهوت شما را تحریک می کند دوری کنید و افکار شیطانی را از فکر خود محو نمایید. به معنویات روی آورید و در مجالس وعظ و خطابه شرکت کنید. انکار خود را بیشتر کنید و در هر کاری از خدا کمک بخواهید. با خود زیاد خلوت نکنید و تنها در جایی نمانید و تا خوابتان نگرفته به رختخواب نروید. اگر فکر گناه به ذهنتان خطور کرد از محل خارج شده و شروع به قدم زدن نمایید و خود را به کاری مشغول کنید تا فکر باطل از ذهن شما خارج شود. باید ببینید سبب اصلی تحریک شهوت شما چیست، آن را علاج و یا از آن دوری کنید، با مرور زمان مسئله گناه را ان شاء الله فراموش خواهید کرد. اگر بتوانید هنگامی که شیطان به سراغ شما آمد، وضو ساخته و شروع به نماز خواندن نمایید بسیار مؤثر خواهد بود، در آن برکاتی است که شما را در جهت خلاصی از این مشکل کمک خواهد کرد، برایتان دعا می کنم موفق باشید.

جوان هستم که احتیاج به نصیحت شما دارم، وظیفه فعلی بنده چه می باشد؟

بسمه تعالی؛ وظیفه فعلی شما عمل به واجبات و ترك محرّمات است که از اهم امور می باشد. با تهذیب نفس تقوای الهی را کسب کنید و خود را از وسوسه های شیطان خلاص نمایید از عمر خود که سرمایه شما است کمال بهره را ببرید و همنشین مؤمن و متدین انتخاب کنید که در جهت نیل به کمال شما را یاری نماید.

خداوند متعال تا چه حد از ما عمل صالح خواسته است؟

انسان ابتدا باید به تکالیف شرعی خود اهمیت دهد و با فرا گرفتن مسائل شرعی و عمل به آنها، رضایت خدا را کسب نماید و بعد از آنکه انسان از انجام اعمال واجب خود اطمینان حاصل کرد به اعمال خیر اقدام کند که ذخیره ای برای آخرتش باشد. اعمال خیر نسبت به هرکس متفاوت است؛ به طور مثال نسبت به افراد متمکن، بهترین عمل، تقویت حوزه های علمیه است که همان تقویت مذهب بر حق تشیع می باشد. هرکاری که بتواند دین را یاری نماید انجام دهید که بهترین ذخیره برای آخرت است. هرکس باید نسبت به تمکن و قدرت خود، تلاش کند و توشه ای را برای آخرت خود ذخیره نماید. خداوند به همه ما توفیق دهد که عامل به وظیفه باشیم.



متأسفانه مظاهر فساد در جامعه رواج یافته، بفرمایید وظیفه يك جوان چیست؟

بسمه تعالی؛ این قبیل امور از ابتلائاتی است که مسئولین امر باید مراقب بوده و آنها را از جامعه اسلامی ریشه کن کنند. اما وظیفه شما فعلاً چیزی غیر از امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ مراحل امر به معروف و نهی از منکر را حتماً مراعات نمایید، واللّٰه الهادی الی سواء السبیل.

جوانی هفده ساله هستم بفرمایید در چه مجلسی شرکت کنم و چه زمانی از شبانه روز را برای شرکت در مجالس عزاداری انتخاب نمایم؟

بسمه تعالی؛ با توجه به تناسب سن شما و وجوب تعلیم و تعلم احکام دین، لازم است به مجلسی بروید که در آن از احکام دینی، اصول اعتقادی و اخلاق استفاده می شود و نسبت به وقتی که در اختیار دارید در مجالس شرکت کنید ولیکن مراقب باشید پرداختن به عزاداری موجب فوت واجبات نشود، واللّٰه الموفق.

چند وقتی است که گرفتارم چه کنم مرا راهنمایی نمایید؟ به هر دری می زخم مشکلم حل نمی شود!  
دنیا، دار بلا و امتحان است و همه افراد به نحوی گرفتاری و مشکل دارند گرفتاری دنیا  
خلاصی ندارد، ولیکن به برکت و عنایت اهل بیت(علیهم السلام) زود گذر است، کاری کنید که  
در آخرت گرفتار نباشید. عمل در دنیا، میزان در آخرت است پس عمل خود را خالصانه و  
برای رضایت خدا انجام دهید تا درب های رحمت بر شما باز شود. در همه کارهایتان  
توکل و توسل کنید و هر فعلی را که می خواهید انجام دهید، معصومین(علیهم السلام) را واسطه  
قرار دهید. زیاد ذکر بگویید و در دعا خواندن کوتاهی نکنید و سعی کنید از عزیزانی که  
دارای کمال هستند و در تهذیب نفس موفق بوده اند کمک بگیرید، ان شاءالله موفق خواهید  
شد.

با توجه به اینکه دانش آموز هستم، با چه کسانی معاشرت کنم و چه نصیحتی می فرمایید؟  
بسمه تعالی؛ بدانید که جوانی سرمایه ای بزرگ، اما زودگذر است که قابل برگشت  
نمی باشد؛ بنابراین از افرادی که معاشرت با آنان عمر انسان را هدر می دهد بپرهیزید. در  
انجام وظایف شرعی و تحصیل کمالات کوشا باشید و با یاد خدا، عنایت به حساب قیامت و  
توجه و توسل به ائمه اطهار(علیهم السلام) سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کنید، واللّهُ  
الهادی الی سوا السبیل.

جوان هستم که احتیاج به نصیحت دارم تا بتوانم در کارهایم موفق شوم؟

عمر زودگذر است و سعی کن در این عمر کوتاه دو چیز را در زندگی خود مد نظر داشته باشی که موجب موفقیت و مهارت توست. در تمام کارها خدا را مد نظر بگیر و اهل بیت (علیهم السلام) را ناظر بر اعمال خود بدان. اگر چنین شد دیگر به سوی گناه، نخواهی رفت. سعی کن با کسانی همنشین شوی که در کسب معنویت شما مؤثر باشند و اگر با آنان معاشرت داشتی از آنها استفاده معنوی کن که در راه سعادت تو نقش بسزایی دارد. مبادا وقت خود را تلف کنی و ساعت هایی را به حرف های بی ربط و بی فایده بگذرانی که همه این کارها اثر وضعی دارد.

و خلاصه آنکه اگر خواهی موفق شوی باید در تمام لحظات زندگی تقوی الهی را سرلوحه کار خود قرار دهی.



موعظه ای که بتواند مرا در کارهایم موفق کند به خصوص در دوری از گناه؟

انسان برای آنکه بتواند موفق شود و آن گونه زندگی کند که اهل بیت (علیهم السلام) به آن سفارش کرده اند فرامین آنها (علیهم السلام) را سر لوحه کار خود قرار دهند و با استفاده از نصایح آن بزرگواران کاری کند که خشنودی پروردگار متعال و اهل بیت (علیهم السلام) را به دنبال داشته باشد.

جناده می گوید: پس از مسمومیت امام حسن (علیه السلام) نزد او رفتم و دیدم در مقابلش طشتی است که در آن خون استفراغ می کند.

عرض کردم: «مولای من! چرا خود را درمان نمی کنید؟» گفت: «مرگ را با چه معالجه کنم؟»

من گفتم: «انا لله و انا اليه راجعون.» (ما همه از آن خداییم و به سوی او رهسپاریم). امام (علیه السلام) نگاهی به من نمود و فرمود: «قسم به خدا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با ما عهد نمود که امامت بر عهده ۱۲ نفر از فرزندان علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است و همه ما دوازده امام یا با شمشیر کشته می شویم یا با زهر، مسموم.» آن گاه گریست.

به امام (علیه السلام) گفتم: «ای پسر رسول خدا، مرا موعظه کنید.»

فرمود (علیه السلام): «مهیای سفر آخرت شو و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل به دست آور؛ بدان که تو در طلب دنیایی در حالی که مرگ هم در طلب توست. اندوه روزی را که نیامده بر روی اندوه امروزت بار مکن و بدان که هرچه از مال دنیا، بیش از قوت خودت، به دست آوری، خزینه داری دیگران (وارثانت) را کرده ای. بدان که در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب، پس دنیا را نزد خود، مرداری فرض کن و از آن نستان، مگر به قدر ضرورت، که اگر حلال باشد، زهد ورزیده ای و اگر حرام باشد، گناهی نکرده ای. زیرا آن مقدار که گرفته ای بر تو حلال است؛ همان طور که گوشت مرده، در حال ضرورت، حلال است و اگر عتابی باشد، عتابش کمتر است. برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود همچنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد. اگر می خواهی بدون قوم و قبیله عزیز باشی و بدون سلطنت، اقتدار داشته باشی، از ذلت معصیت خدا به سوی عزت اطاعت او حرکت کن. و هرگاه به همنشینی با کسی نیازمند شوی، با چنین فردی همنشینی کن. کسی که همنشینی با او مایه سربلندی تو باشد و اگر به او خدمت کردی، هوایت را داشته باشد، چنان که کمکی خواستی به یاریت بشتابد و اگر سخنی گفتی تصدیقت کند، اگر در کاری همت به خرج دادی، با تو همسو و

هماهنگ باشد و اگر خطایی کردی، آن را جبران کند، اگر کار نیکی از تو دید، فراموش نکند، اگر از او خواسته ای داشته، برآورده سازد و اگر چیزی نخواستی، خود به تو ببخشد، اگر به تو مشکلی طاقت فرسا رسید، ناراحت شود، دوست تو باید کسی باشد که از او به تو زبانی نرسد، برایت دشواری نسازد، حقّت را زیر پا نگذارد و اگر اختلاف مالی پیدا کردید، ایثار کند و تو را مقدم دارد».

لذا برای موفقیت ابتدا باید همیشه یاد مرگ باشید که این خود موجب دوری شما از گناه می شود و کسی را برای همنشینی و کسب و کار انتخاب نمائی که بتواند راهنمای خوبی برای شما باشد و اگر کسی بخواهد در کارهای خود موفقیت کسب کند باید فرامین و نصایح ائمه (علیهم السلام) را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و آنگونه حرکت کند که آنان دوست دارند و این امر خود موجب موفقیت انسان در کارهایش می شود.

دختری دانشجو هستم و متأسفانه در دانشگاه جوئی وجود دارد که مرا بارها و بارها قانع کرده که درس خود را رها کنم و به شهر خود باز گردم، شما چه نصیحتی می فرمایید؟

درس خواندن شما نباید موجب انحراف شما شود و باید مراقبت کامل داشته باشید. تحصیل علم برای کسب تخصص و رفع حوائج مردم، بسیار خوب است به خصوص خدماتی که بانوان می توانند به زنان متدین ارائه کنند؛ مانند تخصص زنان در رشته پزشکی. اگر هدف بانوان این باشد که در آینده به بانوان متدین و مؤمن خدمت کنند، بسیار نیت خوبی است و اجر و ثواب دارد و در ضمن اگر از بعضی افراد دانشجو به خاطر حجاب و مسائل دیگر حرف هایی را می شنوید تحمل کرده و اعتنایی نکنید. این امتحان الهی است، شما با حفظ حجاب و عفاف کامل برای دیگران الگو باشید و با دیگر بانوان متدین همراه شده و با اساتید متدین خانم مشورت کنید. مسائل شرعی خود را در مرحله اول خوب یاد بگیرید، و اگر واقعاً می بینید چنین جوی که بتواند در دانشگاه شما را از گناه حفظ کند وجود ندارد، درس را ترك کرده و به خدا پناه ببرید. درس خواندن شما نباید موجب شود که آخرت شما از بین برود و به خصوص شما که دختر هستید و در آینده، مادری خواهید بود که باید کودکان در دامن شما تربیت شوند، خداوند شما را از آفات آخر زمان حفظ کند. زیاد توسل کنید و از خدا مدد بجویید، موفق باشید.

چند وقتی است از دنیا مأیوس شده ام و به دلیل افسردگی، تمام آرزوهایم را بر باد می بینم، چه کنم واقعاً درمانده ام؟

مواظب باشید که این، وسوسه شیطان است. شیطان همواره در کمین است و می خواهد همان گونه که قسم خورده، شما را از طریق مستقیم خارج کند و با القای وسوسه شما را مأیوس گرداند، مواظب باشید فریب شیطان را نخورید. شما با عمل به تکالیف شرعی و دقت در عمل به تکالیف و همچنین توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که سفینه نجات هستند از خدا بخواهید تا شیطان را از شما دور کند و ارتباط خود با خدا را قوی کنید. زیاد ذکر بگویید و دعا بخوانید، همیشه استغفار کنید و هرگاه وسوسه شدید، خود را به کاری مشغول کنید. زیاد صلوات بفرستید؛ سعی کنید جایی تنها ننشینید که فکرهای متشتت شما را مشغول کند. با تمسك به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) و شرکت در مجالس وعظ و خطابه بر معلومات خود بیفزایید و با افراد فاضل و متدین مشورت کرده و سعی کنید قسمتی از روز خود را با آنها بگذرانید. اگر در شستن، وسوسه می شوید اهمیتی ندهید، به مقدار لازم بشویید و بر شیطان لعنت بفرستید، همین طور ادامه دهید، ان شاء الله بر وسوسه غلبه خواهید کرد. با دائم الذکر بودن، شیطان را از خود دور کنید.



## نقش والدین در تربیت فرزندان چیست؟

وظیفه والدین در مراحل مختلف دوران رشد فرزندان خود، حساس و سنگین می باشد. ابتدا باید فرزند را به گونه ای تربیت کرد که صفات حمیده به تدریج در او شکل بگیرد و سپس به تناسب رشد کودک، کارهای لازم به او آموزش داده شود که نتیجه آن در آینده کودک مشاهده می شود؛ از جمله مادر سعی کند با وضو به کودک شیر دهد و اگر مشقت دارد، تیمم کند و این عمل اثر عجیبی بر فرزند خواهد داشت؛ ذکر صلوات در کنار کودک و رساندن صدای قرآن و دعا به گوش او تأثیر خوبی دارد. همچنین در مراحل مختلف رشد، اوصاف خوب و حمیده را به او آموزش داده و از همان دوران کودکی برخورد خوب را به او یاد دهد. والدین باید در گفتار و کردار خود در مقابل فرزند، دقت کامل داشته باشند که يك حرکت نادرست، فرزند را به آموزش غلط خواهد کشاند. وقتی فرزند به مرحله جوانی رسید، مسائل شرعی را به او یاد دهند و او را در جهت کسب صفات معنوی راهنمایی کنند. جوانی، دوران بسیار حساسی است که می توان فرزند را با آموزش صحیح و درست، به خصوص از سوی مادر که همیشه در کنار اوست، به سعادت اُخروی کشاند و در هر حال بر والدین است که در دوران مختلف رشد کودک، در جهت نیل به سعادت اُخروی آنان تلاش کرده و به خود تلقین نکنند که هنوز كوچك است و وقت زیادی دارد که این اشتباه بزرگی است، به خصوص این زمان که خطر بزرگی متوجه جوانان عزیز می باشد و والدین نقش اساسی در سرنوشت فرزندان خود دارند.

## وظیفه يك بانوی خانه دار چیست؟

خانمی که زندگی مشترك خود را شروع می کند، علاوه بر یادگیری مسائل شرعی مربوط به خود، باید حقوق شوهر خود را نیز به نحو احسن مراعات کند. کار منزل و تربیت فرزندان، بیشتر بر عهده بانوان خانه می باشد. يك زندگی خوب زمانی محقق می شود که زن و مرد تمام موازین شرعی را مراعات کرده و با توکل بر خداوند متعال زندگی خود را شروع کنند. باید با حفظ حجاب و عفاف از حساسیت های مختلفی که کانون خانواده را به خطر می اندازد، دوری جست. تعالیم اهل بیت (علیهم السلام)، نوری است برای گرم نگاه داشتن کانون خانواده؛ از سفارش های خاندان اهل بیت (علیهم السلام) که نجات بشری را به دنبال دارد، غافل نباشید و با اعمال صالح، شیطان را از خود دور نمایید. توسل خود به اهل بیت (علیهم السلام) را بیشتر کرده و در کارها رضای خدا را مد نظر داشته باشید. زن و مرد باید به یکدیگر اطمینان داشته باشند و از مسائلی که برای هر کدام ایجاد حساسیت می کند دوری کنند؛ به خصوص زن. مرد باید طوری عمل کند که خستگی کار خانه بر زن باقی نماند و همچنین بانوی خانه باید با خلق و خوی خوب، خستگی کار را از مرد رفع نماید. زن و مرد از یکدیگر انتظاراتی دارند که باید سعی کنند آنها را به مرور زمان محقق نمایند. کانون خانواده را با ساده زیستی و قناعت همراه با معنویت، گرم نگاه دارید و سعی کنید با تفاهم، به تربیت کودکان صالح اهتمام ورزیده و شیطان را از خود دور کنید.

یکی از مسائلی که مادران به آن مبتلا هستند، اختلاف اخلاقی زن و شوهر در تربیت کودک است، وظیفه اینجانب که زن خانه داری هستم چیست؟

سعی پدر و مادر باید بر این باشد که با تفاهم، فرزند خود را خوب تربیت کنند و مسائل تربیتی را در قالب گفتگوی خانوادگی مطرح نمایند. اگر شوهرتان کوتاهی می کند، با اخلاق و برخورد خوب او را متوجه سازید و مشکل را با تفاهم حل کنید. با توجه به تعلق خاطر کودک به مادر، مادر نقش اساسی ای را در تربیت او دارد. سعی کنید فرزندان را به تدریج و مناسب با سنش با صفات حمیده آشنا کنید. در تربیت کودک خود، بسیار دقت کنید که خدای ناکرده در آینده پشیمان نشوید. نگویید هنوز بچه است و وقت دارد، از همان کودکی به تربیت او اهمیت دهید که در آینده، نور چشم شما باشد. ضمن محبت به فرزندان، خیرخواه آنان نیز باشید و بدانید که فرزند شما امانت الهی است، پس در امانت داری کوتاهی نکنید که مسئول هستید.

دانشجوی دانشگاه تهران هستم و متأسفانه در جوی قرار گرفته ام که احساس می‌کنم معنویتی را که قبل از دانشجویی داشتم، کم از دست می‌دهم که علت آن، جو حاکم بر دانشگاه است، چه نصیحتی می‌فرمایید؟

فرزندم! دنیا دار امتحان است. شما با توکل به خدا با جدیت درس بخوانید تا ان شاء الله تعالی در آینده به مؤمنین خدمت کنید. سعی کنید در دانشگاه افراد متدین را شناسایی کرده و با آنها ارتباط برقرار کنید. در اوقات فراغت کتب مذهبی بخوانید و در مجالس و عظ و خطابه حاضر شوید و دائم الذکر باشید. همیشه از خدا بخواهید شما را یاری کند و به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کنید. همیشه مد نظرتان باشد که دنیا دار امتحان است و پاداش شما در آخرت است، و همین امر موجب حفظ شما می‌شود، ان شاء الله خداوند عنایت خواهد کرد و روز به روز به معنویتان اضافه خواهد شد. اگر خدای ناکرده همین درس خواندن و بودن در آن جوی که از آن سخن می‌گویید موجب شود که اعتقادات شما کم کم سست شود و به راه دیگر کشیده شوید، درس را ترك کنید که حفظ دین بر همه امور، مقدم است.

قبل از خواب چه اعمالی انجام دهم که آرامش کامل داشته باشم؟ مدام در خواب مضطربم!  
فرزندم! اعمال مستحب فراوان است، شما هر ذکر و دعایی را قبل از خواب بخوانید،  
ان شاء الله مأجور خواهید بود. اگر بتوانید شب‌ها قبل از خواب، دو رکعت نماز و سوره  
«ملك» را بخوانید و «زیارت عاشورا» را زمزمه کنید در کسب آرامش مؤثر خواهد بود.  
در هر حال شما هر کار مستحبی را قبل از خواب انجام دهید ان شاء الله در کسب آرامش  
مؤثر خواهد بود. از صلوات غافل نباشید که حلال مشکلات است؛ «دعای فرج» را زمزمه  
کنید و در نهایت در رختخواب کارهای روزتان را مرور نمایید. هرکدام اشتباه بوده سعی  
کنید آن را جبران کرده و به فکر آن باشید که دیگر تکرار نشود و یا اگر قابل اصلاح است  
اصلاح کنید. خود را به ایزد منان سپرده و گونه خود را بر زمین بگذارید و بگویید «الهی لا  
تکلی الی نفسی طرفة عین ابدأ»، موفق باشید.

مبتلا به مرضی هستم که دکترها مرا جواب کرده اند و روحیه خود را از دست داده ام شما برایم دعا کنید!

خداوند به حق صدیقه شهیده، فاطمه زهرا(علیها السلام) به شما شفای عاجل عنایت فرماید! خدا هر تقدیری را که در نظر گرفته باشد، رحمت است و اگر عمری مجدد داد در راهش صرف کنید. دنیا دار بلا و امتحان است، قوی باشید و در این مدت حیات، برای آخرت خود عمل صالح ذخیره کنید و به اهل بیت(علیهم السلام) توسل کنید. «زیارت عاشورا»، «حدیث کساء»، «زیارت جامعه» و «زیارت آل یاسین» را فراموش نکنید و به ائمه(علیهم السلام) زیاد متوسل شوید. شما به دیاری سفر خواهید کرد که مورد عنایت اهل بیت(علیهم السلام) خواهید بود، شما شیعه مولانا و مقتدانا علی بن ابی طالب(علیه السلام) هستید. دلگرم باشید، (برای شما تربیت امام حسین(علیه السلام) می فرستم و شب قبل از خواب آن را با آب مخلوط کرده و میل کنید ان شاء الله به برکت تربیت سید الشهداء(علیه السلام) شفا خواهید یافت)، اگر حقی هم از مردم به گردن شماست، ادا نمایید، یا از آنان حلالیت بطلبید، ملتمس دعا هستم.

چرا در کارهایم موفق نیستم و به هر دری می‌زنم فرجی حاصل نمی‌شود. چه نصیحتی می‌فرمایید؟

بسمه تعالی؛ سعی کنید زیاد قرآن بخوانید و سوره «مَلِك» را تکرار کنید، توسل خود را زیاد کرده، و اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه قرار دهید، ان شاء الله مشکل رفع خواهد شد. مأیوس نباشید که رحمت خدا واسع است. شما در حال امتحان هستید، خدای ناکرده کفران نعمت نکنید که خداوند ناظر بر اعمال است و بنده‌های خود را به طرق مختلف امتحان می‌کند. تحمل این مشاغل، در نهایت برای شما موجب علو درجه خواهد شد. با توکل به خدا و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) ناامیدی را از خود دور کنید که موفق خواهید شد. به خود تلقین نکنید که در کارها موفق نیستم، بگویید من تلاش خود را می‌کنم، خداوند ان شاء الله به برکت اهل بیت (علیهم السلام) عنایت خواهد کرد. شاید بعضی از این افکار القای شیطان باشد نا امید نشوید، موفق باشید.

شیعیان خارج از کشور را نصیحتی بفرمایید ان شاء الله خداوند به شما طول عمر فراوان عنایت فرماید.

بسمه تعالی؛ شیعیان محترم در سرتا سر جهان باید به گونه ای رفتار کنند که سایر مردم با مشاهده آنها به مذهب برحق تشیع، رغبت کنند. هرکس به نسبت قدرت خود، وظیفه دارد که برای مذهب تشیع تبلیغ کند و کمترین کاری که از عهده يك مؤمن برمی آید آن است که مواظب رفتار و اعمال خود باشد و کاری نکند که دیگران به واسطه رفتار و اعمال او، از مذهب روی بگردانند و خدای ناکرده نظر منفی ای نسبت به مذهب در ذهنشان خطور کند که اگر این طور شد، همه ما فردای قیامت مسئول خواهیم بود. مؤمنین باید دقت کافی داشته باشند که وهن بر مذهب نشود و به حدیث شریف: «کونوا لنا زیناً ولا تكونوا علینا شیناً» توجه داشته باشند. خداوند به همه ما توفیق دهد که الگوی خوبی برای دیگران باشیم و با دقت کامل به وظیفه خود عمل نماییم تا دیگران به واسطه اعمال ما به دین رغبت پیدا کنند، ان شاء الله تعالی.

امروزه از سوی بعضی افراد، که به تعبیر جنابعالی ضال و مُضل هستند، بین شیعیان خارج از کشور شبهه راه می اندازند از جمله در خصوص قضیه هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و زیارت عاشورا... شبهه پراکنی می کنند و عوام از مؤمنین را نسبت به مذهب دلسرد می نمایند، بفرمایید وظیفه ما چیست؟

بسمه تعالی؛ خداوند همه شیعیان عزیز را از کید فتنه جهال در امان بدارد! مذهب ما به واسطه حقانیت اهل بیت(علیهم السلام) قابل خدشه نیست و اینکه می بینید بعضی به واسطه عقل ناقص خود، شبهات وارد می کنند<sup>(۴۱)</sup> از قلت علم آنها و عدم معرفتشان نسبت به احادیث و منابع ماست و ما تا آنجا که توانسته ایم جوابشان را داده ایم. در هر حال وظیفه تمام شیعیان است که در مقابل این گونه شبهات ایستاده و از علمای متبحر سؤال کنند و به عوام بفهمانند که فریب این گونه القاءات را نخورند و در دین و معتقدات خود ثابت قدم باشند، ان شاء الله خداوند همه را موفق نماید.<sup>(۴۲)</sup>

. . . . .<sup>(۴۳)</sup>

(۱) کتاب سترگ تاریخ بشریت در ادوار مختلف زمان، وقایعی از رهبران عقل و خرد را در صفحات خود مسطور نموده که فرجام آن حاکی از نهایت عظمت و درایت فرزندانگن است، و قلم که خود در نوشتن می شتافت چون به این مرحله از کمال رسید در خود شکافت. «قلم خود در نوشتن می شتافت، چون به عشق آمد درخود شکافت» و قلم به زحمت شمه ای از آن بحر کمال گرایی عاقلان را در سرشت آدمی به تجلی درآورد تا منشور سعادت بشری در ورای هاله های ایهام و خیال، چون خورشیدی پرتو افشانی نماید. غواصان بحر خرد در مقابل طوفان مشکلات ایستادگی نموده و با سلاح علم و عمل از مسیر ترقی و تکامل منحرف نشدند در حالی که حکام جور به مخلصین درگاه ولایت اجازه ندادند که آزادانه مفسر و مبین حقایق باشند، لکن با استفاده از فرصت زمانی به هر نحو ممکن به دنبال متوجه کردن افراد بودند. پدران مهربان، دلسوز، پا به میدان گذاشته و با قاطعیت، هرچه در توان داشتند خالصانه، در طبق وجود گذاشتند، آنان به دنبال مزد و پاداش نبودند، بلکه می خواستند که عامل به وظیفه خود باشند،

و توانستند با مواقف شجاعانه، نقشه های شوم را که می رفت مسیر ترقی و تکامل عقل و خرد انسان را تغییر دهد نقش بر آب کنند. این سؤال باقی است چرا بعضی که خود را، از ما می دانند لکن در گودال منحرفین افتاده و هر چند بار بانگ نامردی سر می دهند (در همین مقطع ای خواننده محترم سجده شکر به جای آور که خداوند به تو این توفیق را داد که حقیقت را بیابی و به دور از القاءات شیطان حافظ شعائر الهی هستی). آنان که شعائر الهی را مورد هجوم قرار می دهند و هرچند گاه شبهه ای می افکنند و با طرح شبهات واهی، روزی می گویند: در زمان حضرت صدیقه شهیده(علیها السلام) در خانه نبوده که واقعه دار ثابت شود، بلکه پرده بوده. روز دیگر زیارت عاشوراء را زیر سؤال می برند. و روزی به حدیث کساء هجوم می کنند و... اینان از رحمت الهی بدورند و عظمت این عمل را درک نکرده و نمی کنند و چون خود به آن محبت واقعی اهل بیت(علیهم السلام) پیوسته اند با کلام و برداشت ناقص خود می خواهد دیگران را از این نعمت الهی محروم سازند. لکن غافلند که (للكعبه رب بجمیه). یکی از کسانی که تحول عظیم در حوزه ایجاد نمود و شاگردانی فاضل و متدین تربیت نمود و در جهت تقویت مذهب و دفاع از کیان تشیع و شعائر الهی به خصوص اثبات مصائب صدیقه شهیده فاطمه زهرا(علیها السلام) تلاش فراوان نمود، و تمام مشکلات و مصائب را تحمل کرد، مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سره) است، آن پیر ولایی که تمام هستی خود را در این راه فدا نمود و در طول حیات پربرکت خود اجازه نداد عده ای با برداشت غلط عقاید باطل خود را در جامعه منتشر



..... (۴۴)

..... (۴۵)

.....

سازند. آن شخصیت عظیم که با تلاش فراوان ابتدا نیمه شب در مقابل پروردگار زانو می زد. و در حرم کریمه اهل بیت

فاطمه معصومه(علیها السلام)حاضر می شد و عرض ادب می کرد و در آن مکان شریف به راز و نیاز می پرداخت و از اهل بیت(علیهم السلام)مدد می جست و بارها و بارها می فرمودند: من يك طلبه بیش نیستم. آنگاه بر کرسی درس و استفتاء قرار می گرفت و هر آنچه در تقویت مذهب و حوزه علمیه و کیان تشیع ممکن بود، انجام می داد، خالصانه از معتقدات و ضروریات مذهب دفاع می کرد، هنگامی که قلم بر دست می گرفت جز رضای پروردگار و اهل بیت(علیهم السلام) چیزی دیگر مد نظر نداشت هر آنچه را جهت تقویت مذهب صلاح می دید بر کاغذ می آورد و شبیهه را در دم خفه می کرد. هنگامی که مشاهده می کرد به بعضی مسلمات هجوم می شود شجاعانه وارد میدان می شد، همان تلاش ها موجب پرورش فضلاء و تحول فاطمیه به عاشورای دیگر شد. مرحوم میرزا(قدس سره) به مسائل اعتقادی اهمیت خاصی می دادند به خصوص وقتی که حمله و تشکیکات شروع شد. ایشان هر سؤالی را که احساس می کردند لازم است جواب داده شود تا جلوی القای شبهات گرفته شود، پاسخ می دادند و می فرمودند: این زمان باید به عقاید مهمتی خاص داد و مسائل اعتقادی نیز باید با دقت جواب داده شود. زمان، زمان فتنه است و عده ای با حمله به معتقدات می خواهند آنها را کمرنگ نشان دهند. ایشان به مسائل اعتقادی بهای خاصی می دادند و سعی داشتند که هر سؤال حساسی را بی پاسخ نگذارند و ثمره آن همه تلاش و پاسخگویی، کتب عقایدی همچون «انوار الالهیه» و «ظلمات فاطمة الزهراء(علیها السلام)»، «شعائر الحسینیه»، «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام)»، «بضعه المصطفی فاطمه الزهراء(علیها السلام)»، «نفی السهو عن النبی»، «نصوح الصحیحه علی الائمة اثنی عشریه»، «لبس السواد»، «زیارت عاشوراء فوق الشبهات» و «فدک» و... می باشد، که کثرت استفتاءات عقایدی ایشان در رد شبهات، سند محکمی است برای دفاع از مبانی بر حق تشیع که

گره گشای بسیاری از شبهات مطرح شده در جامعه می باشد. یکی از صفات فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) این بود که در امور عقایدی صریح و شدید بودند و بسیار شجاعانه برخورد می کردند. بارها اتفاق افتاد بعضی از اشخاصی که انحراف عقایدی داشتند، درخواست ملاقات می کردند، مرحوم میرزا (قدس سره)به ندرت قبول می کردند که این گونه افراد به خدمتشان برسند و اگر هم آنها را به خدمت می پذیرفتند، با آنها سخت برخورد می کردند و به واسطه استفتاء جواب شبهات را می دادند و موضعی را می گرفتند که بقیه متوجه و مواظب کار و حرف های خود باشند. مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: این شخص حق ندارد بیاید، اول باید عقیده خود را اصلاح کند، بعد اگر حرفی دارد، بیاید. به آقا خیر دادند شخصی به زیارت عاشورا اشکال وارد کرده و متأسفانه آخوند است. آقا (قدس سره)فرمودند: او آخوند نیست، می خواهد با لباس آخوندی آبرو کسب کند و فکر می کند با مطرح کردن این افکار بزرگ می شود، حال آنکه این اشخاص عاقبت خوشی ندارند و چوب نادانی خود را خواهند خورد. خداوند به تمام عزیزانی که در راه دفاع از عقاید شیعه و دفاع از مسلمات تلاش می کنند، توفیق دهد. تا افراد متدین و فاضل وجود دارند، این گونه افراد موفق به القای شبهه نخواهند شد؛ زیرا طلاب متدین اجازه نخواهند داد و بر همه تکلیف است که از عقاید حقه دفاع کنند. به حرف این اشخاص گوش ندهید، آنها دیر یا زود چوب عمل خود را خواهند خورد. پاسدار و نگهبان مبانی و عقاید حقه شیعه، خود اهل بیت (علیهم السلام) هستند و امام زمان(علیه السلام)ناظر است و عنایت می کند، کاری نکنید که دل امام زمان(علیه السلام) به درد آید؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ».

شیعیان خارج از کشور ایران حقایق دینی و احکام شرعیه را از چه کسی باید اخذ نمایند؟  
بسمه تعالی؛ حقایق دینی و احکام شرعیه را باید از اهل آن اخذ کرد و اهل آن، در  
حوزه های علمیه می باشند، افرادی که به علم و عمل معروف هستند. لازم است عده ای  
از جوانان مسلمان کشورهای دیگر نیز به حوزه های علمیه بیایند و پس از آشنایی با مکتب  
اهل بیت(علیهم السلام) و تعلم احکام، به بلادشان رفت و آمد کرده و مردم را با مذهب اهل  
بیت(علیهم السلام) و احکام الهی آشنا نمایند که در این صورت بزرگ ترین اجر را خواهند برد  
و فردای قیامت در مقابل اهل بیت(علیهم السلام) رو سفید خواهند بود، ان شاء الله تعالی.

مراکز اسلامی موجود در سرتاسر کشور، به چه کسانی باید رجوع نمایند؟

بسمه تعالی؛ حوزه های علمیه، مرکز فراگیری معارف دینی و احکام دین می باشند و علمای بزرگی در این حوزه ها پرورش می یابند و دین به واسطه جهد و کوشش آنها حفظ شده و می شود (ان شاء الله تعالی). بدین جهت حوزه های علمیه، اهم مراکز دینی محسوب می شوند و سایر مراکز اسلامی باید در تمام امور، و در جهت حل مشکل مردم به حوزه های علمیه مراجعه کرده و مسائل خود را از اساتید و علمای متبحر جویا شوند و رهنمودهای آنها را معیار عمل خود قرار دهند که ان شاء الله توفیق خواهند یافت که به دین خدمت کرده و قلب امام زمان (علیه السلام) را شاد نمایند.

در جهت اخذ عقاید حقه و احکام الهی به چه کسانی مراجعه کنم؟

بسمه تعالی؛ به علمای متبحر و کسانی که عمرشان را در تنقیح عقاید حقه و احکام الهیه صرف کرده اند، رجوع نمایید. آنهایی که با تلاش شبانه روزی خود با تمام وجود از مبانی حقه تشیع دفاع نموده و اجازه نداده اند که عده ای جاهل، دین را به خطر انداخته و با القاء شبهات، عوام از مؤمنین را فریب دهند. علمای متبحر، بزرگ ترین نعمت الهی هستند که جهت اخذ عقاید حقه و احکام الهی باید به آنان رجوع کرد.

چه کنیم که خداوند متعال از ما راضی باشد و جهت کسب فیض اخلاقی به چه کتابی مراجعه کنم؟

بسمه تعالی؛ اگر به وظایف شرعیتان عمل کنید و به دستورات الهی پایبند باشید، رضای خدا را کسب کرده اید. برای استفاده از مطالب اخلاقی می توانید به معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی (رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی (رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله)، طهاره الأعراف ابن مسکویه (رحمه الله)، محجه البیضاء مرحوم فیض کاشانی (رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) مراجعه کنید، والله الهادی الی سواء السبیل.

در چه مجالسی شرکت کنیم؟

در مجالسی شرکت کنید که ولأهل بیت (علیهم السلام) در آن حاکم باشد؛ مجالسی که فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و اخلاق و کردار آنان ذکر می شود، به طوری که وقتی از مجلس خارج می شوید، استفاده برده باشید. شرکت در این مجالس، علاوه بر ذخیره ثواب برای آخرت، عمل به تکلیف است که آن تکلیف، حفظ شعائر و دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) می باشد و خود این شرکت، تأثیر بسزایی بر انسان می گذارد، به طوری که یکی از آثار آن دوری از گناه است.

دانش آموزی هستم که به عرفان زیاد فکر می کنم و گاهی اوقات احساس می کنم که میل به طی مراحل عرفانی را دارم، به نظر جنابعالی چه باید بکنم؟

بسمه تعالی؛ سیر در مراحل عرفانی، وجوب شرعی ندارد. وظیفه شما پس از تحصیل اعتقادات صحیح، عمل به رساله علمیه است. از ورود در مراحل عرفانی، ولو به کمک استاد اجتناب کنید، از آن نظر که بیم اشتباه در تعیین استاد حقیقی و خوب وجود دارد و ممکن است به ضلالت در عقاید و اعمال کشیده شوید، والله الهادی الی سواء السبیل.

با توجه به اینکه اینجانب دانش آموز هستم و همواره در صدد ارتقای معنویت خویش می باشم بعضی از کتب معتبر دعا را معرفی کنید تا بتوانم از آنها استفاده کنم؟

بسمه تعالی؛ بعضی از کتب معتبره دعا عبارت اند از: مهج الدعوات و مصباح الزائر و اقبال الأعمال مرحوم سید بن طاووس (رحمه الله)، مصباح المتهدج مرحوم شیخ طوسی (رحمه الله)، المصباح والبلد الأمين مرحوم کفعمی (رحمه الله)، زاد المعاد مرحوم مجلسی (رحمه الله) و مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی (رحمه الله)، والله الموفق.

با توجه به اینکه اینجانب دانش آموز هستم بفرمایید از خواندن چه کتبی باید اجتناب کنم؟  
بسمه تعالی؛ از خواندن کتاب هایی که موجب گمراهی، تشکیک در اصول دین، سستی در عمل به احکام و یا فساد اخلاق بشود باید اجتناب نمود، والله المسدد.

چه کتاب های اخلاقی را مطالعه نماییم؟

بسمه تعالی؛ کتبی را انتخاب نمایید که غرض مؤلف این بوده که خواننده را با حقایق هستی آشنا نموده و او را به سمت و سوی معنویت و اجتناب از معاصی سوق دهد و کتاب مشتمل بر مطالبی باشد که ایمان را در قلوب مؤمنین تقویت نماید. به لطف خدا، در این زمان کتب مختلفی در این خصوص در دسترس همگان وجود دارد که با مطالعه فهرست کتاب می توانید به محتوای کتاب پی برده و آنچه را می خواهید به دست آورید؛ از جمله به معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی(رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی(رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله)، طهاره الأعراف ابن مسکویه(رحمه الله)، محجه البیضاء مرحوم فیض کاشانی(رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله) مراجعه کنید، واللّٰه الهادی الی سواء السبیل.

خواندن کتب علی شریعتی را برای جوانان چگونه می دانید؟

بسمه تعالی؛ کتاب های وی مشتمل بر مطالب غیر صحیحی است که مجال تفصیل آنها نیست. خواندن کتب شخص مذکور، تضییع عمر است، به کتبی مراجعه کنید که مؤلف آن، به تقوا و دین معروف بوده، و محتوای آن کتب شما را در جهت نیل به کمال اخلاقی راهنمایی نماید تا بتوانید ایمان را در خود بیمه کنید؛ مانند کتب معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی (رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی (رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله)، طهاره الأعراق ابن مسکویه (رحمه الله)، مهجه البیضاء مرحوم فیض کاشانی (رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) و... و به طور کلی به کتبی مراجعه کنید که هدف مؤلف، تقویت ایمان در قلوب مؤمنین باشد، والله الموفق.

آیا يك شخص جوان می تواند ورزش را شغل خود قرار دهد؟

بسمه تعالی؛ جوان مسلمان باید شاغل باشد. خداوند متعال جوان بیکار را دوست ندارد و شغلی که در شرع مطلوبیت دارد شامل ورزش نمی شود مگر اینکه ورزش امر تبعی باشد، والله الموفق.





\* توصیه هایی برای درك فضیلت ماه رجب  
\* توصیه هایی برای برگزاری با عظمت مراسم  
حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

\* نصیحتی به مسئولین

\* زیارت عاشورا

\* حدیث کساء





چه توصیه ای برای ماه مبارک رجب المرجب می فرمایید؟

«یا ذا الجلال والإکرام یا ذا النعماء والجلود یا ذا المن والطول حرم شیعی علی النار».

خدا را شکر گذاریم که بار دیگر به ما توفیق عنایت فرمود: ماه رجب را که به فرموده رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ماه بزرگ خداست و ماهی به حرمت و فضیلت آن نمی رسد درک کنیم. رسول گرامی اسلام فرمود: هرکس در ماه رجب یک روز را روزه بگیرد مستوجب خشنودی خدا خواهد شد و از غضب الهی در امان خواهد بود و درهای جهنم بر روی او بسته خواهد شد. حال که خدا این توفیق بزرگ را به ما عنایت فرموده قدر آن را بدانیم و در این ماه مبارک ارتباط خود را با خدای منان قوی سازیم و با تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) آخرت خود را آباد سازیم دنیا زودگذر است و خصوصاً عزیزان نسل جوان توجه نمایند که خدای ناکرده از این روزهای مبارک غافل نگذردند و با توسل و عبادت برکات این ماه عزیز را درک نمایند وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش نمائید که خدا آمرزنده و مهربان است.

یکی از اسامی این ماه عزیز «اصب» می باشد و بدان جهت به آن اصب گفته اند که رحمت بی کران خداوند در این ماه عزیز بیشتر از ماه های دیگر شامل حال بندگان می شود پس بسیار بگویند: استغفر الله واسئله التوبه، امر دیگری که به عظمت و فضیلت این ماه افزوده است ولادت با سعادت مولای متقیان و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) در این ماه است که افتخار ما شیعیان تمسک به حبل ولایت اوست که تنها راه نجات است و همچنین در این ماه عزیز (ان شاء الله) توفیق درک ایام البیض خواهیم داشت که سعادت بزرگ برای بندگان خداست مؤمنین ان شاء الله با شرکت در مراسم معنوی اعتکاف و برگزاری مجالس توسل و انابه برای تعجیل در فرج قطب عالم امکان و فریادرس مظلومان آقا ولیعصر (عج) و جهت رفع فتنه از همه مؤمنین دعا نمایند.

سالم می گویند: در اواخر ماه رجب خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدیم از من پرسید آیا روزه گرفته ای؟ عرض کردم: خیر، فرمود: آن قدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را خدا می داند! آنگاه فرمود: سالم اگر یک روز از آخر این ماه را روزه بگیری از شدت سکر مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر در امان خواهی بود و هر کس دو روز روزه بگیرد از صراط به آسانی بگذرد و هر کس سه روز از آخر این ماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس روز قیامت و از شدت ها و سختیهای آن و خداوند به او عنایت فرماید ایمنی از آتش جهنم را.

در پایان از خداوند متعال عاجزانه مسألت می‌نمایم که با فرج مولایمان ارواحنا فداه  
قلوب همه مؤمنین را تسلی بخشیده و در این ماه مبارک که ماه اجابت دعاست دعاهایمان را  
مستجاب فرماید.

شهادت حضرت صدیقه شهیده (علیها السلام) نزدیک است نصیحتی بیان فرماید.

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): فاطمة بضعة مني يرضى الله لرضاها ويغضب لغضبها.

شکی نیست که مهمترین و برترین آرزوی هر مؤمن به دست آوردن رضایت خداوند متعال می باشد و این آرزو برای هیچ مؤمنی حاصل نمی شود مگر آنکه بتواند رضایت و خشنودی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را جلب نموده و در مسیر آنها قدم بردارد. رضایت این ذوات مقدسه و خشنودی آنها جدای از رضایت حضرت باری تعالی نمی باشد چنانچه خداوند متعال مودت و محبت و ولایت ایشان را به صریح آیه شریفه: (قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى) (۴۶) بر همگان واجب نموده و طریق جلب رضایت خود را تحصیل محبت و ولایت و مودت ایشان قرار داده است، مسلماً وجود مقدس صدیقه شهیده فاطمه زهرا (علیها السلام) از بارزترین مصادیق اهل بیت (علیهم السلام) است که رضایت او رضای خدا، و خشم و غضبش خشم و غضب خداوند را به دنبال دارد و بهترین وسیله برای جلب رضایت این ذوات مقدسه اهتمام به نشر فضائل و مناقب آنها و ابلاغ مظلومیت آنها بر همگان است، حال که ایام سوگواری و شهادت آن حضرت فرا رسیده بر مؤمنین است که از تعظیم این ایام دریغ ننموده و سعی در ابلاغ مظلومیت آن حضرت و بیان مصائب و ظلمها و ستمهایی که بر آن ذات مقدس گذشته است بنمایند و شبهه ای نیست که این امر از مصادیق بارز تعظیم شعائر است که خداوند متعال در ضمن آیه شریفه (ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب) (۴۷) به آن سفارش فرموده است بلکه بیان فضائل و مناقب و مواضع صدیقه شهیده در این زمان از امور ضروریه ای است که باعث دفع شبهات معاندین و دسیسه شیاطین خواهد شد و موجب تحکیم ارکان دین و شریعت مقدسه می گردد، از خداوند می خواهیم که ما را از متمسکین به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده و شفاعتشان را شامل حال ما گرداند، آمین یا رب العالمین. (۴۸)

(۴۶) الشوری، آیه ۲۳.

(۴۷) الحج، آیه ۲۲.

(۴۸) فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: حرکت مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین در روز سوم جمادی الثانی؛ یعنی روز شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در فصل گرما واقع می شد؛ گرما بسیار سوزاننده بود، حتی يك گام برداشتن بر روی زمین با پای برهنه مشکل بود، به طوری که من طاقت نداشتم قدمی بردارم. از این رو به مرحوم والد (قدس سره) خبر کرده و گفتم: آقا! گرما شدید است شما اگر انزیت می شوید، کفش بپوشید. ایشان همان طور که به سینه می زد و گریه می کرد، فرمودند: فرزندم! بگذار پاهایم بسوزد. برای مصیبت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هر کاری بکنم، کم است. مگر این دخت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) چه گناهی داشت که این همه ظلم در حق او مرتکب شدند، پسرم! مگر مصیبت حضرت کم بود؟ ما در مصیبت بی بی دو عالم (علیها السلام) هر کاری کنیم، کم کرده ایم. می خواهم هرآنچه در توان دارم در راه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) تلاش نمایم تا قیامت حسرت آن را نخورم». فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: وقتی به خانه برگشتیم، کف پای ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان آسیب دیده بود؛ ولیکن ایشان اشک می ریخت و می فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) کم است؛ عاشق سعیداً و مات سعیداً.

### چه نصیحتی به مسئولین مملکت دارید؟

می توان به نصیحت امام باقر (علیه السلام) به عمر بن عبدالعزیز<sup>(۴۹)</sup> اشاره کرد که فرمودند: اگر شخصی به قدرتی دست یافت بر آنچه که متعلق به خود است نافع باشد و آنگونه با مردم برخورد کند که آثار رحمت و رأفت از او ظاهر باشد و رضایت خدا را همیشه مد نظر بگیرد و درکارها بر رضایت دیگران اهمیت ندهد بلکه ضمن مراعات تقوای الهی فقط رضایت خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) را در کارهایش مد نظر داشته باشد.

روزی عمر بن عبدالعزیز دستور داد که ندا کنند هرکس ظلم و ستمی دیده و یا چیزی از او به ظلم گرفته شده بیاید تا به کارش رسیدگی شود. امام باقر (علیه السلام) نزد عمر بن عبدالعزیز بردند، عمر مشغول پاک کردن چشمانش بود. امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای عمر، چرا گریه کردی؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا هشام مرا با کارهای چنین و چنانش به گریه انداخته.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «ای عمر! این دنیا بازاری است که وقتی از آن خارج می شوند، عده ای منفعت برده اند و گروهی ضرر کشیده اند و چه بسیاریند افرادی که دنیا آنها را گول زد تا آنکه در حال غفلت، مرگ به سراغشان آمد و با حالت غمزدگی و ملامت از دنیا خارج شدند، چون توشه ای برای جهان آخرت خود بر نگرفتند و برای آنچه از آن کراهت داشتند، مانعی فراهم نکردند. مال های آنان را پس از مرگشان کسانی تقسیم کردند که سپاسگزار آنان نبودند (مانند ابوبکر و عمر که فدک را غصب کردند) و ما به خدا

مؤسس فاطمیه و بزرگ پرچمدار انقلاب ایام فاطمیه به عاشورای دیگر، فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در گرمای سوزان و با پای برهنه همه ساله سوم جمادی الثانی روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) جهت عرض ادب به ساحت مقدس فاطمه معصومه (علیها السلام) همراه با فضلا، طلاب و متدینین به سوی حرم مطهر روانه می شدند. سال ۱۳۸۳ گرما سوزان بود و مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه خارج شدند و گرمای سوزان موجب سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره) شد. بعد از مراجعه به دفتر مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به زخمی که کف پایشان ایجاد شده بود به درمان و تمیز نمودن آن مشغول شدند. در آن هنگام حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی دهنین احسانی و آقا زاده مرحوم میرزا (قدس سره) در اتاق نزد مرحوم میرزا (قدس سره) بودند، ناگاه مرحوم میرزا (قدس سره) رو به فاضل محترم شیخ علی دهنین کرده و فرمودند: «ای شیخ ما! این هندی ها و پاکستانی ها که در ایام محرم تأسیاً به درد و رنج های امام حسین (علیه السلام) روی آتش (زغال گذاشته) حرکت می کنند و می گویند پاهایشان نمی سوزد و احساس نمی کنند راست می گویند؛ زیرا شما ببین کف پایم از سوزش زخم شده اما من در طول مسیر حرکت، سوزشی احساس نکردم.»

(۴۹) طی سؤالی که از مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در خصوص عمر بن عبدالعزیز مطرح شده، ایشان (قدس سره) در پاسخ فرمودند: «هو أهون الخلفاء الامویین علی أهل البیت (علیهم السلام) والمعروف أنه هو الذی رفع سب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) علی المنابر واستبدل السب بقوله تعالی: (إِنَّ اللَّهَ يُؤْمِرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) وكل امرئ بما عمل رهین». (انوار الالهیه، ص ۳۸۵) یعنی ظلمش نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) کمتر از خلفاء دیگر بنی امیه بوده است و معروف است که او سب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را رفع کرد و به جای آن آیه قرآن (إِنَّ اللَّهَ يُؤْمِرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) را جایگزین کرد «و هر عملی فردای قیامت خود شخص مسئول آن است» و طی استفتاء دیگر (قدس سره) نوشتند: عمر بن عبدالعزیز جزء کسانی است که مدتی غصب خلافت کرده است.



قسم سزاوارتریم که به اعمال گذشتگان خود بنگریم، پس هر چه از اعمال نیک انجام داده اند که ما غبطه و آرزوی آنها را داریم، انجام دهیم و هرچه از اعمال زشت که انجام داده اند و ما از آنها ترسانیم، انجام ندهیم.

ای عمر! تقوای خدا را پیشه کن و دو چیز را در قلب خود جایگزین نما، ببین وقتی که به خدای خود وارد می شوی دوست داری چه چیزی همراهت باشد، آن را پیش فرست و نیز ببین از همراهی با چه چیزی ناراحتی؟ آن را رها کن و کالایی را که دیگران بردند ولی بازارش کساد بوده با خود مبر که امید داشته باشی از تو قبول کنند.

ای عمر! تقوا داشته باش و درهای به سوی خودت را باز کن و پرده داران را کنار بزن و مظلومان را یاری کن و آنچه ظالمان ستمگر گرفته اند برگردان!

سپس امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «هرکس سه چیز در او باشد ایمانش کامل است.» در این حال عمر بن عبدالعزیز روی زانو نشست و مشتاقانه گوش داد و گفت: «بگوئید ای اهل بیت نبوت».

حضرت فرمود: بله ای عمر!

- ۱- کسی که وقتی از چیزی راضی شد رضایتش او را در باطل داخل نکند (مانند کسی که به خاطر رضایت عیالش، خود را به گناه و معصیت می افکند).
- ۲- کسی که وقتی بر چیزی خشم کرد از حق خارج نشود (مانند کسی که غضب می کند و ناسزا و دروغ و تهمت می گوید).
- ۳- کسی که وقتی به قدرت رسید به آنچه مال او نیست، دست درازی نکند (مانند سلاطین و جباران که مال دیگران را غصب می کنند).<sup>(۵۰)</sup>

(۵۰) در این حال عمر بن عبدالعزیز که خوب می دانست امام باقر(علیه السلام) به چه نکات ظریفی اشاره دارد، دوات و کاغذی طلبید و نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، این سندی است که عمر بن عبدالعزیز مال غصب شده محمد بن علی الباقر(علیه السلام) یعنی فنك را به او برگردانده است».

## زیارت عاشوراء موجود در مفاتیح الجنان؟

بسمه تعالی؛ زیارت عاشورا از نظر سند معتبر می باشد و هیچ گونه شبهه ای در آن نیست و در کتب علماء بزرگ طایفه نقل شده و مجرب می باشد و مضامین زیارت در بعضی روایات صحیحه موجود می باشد.<sup>(۵۱)</sup>

.....  
.....  
.....<sup>(۵۲)</sup>

(۵۱) فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) گاهی در روزهای زیارتی امام حسین (علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان «زیارت عاشورا، فوق شبهات» تدوین کردند و می فرمودند: به واسطه مداومت بر زیارت عاشورا بسیاری از علما به درجه و مقام عالی نائل شدند و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، و معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و روشنگر ظلم هایی است که بر خاندان نبوت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سید الشهداء — امام حسین (علیه السلام) — سفینه نجات است. متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در آخرت در بهترین مکان ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله معروف مرحوم میرزا (قدس سره) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»، همیشه در ذهن ها زنده است که این پیرمرد ولایی چگونه به این خاندان عشق میورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در شهر احساء، تشکیکاتی در خصوص زیارت عاشورای موجود مطرح کرده و به طور کلی این شیخ کذایی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) فرمودند: «زیارت عاشورا از نظر سند صحیح می باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند که از اقامه دلیل عاجز است؛ و فقط انکار می کند تا مشهور شود. (خَالِفٌ تُعْرِفُ) نیاید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه «مصباح المتجهد» موجود است و در آن زیارت عاشورا به شکل معروف موجود می باشد. نسخه ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی (قدس سره) بر می گردد، اصلاً این گونه زیارت به سند احتیاج ندارند، بلکه زیارت عاشورا مجرب است هر چند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده اند، مثل محمد بن المشهدی (قدس سره) در «المزار»، ابن طاووس (قدس سره) در «مصباح» و شهید اول (قدس سره) در کتاب «مزار» و . . . و چه بسیار افرادی که از برکت زیارت عاشورا به حوائج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه معنوی نائل شدند. اصلاً این گونه زیارتی که مجرب هستند و آثار آن بر همه ظاهر شده است، احتیاج به سند ندارند و با همه این احوال، زیارت عاشورا به همین شکل موجود محکم است و جای تردیدی در آن نیست. بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می کنند، موفق گرداند، ان شاء الله تعالی.»

در سال های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شبهاتی در جامعه به راه انداختند که مرحوم میرزا (قدس سره) با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شبهات، جواب محکمی به مشککین دادند. ایشان می فرمودند: «اینان که شبهه به راه می اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند دست به القا شبهات می زنند. علمای بزرگ به واسطه توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند.» مرحوم میرزا (قدس سره) می فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب «مفاتیح الجنان» آمده ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند اثر خواندن این دعا را دیده و می بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا یادآور مصائبی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته و هر کس به

..... (۵۳)

..... (۵۴)

..... (۵۵)

واسطه این زیارت به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف مجرب است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعاهای دیگر شبیه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی سوادی آنها است حرف هایی بزنند اما بدانید که ادعیه مشهور از جمله زیارت «جامعه»، و دعای «توسل»، و حدیث «کساء» و ... مجرب هستند و وسیله ای برای ارتباط با پروردگار، به شمار می روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید. ان شاء الله تعالی.»

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می فرمودند: «هر هفته عده ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه این توسل، از سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستیم. در این جهت مولا (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده اند و فقط کارشان شبیه افکنی است، توجه نکنید. خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.»

فاضل محترم، حجت الاسلام شیخ غلامرضا توکلی می گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می کرد که با مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) صحبت نماید، به ایشان گفتم که میرزا (قدس سره) مکالمه تلفنی فعلاً ندارند، اگر مطلبی دارید بفرمائید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم به مسجد جمکران زیاد می رفتم تا اینکه چهل شب تمام شد ولی مشکلم حل نشد شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت (علیه السلام) به آن مکان رفتم ولی کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت (علیه السلام) برسم ولی دیدم که مردم دور یک روحانی پیرمردی را گرفته اند و مسائلی را با او مطرح می کنند به من گفته اند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم ولی قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم اسم او را سؤال نمودم گفتند: میرزا جواد تبریزی است، من مشکل خود را به ایشان گفتم و ایشان جوابی را که دادند و دستوری را که فرمودند، بعد از بلند شدن از خواب فراموش نمودم بعد از بیداری خیلی ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می باشند، شماره دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می فرمایید. شیخ توکلی می گوید: خدمت آقا آمدن و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا (قدس سره) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلتش ان شاء الله حل خواهد شد.

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم پاشی در بین متدینین می کنند و می گویند: فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند ما بر آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان تحریف شده است. از مرحوم میرزا (قدس سره) سؤال شد که آیا می شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که تشکیک در زیارت عاشورا کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورا

مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی (قدس سره) برمی گردد و شامل تمام فقرات زیارت می باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا پلی است به سوی استجاب دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعداء اهل بیت (علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارك را قرائت نمایند و به واسطه توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.**»

## حدیث کساء موجود در مفاتیح الجنان؟

بسمه تعالی؛ این حدیث از احادیث مجرب می باشد و از مسلمات و مرتکزات در اذهان عموم مؤمنین، علما و اصحاب ائمه (علیهم السلام) بوده و جای شك و شبهه ای در آن نیست و یکی از مصادیق «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» می باشد که حدیث شریف کساء شامل می شود. (۵۶)

..... (۵۷)

.....

(۵۶) روزی یکی از شاگردان فقیه مقدس، میرزای تبریزی (فلس سره) خبر داد که بعضی افراد در خصوص «حدیث کساء» به نحو موجود در «مفاتیح الجنان» ایجاد اشکال کرده و مفاتیحی ارائه نموده اند که بدون حدیث کساء می باشد. فقیه مقدس، میرزای تبریزی (فلس سره) سخت ناراحت شده و فرمودند: حدیث کسای مشهور و معروف بین علما و مؤمنین، همین حدیث کسای موجود در «مفاتیح الجنان» است و بسیار مجرب می باشد. حدیث کساء، توسل به مقام شامخ ائمه است و مضامین آن بسیار عالی می باشد و بسیاری از افراد جهت حل مشکل، آن را تجربه کرده و نتیجه گرفته اند. اصولاً توسل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، صدیقه طاهره (علیها السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام) واسطه قرار دادن آنها در پیشگاه خداوند متعال برای برآورده شدن حاجات از مسلمات و مرتکزات در اذهان عموم مؤمنین، علما و اصحاب ائمه (علیهم السلام) بوده و جای هیچ شك و شبهه ای در آن نیست و اگر در موردی مانند این موارد که از مسلمات بین مؤمنین است روایات زیادی در دسترس نباشد، که نه به جهت ضعف مطلب؛ بلکه به جهت وضوح مطلب و رسوخ آن در اذهان است، این خود کافی بوده و نیازی به نقل و ضبط ندارد. اصحاب ائمه (علیهم السلام) عمده اهتمامشان بر این بود که در فروع، جهات مختلف را مورد سؤال قرار داده و روایات آن را ضبط و نقل نمایند و در اصول و مسائل اعتقادی و آنچه که به مقام و منزلت معصومین (علیهم السلام) مربوط می شود، به جهت وضوح و مسلم بودن به سؤال و نقل محدود اکتفا می کردند. مسئله توسل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) امری نیست که کسی بتواند در آن تشکیک نماید، هر چند بعضی ها که نمی دانند یا نمی خواهند بدانند، از جهاتی در صدد ایجاد شبهه در اذهان مردم؛ به خصوص ضعفای مؤمنین هستند، اما تلاش اینان بی ثمر بوده و به نتیجه ای نخواهد رسید. مگر نه اینکه خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ یعنی برای رسیدن به خداوند و تقرب به درگاه او وسیله بجویید. چه وسیله و واسطه ای مهم تر و اساسی تر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) می باشد! توسل به آن ذوات مقدسه نه تنها در میان مؤمنین این امت و علما و اصحاب ائمه (علیهم السلام) امری رایج بوده بلکه در انبیا سابق هم مورد توجه بوده است؛ چنان که از روایاتی که در توبه حضرت آدم در ذیل آیه شریفه: «وَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتَ فَصَابَ عَلَيْهِ» وارد شده و غیر از این مورد، از روایات متعدد در مورد انبیا به دست می آید. بنابراین، توسل والتجا به آن بزرگواران و شفیع قرار دادن آنها در پیشگاه خداوند متعال جهت عظمت مقامی که برای آن حضرات در نتیجه عبودیت و نهایت تنزل و بندگی شان در درگاه خداوند ثابت است، به خواندن دعای توسل یا حدیث کساء و امثال آن از مصادیق: «ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» و موجب نجات و خلاصی از ناگواری ها و دشواری ها و ایجاد زمینه بر خورداری از برکات و مواهب می باشد. همان طور که شفاعت آنها در آخرت موجب نجات و رهایی از عذاب آخرت است و مؤمنین به شفاعت آن بزرگواران امید دارند و خداوند متعال هم شفاعت آنها را می پذیرد، بر اساس آیه شریفه: «يَوْمَئِذٍ لَنَنْفَعُ الشَّفَاعَةَ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَدْنَىٰ لَهُ» اگر بنا باشد که خداوند

متعال به شفاعت کسی در روز قیامت اذن بدهد، در اول مرتبه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام) می باشند و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) قدر متیقن از اذن در شفاعت می باشند، همان طور که قبول ولایت آن بزرگواران، اقتدا و تأسی به آنها در مقام عمل، تنها راه رسیدن به سعادت و رستگاری می باشد و هدایت تنها در این راه است که: «الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَالسَّبِيلُ الْأَعْظَمُ أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَبِيعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

یکی از مصادیق «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» دعا است که حدیث کساء را شامل می شود. این حدیث شریف را بخوانید که نتایج آن را بزرگان از مؤمنین دیده اند و ان شاء الله به عنایت امام زمان (علیه السلام) امور حل می شود. نگران نباشید. از خدا بخواهید که لذت عبادت را به شما عنایت نماید و بعد از چشیدن حلاوت عبادت، معنویتی در خود احساس می کنید که لذت آن از هر چیزی بالاتر خواهد بود.

قابل توجه مؤمنین به خصوص طلاب محترم:

بذل محبت نموده هرگونه خاطره، کرامت، مقاله و شعر در خصوص فقیه مقدس راحل، آیت الله العظمی

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) را به آدرس زیر ارسال نمایید:

شهر مقدس قم — خیابان شهید فاطمی (دور شهر) — کوچه ۳۶ — پلاک ۴۵ — دار الصدیقة

الشهيدة (علیها السلام) — تلفن ۷۷۳۲۱۵۳ — نمابر ۷۷۴۳۷۴۳

پست الکترونیکی:

tabrizi\_live@yahoo.com

tabrizi-mktab-qom@hotmail.com

سایت:

www.tabrizi.org